

الْحَمْدُ
لِلَّهِ
الْحَمْدُ
لِلَّهِ
الْحَمْدُ
لِلَّهِ

- سرشناسه: فلاح‌زاده، محمدحسین، ۱۳۳۸
- عنوان و نام پدیدآور: آموزش احکام همراه با استفتائات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)/ محمدحسین فلاح‌زاده.
- مشخصات نشر: قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۰.
- شابک: ۹-۱۰-۵۹۳۴-۹۶۴-۹۷۸
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- یادداشت: چاپ هفتم ۱۳۹۱ (فیبا).
- یادداشت: چاپ هشتم: ۱۳۹۴ (فیبا).
- یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
- موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه؛ فتوهای شیعه -- قرن ۱۴
- رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۱۸۳/۹/ف/۸۱۷۵ BP
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۷۵۹۴

آموزش احكام

همراه با استفتائات مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی)

محمد حسین فلاح زاده



مرکز بین المللی
ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

آموزش احکام

همراه با استفتائات مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی)

مؤلف: محمدحسین فلاحزاده

چاپ هشتم: ۱۳۹۴ ش / ۱۴۳۶ ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: زلال کوثر ● قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۲۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مراکز فروش:

- قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نیش کوچه ۱۸. تلفکس: ۰۲۵-۳۷۸۳۹۳۰۵-۹
- قم، بلوار محمدامین، سهراب سالاریه. تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۱۴۶
- قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸. تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۴۰۲

pub.miu.ac.ir miup@pub.miu.ac.ir

با سپاس از دست‌اندرکارانی که ما را در تولید اثر یاری رساندند.

سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت افراد متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه‌چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به‌روز کردن آنها نیز این

انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد. در این بستر، حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی‌اند. «**جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية**» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است. «**مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ ﷺ**» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای محمدحسین فلاح‌زاده مؤلف کتاب آموزش احکام و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته‌اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می‌کند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ ﷺ

مقدمه پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ

حقیقت‌مداری اصیل‌ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت‌طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت‌جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای‌بندی به حقیقت بی‌منتها، در مصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته‌اند و در این میان، چه درخشندگی چشم‌نوازی در اسلام عزیز است که علم را، به ذات خود، شرافت‌مند و فخیم دانسته و از باب تا محراب کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می‌نمایاند و در مکتب آن، جز اولوالعلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست‌یابی به گنجینه‌های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می‌بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی‌آورد و هم جامعه را سمت‌وسویی سعادت‌مندانه بخشیده و آن را به جامعه‌ای متمدن و پیشرو متحول می‌کند. بی‌توجهی و یا کوتاه‌فکری است اگر فرد و جامعه‌ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و

سربلندی مادی و معنوی باشند اما آن را در صراطی غیر از حقیقت‌طلبی، علم اندوزی و حکمت‌مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی‌سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن‌های پویشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقاهتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت‌ها و مأموریت‌های حوزه‌های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی‌خواهان و حق‌طلبان سراسر جهان زنده ساخت. در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب (مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیر رحمته‌الله، در صحنه حاضر شده و بر خطورت و فوریت حرکت فراگیر و بی‌وقفه همه توان‌مندی‌ها و اراده‌ها جهت تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه‌های میان‌بر و دانش‌فزا در این خصوص، تأکید ورزیده و پیشرفت این مهم را راهبری و رصد می‌کنند.

جامعة المصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌و العالمیة، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین‌المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان‌شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌و و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت علیهم‌السلام جامه تحقق می‌پوشاند.

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌و نیز که مهم‌ترین و گسترده‌ترین مجموعه پژوهشی المصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌و است، بومی‌سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر متناسب با نیازها و اقتضائات عرصه بین‌الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی،

گشودن افق‌های نوین فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی به‌ویژه با رویکرد اسلامی‌سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت‌های سازمانی المصطفی ﷺ را از جمله مأموریت‌ها و تکالیف خود می‌داند.

اثر علمی پیش روی نیز که به همت مؤلف محترم جناب آقای محمدحسین فلاح‌زاده به عنوان کتاب کمک‌آموزشی تهیه و تدوین شده است، درچارچوب همین اهداف و برنامه‌های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی‌های صورت گرفته، تدوین و برای استفاده خوانندگان محترم تقدیم شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش‌های خالصانه مؤلف محترم، از کلیه دست‌اندرکاران محترم آماده‌سازی و انتشار این اثر ارزشمند، به‌ویژه همکاران محترم مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی ﷺ و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته‌اند، قدردانی و تشکر نمایم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نمایم.

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

فهرست

بخش اول: اجتهاد و تقلید

۲۵	۱. شناخت احکام
۲۶	شرایط تکلیف
۲۷	اقسام احکام
۲۹	۲. اجتهاد و تقلید
۲۹	مجتهد و فقیه
۲۹	مرجع تقلید
۳۰	۱. ویژگی‌های مرجع تقلید
۳۱	۲. عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر
۳۳	۳. عمل بدون تقلید و تقلید نادرست
۳۴	۴. راه‌های شناخت مرجع تقلید
۳۴	۵. راه‌های به‌دست آوردن فتوای مجتهد
۳۶	۶. اختلاف در دست‌یابی به فتوای مجتهد
۳۶	تفاوت «فتوا» با «احتیاط»
۳۷	تفاوت فتوا با حکم
۳۸	تعارض فتوا با حکم

بخش دوم: طهارت (۱)

- ۴۵..... ۱. نجاسات (ناپاکی‌ها) ۴۵
- ۴۶..... ادرار و مدفوع..... ۴۶
- ۴۶..... مردار..... ۴۶
- ۴۷..... مردار حیوان..... ۴۷
- ۴۸..... حکم اشیای چرمی..... ۴۸
- ۵۰..... فرآورده‌های لبنی..... ۵۰
- ۵۱..... احکام خون..... ۵۱
- ۵۲..... شراب..... ۵۲
- ۵۳..... کافر..... ۵۳
- ۵۴..... چگونه چیز پاکی نجس می‌شود؟..... ۵۴
- ۵۷..... ۲. مُطَهَّرَات (پاک کننده‌ها)..... ۵۷
- ۵۷..... چگونه چیز نجس پاک می‌شود؟..... ۵۷
- ۵۸..... آب..... ۵۸
- ۵۸..... ۱. احکام آب مضاف..... ۵۸
- ۵۸..... ۲. اقسام و احکام آب مطلق..... ۵۸
- ۵۹..... ۳. احکام آب قلیل..... ۵۹
- ۵۹..... ۴. احکام آب کر؛ جاری؛ چاه..... ۵۹
- ۶۰..... ۵. برخی از خصوصیات باران..... ۶۰
- ۶۰..... ۶. احکام شک در آب..... ۶۰
- ۶۱..... ۷. چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب..... ۶۱
- ۶۲..... ۸. برخی احکام تطهیر ظروف..... ۶۲
- ۶۳..... ۹. آب کشیدن زمین نجس..... ۶۳
- ۶۳..... ۱۰. آب کشیدن حبوبات..... ۶۳
- ۶۴..... زمین..... ۶۴
- ۶۵..... آفتاب..... ۶۵
- ۶۶..... شرایط مُطَهَّر بودن آفتاب..... ۶۶
- ۶۷..... استحاله..... ۶۷

انتقال ۶۸

اسلام ۶۸

تبعیت ۶۹

برطرف شدن عین نجاست ۶۹

استبراء حیوان نجاست خوار ۷۰

غایب شدن مسلمان ۷۱

احکام تخلی (توالت رفتن) ۷۱

تطهیر مخرج بول و غائط ۷۲

بخش سوم: طهارت (۲)

۱. وضو ۷۹

چگونگی وضو ۷۹

توضیح اعمال وضو ۸۰

مسح ۸۱

الف) مسح سر ۸۱

ب) مسح پا ۸۲

مسائل مسح سر و پا ۸۲

وضوی ارتماسی ۸۳

شرایط وضو ۸۴

شرایط آب وضو و ظرف آن ۸۵

شرایط اعضای وضو ۸۶

کیفیت وضو ۸۷

۱. ترتیب ۸۷

۲. مؤالات ۸۷

۳. کمک نگرفتن از دیگران ۸۸

شرایط وضوگیرنده ۸۸

وضوی جبیره‌ای ۸۹

کیفیت وضوی جبیره‌ای ۹۰

۹۱	شکایات وضو.....
۹۲	چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت.....
۹۵	مبطلات وضو.....
۹۵	برخی از آداب وضو.....
۹۵	مستحبات وضو.....
۹۶	مکروهات وضو.....
۹۹	۲. غسل.....
۱۰۰	غسل جنابت.....
۱۰۱	کارهایی که بر جنب حرام است.....
۱۰۲	کیفیت غسل.....
۱۰۳	احکام غسل.....
۱۰۵	غسل جبیره‌ای.....
۱۰۵	شکایات غسل.....
۱۰۶	غسل مسّ میّت.....
۱۰۷	احکام اموات.....
۱۰۷	احکام مُحْتَضِر.....
۱۰۹	غسل میّت.....
۱۱۱	احکام میّت.....
۱۱۱	۱. حنوط.....
۱۱۱	۲. کفن میّت.....
۱۱۲	۳. تشییع جنازه و آداب آن.....
۱۱۴	۴. کیفیت دفن میّت.....
۱۱۵	۵. آداب دفن میّت.....
۱۱۶	۶. احکام شهید.....
۱۱۷	۷. مخارج کفن و دفن.....
۱۱۷	۸. نبش قبر.....
۱۱۹	غسل‌های مستحب.....

۱۲۰ غسل های مخصوص بانوان
۱۲۱ ۱. غسل نفاس
۱۲۱ ۲. غسل حیض (قاعدگی)
۱۲۳ الف) اقسام حائض
۱۲۴ ب) احکام دوران قاعدگی
۱۲۴ ج) وظیفه زن پس از قطع قاعدگی
۱۲۵ ۳. استحاضه
۱۲۵ الف) وظیفه مستحاضه قلیله
۱۲۵ ب) وظیفه مستحاضه متوسطه
۱۲۶ ج) وظیفه مستحاضه کثیره
۱۲۷ ۳. تیمم
۱۲۸ اعمال تیمم
۱۳۰ شرایط صحیح بودن تیمم
۱۳۰ تیمم جبیره ای

بخش چهارم: نماز

۱۳۵ ۱. مقدمات نماز
۱۳۶ اقسام نماز
۱۳۶ وقت نمازهای روزانه
۱۳۸ احکام وقت نماز
۱۴۱ ۲. قبله
۱۴۱ راه های تشخیص قبله
۱۴۲ تابش خورشید و تعیین قبله
۱۴۲ احکام کسی که قبله را نمی داند
۱۴۵ ۳. لباس نمازگزار
۱۴۵ مقدار و شرایط پوشش
۱۴۹ ۴. مکان نمازگزار
۱۵۰ احکام مکان نمازگزار

۱۵۳	۵. احکام مسجد
۱۵۳	مسجدسازی
۱۵۴	معماری مسجد
۱۵۶	مخارج مسجد
۱۵۶	لوازم مسجد
۱۵۷	استفاده از وضوخانه مسجد
۱۵۷	نمازخواندن در مسجد
۱۵۸	نماز تحیت مسجد
۱۵۸	جا گرفتن برای نماز
۱۶۰	حفظ حرمت مسجد
۱۶۱	تطهیر مسجد
۱۶۲	رفتن جنب و حائض به مسجد
۱۶۳	مستحبات مسجد
۱۶۴	مکروهات مسجد

بخش پنجم: واجبات، مُبطلات و شکایات نماز

۱۶۹	۱. واجبات نماز
۱۷۰	تفاوت رُکن و غیر رُکن
۱۷۰	احکام واجبات نماز
۱۷۰	۱. نیت
۱۷۰	۲. تکبیرة الاحرام
۱۷۱	۳. قیام
۱۷۳	۴. قرائت
۱۷۶	۵. ذکر
۱۷۶	۶. رکوع
۱۷۹	۷. سجود
۱۸۴	سجده واجب قرآن
۱۸۵	۸. تشهد
۱۸۵	۹. سلام

۱۰. ترتیب ۱۸۶

۱۱. مؤالات ۱۸۶

مستحبات نماز ۱۸۷

۱. اذان و اقامه ۱۸۷

۲. قنوت ۱۸۸

۳. تعقیب نماز ۱۸۸

۲. مُبطلات نماز ۱۸۹

احکام مبطلات نماز ۱۹۰

۱. سخن گفتن ۱۹۰

۲. خندیدن و گریستن ۱۹۱

۳. روی از قبله برگرداندن ۱۹۱

۴. برهم زدن صورت نماز ۱۹۱

۵. دست‌ها را برهم گذاشتن ۱۹۲

۶. آمین گفتن ۱۹۲

برخی مکروهات نماز ۱۹۳

۳. شکایات نماز ۱۹۵

اقسام شک در نماز ۱۹۵

۱. شک در اجزای نماز ۱۹۵

۲. شک در رکعات ۱۹۶

الف) شک‌های مبطل نماز ۱۹۶

ب) شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد ۱۹۶

ج) شک در رکعات نماز چهار رکعتی ۱۹۷

نماز احتیاط ۲۰۰

سجده سهو ۲۰۰

بخش ششم: انواع نمازها

۱. نماز مسافر ۲۰۷

مواردی که نماز مسافر تمام است ۲۰۸

- ۲۰۸..... مکان‌هایی که نماز در آن‌ها تمام است.
- ۲۰۹..... وطن کجاست؟
- ۲۱۰..... قصد ده روز.....
- ۲۱۳..... ۲. نماز قضا.....
- ۲۱۵..... نماز قضای پدر.....
- ۲۱۷..... ۳. نماز جماعت.....
- ۲۱۷..... اهمیت نماز جماعت.....
- ۲۱۸..... شرایط نماز جماعت.....
- ۲۱۸..... شرایط امام جماعت.....
- ۲۱۹..... حالت‌های مختلف برای پیوستن به نماز جماعت.....
- ۲۲۱..... احکام نماز جماعت.....
- ۲۲۲..... وظیفه مأموم در نماز جماعت.....
- ۲۲۲..... چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت.....
- ۲۲۴..... برخی از آداب نماز جماعت.....
- ۲۲۵..... ۴. نماز جمعه.....
- ۲۲۵..... اهمیت نماز جمعه.....
- ۲۲۶..... چگونگی نماز جمعه.....
- ۲۲۶..... شرایط نماز جمعه.....
- ۲۲۶..... وظیفه امام جمعه در خطبه‌ها.....
- ۲۲۷..... وظیفه نمازگزاران جمعه.....
- ۲۲۹..... ۵. نماز آیات.....
- ۲۲۹..... چگونگی نماز آیات.....
- ۲۳۰..... احکام نماز آیات.....
- ۲۳۳..... ۶. نماز میت.....
- ۲۳۳..... شرایط نماز میت.....
- ۲۳۴..... احکام و آداب نماز میت.....

۲۳۵.....	برخی مستحبات نماز میت
۲۳۷.....	۷. نمازهای مستحب
۲۳۷.....	نماز عید
۲۳۷.....	وقت نماز عید
۲۳۸.....	چگونگی نماز عید
۲۳۸.....	نافله نمازهای یومیّه
۲۳۹.....	نماز شب
۲۴۰.....	نماز غُفیله

بخش هفتم: روزه و اعتکاف

۲۴۷.....	۱. روزه
۲۴۷.....	تعریف روزه
۲۴۷.....	اقسام روزه
۲۴۷.....	روزه‌های واجب
۲۴۸.....	برخی از روزه‌های حرام
۲۴۸.....	روزه‌های مستحب
۲۴۹.....	روزه‌های مکروه
۲۴۹.....	نیت روزه
۲۵۰.....	مُبطلات روزه و احکام آن
۲۵۱.....	۱. خوردن و آشامیدن
۲۵۱.....	۲. تزریق آمپول
۲۵۲.....	۳. رساندن غبار غلیظ به حلق
۲۵۲.....	۴. فرو بردن تمام سر در آب
۲۵۳.....	۵. قی کردن
۲۵۳.....	۶. استیماء
۲۵۳.....	۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
۲۵۴.....	کارهای مکروه برای روزه‌دار
۲۵۵.....	قضا و کفاره روزه

۲۵۵	۱. روزه قضا.....
۲۵۵	۲. کفاره روزه.....
۲۵۶	۳. احکام قضا و کفاره روزه.....
۲۵۸	۴. روزه قضای پدر و مادر.....
۲۵۸	روزه مسافر و احکام آن.....
۲۶۱	۲. اعتکاف.....
۲۶۱	شرایط اعتکاف.....
۲۶۲	نیت اعتکاف.....
۲۶۲	مدت اعتکاف.....
۲۶۳	زمان اعتکاف.....
۲۶۳	مکان اعتکاف.....
۲۶۴	بیرون رفتن از مسجد.....
۲۶۵	روزه اعتکاف.....
۲۶۶	اجازه اعتکاف.....
۲۶۷	محرمات اعتکاف.....
۲۶۷	مبطلات اعتکاف.....

بخش هشتم: زکات و خمس امر به معروف و نهی از منکر جهاد و دفاع

۲۷۳	۱. زکات.....
۲۷۴	حدّ نصاب.....
۲۷۴	نصاب غلّات.....
۲۷۴	مقدار زکات غلّات.....
۲۷۵	نصاب دامها و مقدار زکات آن.....
۲۷۷	نصاب طلا و نقره.....
۲۷۷	احکام زکات.....
۲۷۸	مصرف زکات.....
۲۷۹	احکام مصرف زکات.....
۲۸۱	مستحبات پرداخت زکات.....

۲۸۱	زکات فطره
۲۸۲	احکام زکات فطره
۲۸۵	۲. خُمس
۲۸۵	موارد وجوب خمس
۲۸۶	مخارج سال
۲۸۷	سال خمسی
۲۸۷	اموالی که خمس به آنها تعلق نمی گیرد
۲۸۸	پیامدهای ندادن خمس
۲۸۸	احکام خمس
۲۸۹	مصرف خمس
۲۹۱	۳. امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۱	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۲	تعریف معروف و منکر
۲۹۲	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۳	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۴	احکام امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۵	آداب امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۷	۴. جهاد و دفاع
۲۹۸	اقسام دفاع
۲۹۸	دفاع از اسلام و کشور اسلامی
۲۹۸	دفاع از جان و حقوق شخصی
۲۹۹	آموزش فنون نظامی
بخش نهم: خوردن و آشامیدن، نگاه کردن و ازدواج		
۳۰۵	۱. خوردن و آشامیدن
۳۰۶	احکام خوراکی ها
۳۰۶	غذاهای گیاهی
۳۰۶	غذاهای حیوانی

.....	خوردن چیز حرام برای درمان	۳۰۹
.....	آداب غذا خوردن	۳۱۰
.....	آداب آب نوشیدن	۳۱۱
.....	۲. نگاه کردن	۳۱۳
.....	مَحْرَم و نامَحْرَم	۳۱۳
.....	افرادی که با مردها محرمند	۳۱۳
.....	افرادی که با زن‌ها محرمند	۳۱۴
.....	نگاه به دیگران	۳۱۵
.....	۳. ازدواج	۳۱۷
.....	همسر شایسته	۳۱۷
.....	همسر ناشایسته	۳۱۸
.....	عقد ازدواج	۳۱۸

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

بخش اول

اجتهاد و تقلید

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۱

شناخت احکام

برنامه‌های نجات‌بخش اسلام به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) برنامه‌های اعتقادی یا «اصول دین»؛

ب) دستورهای عملی که «فروع دین» یا «احکام» نامیده می‌شود؛

ج) مسائل روانی که «اخلاق» نام دارد.

دسته اول، برنامه‌هایی در رابطه با سالم‌سازی فکر و اعتقاد انسان است و مکلف باید نسبت به آنها یقین تحصیل کند و از روی دلیل، آنها را پذیرفته و معتقد باشد. چون این دسته از برنامه‌های اسلام، امور اعتقادی است و محتاج به یقین می‌باشد، پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد.

دسته دوم که برنامه‌های عملی است، مشتمل بر یک سری بایدها و نبایدهاست که با انجام و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می‌یابد.

شخص مکلف برای شناخت و پی بردن به آن امر و نهی‌ها یا باید «اجتهاد» کرده و خود از منابع مربوط به آن به‌دست آورد یا از کسی که او با اجتهاد، احکام را استنباط کرده «تقلید» کند یا به «احتیاط» عمل نماید.

بنابراین وظیفه مکلف یکی از این سه امر است:
 الف) اجتهاد ب) تقلید ج) احتیاط
 قبل از توضیح هر یک از این امور به جاست که به توضیح اصطلاح «مکلف»
 و شروط «تکلیف» و همچنین تقسیم احکام پردازیم.

شرایط تکلیف

خداوند، آدمی را با گوهر گران‌بهای تفکر و تعقل و قوه انتخاب و اختیار، از سایر موجودات جدا کرده و کرامت تکالیف الهی را به او ارزانی داشته است تا با عمل به آنها به سعادت ابدی برسد.

افرادی که دارای شرایط ذیل باشند، مکلف به این تکالیف خواهند بود.

الف) بلوغ^۱ ب) عقل ج) قدرت^۲

بنابراین فرد عاقل و بالغ که قادر به انجام وظایف شرعی باشد، در مقابل امر و نهی‌های الهی مسئولیت دارد و در صورت سرپیچی از آنها عذاب خواهد شد و با عمل به این فرمان‌ها به پاداش اطاعت از آنها خواهد رسید. اما فرد غیر بالغ (طفل) و همچنین غیرعاقل (دیوانه) و کسی که قدرت بر انجام تکلیف ندارد، مکلف نبوده و عملی بر او واجب یا حرام نیست؛ لذا اگر دیوانه یا طفل دروغ بگوید و یا نماز نخواند عذاب نخواهد شد. گرچه از فضل الهی در بعضی موارد

۱. نشانه‌های بلوغ سه چیز است:

الف) کامل شدن پانزده سال قمری برای پسران و نه سال قمری برای دختران.

ب) روییدن موی خشن برعانه (پایین شکم و بالای عورت).

ج) بیرون آمدن منی از انسان، چه در خواب یا بیداری.

۲. اسلام شرط تکلیف نیست؛ یعنی واجبات و محرمات مختص به مسلمان نیست؛ بلکه

هرکس دارای شرایط مذکور باشد، مکلف است.

بسیاری از اعمال نیک آنها ثواب دارد؛ مثل این که اگر طفلی به طور صحیح نماز بخواند یا حج به جا آورد، پاداش دارد. اما مکلف به انجام این اعمال نمی باشد و در صورت ترک آنها عذاب نخواهد شد.

البته سرپرست طفل و دیوانه و همچنین نظام اسلامی نسبت به بسیاری از اعمال ناپسند آنها مسئول خواهند بود و بدین سبب است که بر سرپرست طفل واجب می باشد که او را از تجاوز به حقوق مردم باز دارد و بر حاکم است که جهت حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت او را تنبیه کند.

اما نسبت به فرد ناتوان از انجام واجب و ترک حرام در بعضی موارد تکلیف ساقط می شود. مثل این که بیمار مکلف به انجام روزه نخواهد بود؛ گرچه در مواردی ناتوانی از عملی، تکلیف دیگری را به دنبال دارد که تفصیل آنها در ابواب مختلف فقه آمده است؛ مانند کفاره روزه برای مریض.

اقسام احکام

مجموعه دستورهای دین، که وظیفه انسانها را در زندگی و کارهای شبانه روزی مشخص می کند و به آن «احکام» گفته می شود، پنج دسته است:

۱. واجب: کارهایی که حتماً باید انجام داد؛ مانند: نماز خواندن و روزه گرفتن.
۲. حرام: کارهای ناپسندی که نباید انجام داد؛ مانند: دروغ گفتن، دزدی کردن و گران فروشی.

اگر انسانها کارهای واجب را انجام دهند و از کارهای حرام دوری کنند، خداوند به آنها پاداش می دهد و اگر کار حرامی را انجام دهند یا واجب را ترک کنند، در این جهان یا در جهان آخرت آنها را مجازات خواهد کرد.

۳. مستحب: کارهایی که انجام دادن آنها بهتر است؛ مانند مسواک زدن دندان و

گفتن «بسم الله» در ابتدای غذا و «الحمد لله» در پایان آن.

اگر انسان کارهای مستحبّ را انجام دهد، خداوند به او پاداش می‌دهد و اگر انجام ندهد، مجازات و عذاب ندارد.

۴. مکروه: کاری که انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند خوردن غذای داغ و فوت کردن به غذا.

اگر کسی کارهای مکروه را انجام ندهد، خداوند به او پاداش می‌دهد؛ ولی اگر انجام دهد، مجازات و عذاب ندارد.

۵. مباح: به کاری می‌گویند که از نظر اسلام، انجام دادن و انجام ندادن آن یکسان باشد. کار مباح نه عذاب دارد نه پاداش؛ مانند راه رفتن و نشستن.

بر همه مسلمانان لازم است که احکام مورد نیاز خود را یاد بگیرند تا بتوانند به وظایف خود عمل کنند و زندگی شرافتمندانه و جامعه‌ای انسانی - اسلامی بر اساس دستوره‌ای خداوند داشته باشند.

از آن‌جا که همه مردم نمی‌توانند در تشخیص و استخراج احکام الهی از منابع آن، تخصص لازم را به دست آورند و تنها افراد اندکی به این امر موفق می‌شوند، دیگران برای شناخت احکام دین و وظیفه خود به آنان مراجعه می‌کنند.

اجتهاد و تقلید

مجتهد و فقیه

شخصی که با بهره‌گیری از علوم و دانش‌های لازم به حدی رسیده است که می‌تواند وظایف و تکالیف دینی را از منابع آن استخراج کند، «مجتهد» یا «فقیه» نامیده می‌شود.

مرجع تقلید

مجتهد و فقیهی که مردم در مسائل و احکام دینی از او پیروی می‌کنند «مرجع تقلید» نام دارد.

مرجع تقلید، مسائل دینی را با استفاده از وحی الهی (قرآن) و سنت معصومین علیهم‌السلام (روایات) به ما می‌رساند و با خصوصیتی که دارد، سخنی از روی خواسته و سلیقه خود نمی‌گوید؛ بلکه آنچه را که از قرآن و روایات فهمیده، بازگو می‌کند. بنابراین، تقلید و پیروی از مجتهد، اطاعت از شخص نیست؛ بلکه اطاعت از احکام خداست که توسط مرجع تقلید به دست ما رسیده است. حتی اطاعت از پیامبران نیز اطاعت از شخص نیست؛ بلکه اطاعت از فرمان خدا و وحی است.

۱. ویژگی‌های مرجع تقلید

کسی که مرجع امور دینی مردم می‌شود و مسئولیت خطیر «مرجعیت» را به عهده می‌گیرد، باید علاوه بر تخصص علمی، از ویژگی‌های روحی و اخلاقی والایی برخوردار باشد تا مطمئن شویم که طبق سلیقه خود سخن نمی‌گوید و آنچه را که از کتاب و سنت به دست آورده، بی‌کم و کاست بیان می‌کند.

مرجع تقلید باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

۱. مرد باشد؛
۲. بالغ و عاقل باشد؛
۳. شیعه دوازده امامی باشد؛
۴. عادل باشد؛
۵. زنده باشد؛
۶. بنابر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد.^۱

مسئله

۱. عادل کسی است که گناه کبیره^۲ از او سر نزند و گناه صغیره را تکرار نکند.^۳
۲. تقلید از مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست؛^۴ یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند، ولی

۱. توضیح المسائل، م ۲۰.

۲. گناه کبیره، گناهی است که برای آن وعده عذاب و آتش داده شده است؛ مانند دروغ‌گویی و رباخواری.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۰، م ۲۸.

۴. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب (اجوبه‌الاستفتائات، س ۲۱).

چنانچه در زمان حیات مجتهدی به همه یا بعضی از فتاوی او عمل کرده باشد، می‌تواند بر تقلید او باقی بماند؛ حتی در مسائلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل نکرده می‌تواند از وی تقلید کند. البته بقا بر تقلید میّت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه مجتهد زنده اجازه دهد می‌تواند بر تقلید میّت باقی بماند.^۱

۳. کسی که بر تقلید میّت باقی مانده است، در مسائلی که میّت در آنها فتوا ندارد باید از مجتهد زنده تقلید کند.^۲

۴. بر مکلف واجب است که برای شناختن مجتهد اعلم تفحص و جست‌وجو کند.^۳

۵. چنانچه دو مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، شخص مقلد، مخیر است به هر کدام از آن دو که بخواهد رجوع کند. همچنانکه می‌تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.^۴

۶. اگر از دو مجتهد، یکی مثلاً در احکام عبادات و دیگری در معاملات اعلم باشد، بنابر احتیاط واجب باید در هر بخش از اعلم تقلید کند؛^۵ همچنانکه اگر یکی در قسمتی از بخش معاملات و دیگری در قسمت دیگر اعلم باشد، به احتیاط واجب باید در همان قسمت هم از اعلم تقلید کرد.^۶

۲. عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

- عدول از غیر اعلم به اعلم: بنابر احتیاط واجب باید عدول کند.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۷، م ۱۷.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۱۲، س ۲۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶، م ۵.

۴. همان، م ۸.

۵. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: البته در صورتی که مسئله اختلافی باشد. (اجوبه الاستفتائات، س ۷)

۶. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶، م ۴۷.

- عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر که از نظر علمی با هم مساوی‌اند: جایز نیست،^۱ در صورتی که به فتوای آن مجتهد عمل کرده باشد.

- عدول از اعلم به غیر اعلم: جایز نیست.

- عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می‌کرده و اکنون معلوم شده اهلّیت فتوا نداشته است: واجب است.

- عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیّت را از دست داده - مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او دست داده - به مجتهد جامع الشرائط: واجب است.

- عدول از مجتهدی که تاکنون اعلم بوده، به مجتهدی که اکنون اعلم از مجتهد اوّل شده است: بنابر احتیاط واجب باید عدول کند.

- عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می‌کرده و اکنون از دنیا رفته است به مجتهد زنده: جایز، بلکه احتیاط مستحب است.

- عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده: بنابر احتیاط واجب جایز نیست؛ هر چند قبلاً از او تقلید می‌کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده باشد.^۲

مسئله

۱. عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر عبارت است از عمل کردن به فتوای مجتهد دیگر.^۳

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: تا هنگامی که مرجع تقلید زنده است، احتیاط واجب آن است که مقلدین او مرجع تقلید خود را عوض نکنند، مگر این‌که وی فاقد یکی از شرایط مرجعیّت شود. (منتخبی از استفتائات، ص ۱، س ۴۷)

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶، ۷، ۸، ۴م، ۵، ۱۳، ۱۸؛ العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۱۲، ۱۳، ۳۳م - ۳۷.

۳. استفتائات، ج ۱، ص ۱۱، س ۱۶.

۲. اگر مجتهد اعلم در مسئله‌ای فتوا نداشته باشد، مقلد می‌تواند به مجتهد دیگری که در آن مسئله فتوا دارد رجوع کند، و بنابر احتیاط واجب باید مجتهدی که به فتوایش رجوع می‌شود از دیگران اعلم باشد.^۱

۳. اگر فتوای مجتهد در مسئله‌ای عوض شود، باید به فتوای جدید عمل کند و باقی ماندن بر فتوای گذشته جایز نیست.^۲

۴. اگر مقلد در مورد تغییر فتوای مجتهد شک کند، می‌تواند طبق فتوای قبلی عمل نماید تا مسئله روشن شود.^۳

۵. فراگرفتن مسائل شک و سهو و نیز مسائلی که غالباً مورد احتیاج مکلف است، واجب می‌باشد، مگر آن‌که اطمینان داشته باشد که مسئله‌ای برایش پیش نمی‌آید.^۴

۳. عمل بدون تقلید و تقلید نادرست

۱. کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده، در صورتی که بفهمد:

(الف) به وظیفه واقعی خود عمل کرده است؛

(ب) یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از او بوده مطابق باشد؛

(ج) یا عملش با فتوای مجتهدی که هم‌اکنون باید از او تقلید کند مطابق است؛

(د) یا عملش از فتوای آنان به احتیاط نزدیک‌تر می‌باشد:

اعمال گذشته‌اش صحیح است.^۵

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۷، م ۱۱.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲، م ۳۱.

۳. همان، ص ۱۳، م ۳۹.

۴. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹، م ۲۳.

۵. توضیح المسائل، م ۱۴.

۲. اگر مدت زمانی از کسی تقلید کرده که جامع شرایط نبوده، مانند کسی است که بدون تقلید عمل کرده است.^۱

۴. راه‌های شناخت مرجع تقلید

انسان عاقل و دانا هرگز بی دلیل و بدون تحقیق مطلبی را نمی پذیرد. لذا باید کسی را که به عنوان مرجع دینی خود برگزیده، با یکی از راه‌های زیر شناخته باشد:

۱. خودش از عالمان دینی باشد و بتواند مجتهد و مرجع تقلید دارای شرایط را بشناسد.

۲. دو نفر از عالمان دینی درست کار، که قدرت تشخیص مجتهد و مرجع تقلید را دارند، او را معرفی کنند.

۳. گروهی از عالمان دین که قدرت تشخیص مجتهد و مرجع تقلید دارند و گفته آنان قابل اطمینان است، مرجع تقلید را معرفی کنند.^۲

در انتخاب مرجع تقلید، زن تابع شوهر و فرزند تابع پدر و مادر نیست و هر کس آزاد است که تحقیق کند و مرجع تقلید را از راه‌های گفته شده بشناسد؛ هرچند استفاده از راهنمایی همسر یا پدر و مادر یا دیگران اشکال ندارد.

۵. راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد

نظریات فقهی مجتهد را «فتوا» می گویند.

پس از برگزیدن مرجع تقلید باید مطابق فتوای او عمل کرد.

به دست آوردن فتوای مجتهد از چند راه ممکن است:

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۰، م ۲۵.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸، م ۱۹.

۱. شنیدن از خود مجتهد؛ مثلاً از او سؤال کند و پاسخ بگیرد.
۲. شنیدن از دو یا یک نفر عادل؛ مثلاً از یک یا دو نفر از کسانی که در دفتر مرجع تقلید مسئول پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردمند بپرسد.
۳. شنیدن از یک نفر راست‌گو و مورد اطمینان؛ مانند عالم مورد اطمینانی که مسائل شرعی و فتوای مجتهد را باز می‌گوید.
۴. دیدن فتوا در رساله مجتهد.^۱

وظیفه مسئله‌گو

۱. اگر مسئله‌گو در بیان فتوای مجتهد اشتباه کند (مسئله‌ای را اشتباه بگوید) واجب است به آنها که از او یاد گرفته‌اند اطلاع داده و اشتباه را رفع کند.^۲
۲. اگر شخصی فتوای مجتهد را برای دیگری بگوید، سپس فتوای مجتهد در آن مسئله عوض شود، بر آن فرد واجب نیست به کسی که از او مسئله را شنیده است، تغییر فتوا را اطلاع دهد، گرچه احتیاط مستحب است.^۳
۳. گمان به این‌که فتوای مجتهد چنین و چنان است، برای عمل به آن (و نقل) کافی نیست (بلکه باید اطمینان به آن داشته باشد) مگر آن‌که این گمان از ظاهر گفته مجتهد یا بیان مسئله‌گو و یا آنچه در رساله نوشته شده به‌دست آمده باشد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت: گمان حجت نیست، مگر این‌که از ظاهر گفته مجتهد یا ناقل فتوای او به‌دست بیاید.^۴

۱. همان، م ۲۱.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶، م ۴۸.

۳. همان، ص ۲۰، م ۵۸.

۴. همان، ص ۲۶، م ۷۲.

۶. اختلاف در دست‌یابی به فتوای مجتهد

الف) دو نفر بر خلاف یکدیگر فتوای مجتهد را نقل کنند: گفته هیچ‌کدام قبول نیست.

ب) از خود مجتهد مسئله‌ای را به گونه‌ای شنیده و دیگری برخلاف آن بیان می‌کند: آنچه از مجتهد شنیده معتبر است.

ج) آنچه در رساله مجتهد است برخلاف چیزی باشد که از او شنیده: آنچه از مجتهد شنیده معتبر است.

د) آنچه در رساله مجتهد نوشته شده با آنچه که دیگری نقل می‌کند سازگار نمی‌باشد: در صورتی که رساله اشتباه نداشته باشد، بیان آن معتبر است. مگر آن‌که مسئله‌گو بگوید که مجتهد از رأی خود در رساله، عدول کرده است.

ه) مسئله‌ای در یکی از رساله‌های مجتهد به گونه‌ای است و در رساله‌ای دیگر، به گونه‌ای دیگر: رساله‌ای که تاریخ نوشتن آن (توسط مجتهد) متأخر باشد مقدم است. (مانند موارد اختلاف تحریر الوسیله با توضیح المسائل که تحریر الوسیله مقدم است).^۱

تفاوت «فتوا» با «احتیاط»

اگر مرجع تقلید در مسئله‌ای فتوا داده باشد، باید مطابق آن عمل کرد؛ ولی وظیفه مکلف در احتیاط به شرح زیر است:

* در احتیاط مستحب، مقلد باید به همان احتیاط یا به فتوای همراه آن عمل کند و نمی‌تواند در آن مسئله به مجتهد دیگر رجوع نماید.

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۱۸، س ۴۲ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰، م ۵۹.

* در احتیاط واجب، مقلد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اعلم است، رجوع و به آن عمل کند.^۱

تفاوت فتوا با حکم

امامان معصوم علیهم‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به هنگام حضور ظاهری، دو وظیفه مهم امامت را بر عهده داشته‌اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی، در زمان غیبت، این دو وظیفه بر عهده فقیهان جامع الشرائط است:

۱. بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم.

۲. رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی.

وجود مراجع فتوایی متعدّد و تفاوت در فتوا، مشکل چندانی در جامعه پدید نمی‌آورد؛ همچنان که پس از غیبت حضرت ولی عصر علیه‌السلام در ادوار مختلف تاریخ تشیع، این وضعیت وجود داشته است؛ ولی تشّت و دوگانگی در احکام اجرایی و حکومتی - به‌ویژه اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد - قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دودستگی در جامعه خواهد شد. حال پرسش این است که تفاوت این دو چیست و قلمرو هر یک کدام است و هنگام تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه) وظیفه مردم چیست؟

«فتوا» در اصطلاح فقها، بیان حکم خدا توسط فقیه است. فقیه کسی است که در حکمی، از منابع فقهی استنباط و اظهار نظر می‌کند؛ مثلاً:

- در رکعت سوم و چهارم نماز، یک بارخواندن تسبیحات کافی است.

- اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست.

- در صورتی که خریدار در معامله فریب خورده باشد، حق فسخ معامله را دارد.

۱. توضیح المسائل، م ۷.

«حکم حاکم»، دستور به اجرای یک حکم شرعی، تعیین مصداق یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کاری به خاطر مصلحت است؛ مانند:

- حکم به این که: فلان روز اوّل ماه است.
- دستور دریافت زکات یا خمس، با شرایطی ویژه، در زمان یا مکان و یا مورد خاص.
- فروش اموال محترک و قیمت گذاری آن، بدون اجازه مالک.
- تعیین و تقسیم و مصرف انفال و اموال عمومی.
- اجرای حدود و تعزیرات.

تعارض فتوا با حکم

در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم فقیه حاکم برخلاف یکدیگر باشند، حکم ولی فقیه مقدّم و مخالف با آن حرام است؛ مثلاً اگر مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد، اما فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه حکم کند که احتکار هر کالای مورد نیازی در جامعه حرام است، دستور ولی فقیه اجرا می شود و بر مقلدان مجتهد دیگر نیز تبعیت لازم است.^۱

در فتوای فقیهان بزرگ، نقض حکم حاکم جامع الشّرایط جایز نیست؛ حتی برای دیگر مجتهدان؛ مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد.^۲

۱. آیه الله شیخ محمدحسن نجفی رحمته الله صاحب جواهر در بحث احتکار می نویسد:

«اگر محترک، خود مجتهد باشد، مجتهد حاکم می تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند؛ هر چند حاکم نسبت به مجتهد محترک از نظر علمی پایین تر باشد». (جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۷)

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷.

پرسش

۱. وظیفه مکلف در اصول و فروع دین را بیان کنید.
۲. پنج نمونه از برنامه‌های عملی اسلام را نام ببرید.
۳. برای هر یک از واجب و حرام و مستحب پنج مثال بنویسید.
۴. عادل کیست و چگونه شناخته می‌شود؟
۵. وظیفه کسی که بر تقلید میت باقی مانده، در مسائلی که شرایط زمانی پیش می‌آورد (مانند مسائل جنگ و جهاد) چیست؟
۶. آیا می‌توان قسمتی از احکام را از یک مجتهد و قسمتی دیگر را از مجتهد دیگر تقلید کرد؟
۷. اگر شخصی مسئله‌ای را برای گروهی از مردم گفته است، سپس متوجه شده در بیان مسئله اشتباه کرده، وظیفه‌اش چیست؟
۸. چهار شرط از شرایط مرجع تقلید را برشمارید.
۹. آیا فرزندان می‌توانند از مجتهدی تقلید کنند که والدینشان از او تقلید می‌کنند؟
۱۰. راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد کدام است؟
۱۱. فرق واجب با احتیاط واجب چیست؟
۱۲. آیا عمل به احکام حکومتی ولی فقیه بر افرادی که مقلد سایر مجتهدان هستند واجب است.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

بخش دوم

طهارت (۱)

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

یادآوری

همان‌گونه که در فصل اول گذشت، مجموعه برنامه‌های عملی اسلام «احکام» نامیده می‌شود. از جمله آنها «واجبات» است و «نماز» یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنهاست.

احکام مربوط به نماز را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. مُقَدِّمَات؛

۲. مُقَارِنَات؛

۳. مُبْطَلَات.

مقدمات نماز: آنچه نمازگزار باید قبل از نماز آنها را مراعات کند.

مقارنات نماز: مسائل مربوط به متن نماز، از تکبیرة الاحرام تا سلام.

مبطلات نماز: مسائل مربوط به چیزهایی که نماز را باطل می‌کند.

از جمله مسائلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه نمازگزار قرار گیرد، طهارت و پاکی است.

نمازگزار باید بدن و لباس خود را از ناپاکی‌ها (نجاسات) پاک کند و برای پاکی از نجاست، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس لازم است. بنابراین به بیان آنها می‌پردازیم:

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

نجاسات (ناپاکی ها)

قبل از شناخت ناپاکی ها، به یک قاعده کلی توجه کنید:

«در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها

نجس شود».

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| انسان و حیوانهای حرام گوشت دارای خون | ۱. ادرار (بول) |
| جهنده ^۱ مانند گربه و موش. | |
| | ۳. منی |
| انسان و حیوانی که خون جهنده دارد. | ۴. مردار |
| مانند: گوسفند. | ۵. خون |
| که در خشکی زندگی می کنند؛ ولی | ۶. سگ |
| سگ و خوک دریایی نجس نیست. | ۷. خوک |
| | ۸. شراب و هر مایع مست کننده |
| | ۹. آبجو (فُجَّاع) و آبجو غیرطبیعی |

۱. حیوانی که اگر رگ آنرا بپزند خون از آن جستن می کند.

۱۰. کافر

۱۱. عرق شتر نجاست خوار

«طهارت» غیر از «نظافت» است و «نجاست» غیر از «کثافت» است. ممکن است چیزی تمیز باشد، ولی از نظر احکام اسلام، پاک نباشد. خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط زندگی اش باشد. اما اکنون سخن درباره طهارت است.

ادرار و مدفوع

۱. ادرار و مدفوع انسان و تمام حیوان‌های حرام گوشتی که خون جهنده دارند نجس است.

۲. ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت - مانند گاو و گوسفند - و حیوان‌هایی که خون جهنده ندارند - مانند مار و ماهی - پاک است.^۱

۳. بول و غائط حیوان‌هایی که گوشت آنها مکروه است پاک می‌باشد؛ مانند؛ اسب و الاغ.^۲

۴. فضله پرندگان حرام گوشت - مانند عقاب - نجس است.^{۳و۴}

مردار

۱. بدن انسان مرده هر چند تازه مرده و بدنش سرد نشده باشد - به جز اجزاء

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل، م ۸۵.

۴. آیه الله العظمی خامنه‌ای: فضله پرندگان حرام گوشت نجس نیست. (اجوبه الاستفتائات، ص ۲۷۹).

بی‌روح او مانند ناخن و مو و دندان - نجس است، مگر آن‌که:^۱
الف) شهید معرکه باشد.

ب) او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).

۲. تنها شهیدی که در معرکه جان داده باشد پاک است. بنابراین کسانی که در بمب‌گذاری یا ترور دشمنان به شهادت می‌رسند یا کسی که در جبهه نبرد مجروح می‌شود و پشت جبهه جان می‌دهد، مشمول این حکم نیستند.^۲

حدود معرکه

محدوده تیررس دشمن تا آن‌جا که درگیری بین نیروهای دو طرف جریان دارد معرکه است و به خط مقدم یا وقت حمله اختصاص ندارد.^۳

مردار حیوان

۱. مردار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است؛ مانند ماهی.
۲. اجزای بی‌روح مردار حیوانی که خون جهنده دارد - مانند مو و شاخ پاک و اجزای روح‌دارش مانند گوشت و پوست - نجس است.^۴

نمودار احکام مردار حیوان

۱. سگ و خوک: تمام اجزای آنها نجس است.	}	مردار حیوان
۱. اجزای روح‌دار: نجس است. ۲. اجزای بی‌روح: پاک است.		
۱. خون جهنده دارد	}	غیرسگ و خوک
۲. خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاک است.		

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۸. الرابع و ص ۶۱، م ۱۲.

۲. استفتانات، ج ۱، ص ۸۳، س ۲۰۶.

۳. همان، ص ۵۰۴، س ۴۲.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۸؛ الرابع - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۵، الرابع.

۳. اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوان دارای خون جهنده جدا می‌شود، در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد؛ یعنی اگر جزء بی‌روح باشد، پاک است و اگر روح‌دار باشد، نجس است. بنابراین، اگر بر اثر جراحی تکه‌ای از بدن انسان جدا شود، نجس است.^۱

۴. اگر جزئی از بدن انسان زنده قطع شود، ولی به وسیله پوست به بدن متصل باشد، هرچند آن پوست بسیار نازک باشد، تا وقتی که کاملاً جدا نشده، آن عضو پاک است و حکم مردار ندارد.^۲

حکم اشیای چرمی

۱. اشیایی که از اجزای بی‌روح حیوان تهیه شده پاک است، هرچند ذبح شرعی نشده باشد. بنابراین لباس‌های پشمی، کرکی و مویی پاک است، هرچند غیرمسلمان آن را ساخته باشد و یا در بازار غیر مسلمین به فروش می‌رسد، ولی اگر از حیوان حرام گوشت باشد، نماز خواندن با آن لباس باطل است.^۳

۲. حیوان دارای خون جهنده‌ای که غیر مسلمان آن را ذبح کند یا با شرایطی که در احکام آمده آن را ذبح نکرده باشند، مردار است و اشیایی که از اجزای روح‌دار مردار تهیه شده باشد نجس است، مانند چیزهایی که از چرم مردار تهیه می‌شود؛ مثل: کفش، کیف، کلاه، کمربند، دستکش و بند ساعت.^۴

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۲، م ۱۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۸.

۴. همان.

۳. چیزی که معلوم نیست چرم است یا نه محکوم به طهارت است، یعنی نجس نمی‌باشد.^۱

۴. چیزی که معلوم نیست از اجزای حیوان دارای خون جهنده است یا از حیوانی که خون جهنده ندارد محکوم به طهارت است؛ مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن.^۲

۵. چیزی که از چرم حیوان خون جهنده‌دار تهیه شده، مانند کفشی که معلوم است از چرم گاو ساخته شده، اگر ذبح شرعی آن معلوم نیست، اقسام مختلفی دارد:

۱. از مسلمان خریداری می‌شود:

الف) ساخت کشورهای اسلامی است. (پاک است)

ب) ساخت کشورهای غیر اسلامی است؛ مثلاً در بازار کویت کفشی می‌خرد که ساخت ایتالیاست (نجس است) مگر آن‌که معلوم شود^۳ ذبح شرعی شده است.

ج) معلوم نیست ساخت کجاست. (پاک است)

۲. از غیر مسلمان خریداری می‌شود:

الف) ساخت کشور اسلامی است؛ مثلاً در لندن کفشی می‌خرد که ساخت سوریه است. (پاک است)

ب) ساخت کشور غیر اسلامی است. (نجس است)

ج) معلوم نیست ساخت کجاست. (پاک است)^۴

۱. همان، ص ۶۲.

۲. همان.

۳. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: اگر احتمال بدهد که حیوان ذبح اسلامی شده، پاک است و اگر یقین دارد که ذبح اسلامی نشده محکوم به نجاست است. (اجوبه الاستفتاءات، ص ۲۷۶)

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵۹، م ۱۰ و ص ۶۰، م ۶ و ۷.

۶. پوست یا گوشتی که معلوم نیست از حیوان خون جهنده‌دار است یا حیوانی که خون جهنده ندارد، محکوم به طهارت است.^۱

فرآورده‌های لبنی

لبنیاتی که از حیوان حلال گوشت زنده گرفته می‌شود - مانند شیر، ماست، پنیر، کشک، کره و خامه که از گاو و گوسفند می‌گیرند - همگی پاک و خوردن آن حلال است؛ هرچند شخص کافر آن را تهیه کرده باشد یا در بازار غیر مسلمان به فروش برسد و یا از کشورهای غیر اسلامی وارد کرده باشند، مگر آن‌که انسان یقین کند که با بدن کافر تماس پیدا کرده و نجس شده است. در این مورد شک و احتمال کافی نیست و موضوع، نیازی به تحقیق و جست‌وجو ندارد. (برای آشنایی بیشتر به فصل خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها مراجعه کنید).

استفتا^۲

سؤال: آیا چرمی که در کشور فرانسه به فروش می‌رسد (مثلاً کفش چرمی) - از آن‌جا که احتمال ورود از الجزایر را دارد - پاک است و پوشیدن یا استفاده کردن از آن اشکال ندارد؟

جواب: در حکم میته است. [نجس است]^۳

۱. همان، ص ۶۲.

۲. استفتا - فتوا خواستن از مرجع تقلید/سؤالی که مقلد از مرجع تقلید خود می‌پرسد و پاسخی که او می‌دهد.

۳. به صفحه قبل مراجعه شود.

۴. استفتائات، ج ۱، ص ۹۷، س ۲۵۲.

سؤال: آیا پوست‌هایی که از خارج وارد می‌شود و در ساختن کفش و امثال آن به کار می‌رود پاک است یا نجس؟

جواب: پوستی که از بلاد اسلامی وارد می‌شود، محکوم به طهارت است، مگر آن‌که ثابت شود که ذبح به طریق غیر شرعی بوده است. و پوستی که از بلاد غیر اسلامی وارد می‌شود، محکوم به نجاست است، مگر احراز شود که ذبح به طریق شرعی بوده یا احتمال داده شود که وارد کننده مسلمان، تذکیر حیوان را احراز نموده و پوست را در دسترس مسلمین قرار داده است.^۱

احکام خون

۱. خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.
 ۲. خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.
 ۳. خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می‌شود نجس نیست،^۳ ولی بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.
 ۴. خونی که از لای دندان (لثه) می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و در این صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.^۴
- در موارد زیر حکم به طهارت می‌شود

۱. به دو صفحه قبل مراجعه شود.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۹۷، س ۲۵۳.

۳. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: خون در تخم مرغ محکوم به طهارت است، ولی خوردن آن حرام است. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۶۹)

۴. توضیح المسائل، م ۹۶ و ۹۸ تا ۱۰۱.

۱. مایع قرمز رنگی که خون بودن آن معلوم نباشد.^۱
۲. خونی که نمی‌داند از حیوان خون جهنده‌دار است یا نه؟ مثل این که خونی در لباس خود می‌بیند و نمی‌داند خون پشه است یا بدن خودش.^۲
۳. آنچه از دهانه زخم بیرون می‌آید و نمی‌داند خون است یا چرک [در صورتی که دهانه زخم پاک باشد؛ اما اگر نجس باشد، چرک یا زردابه‌ای که بیرون می‌آید، با برخورد به محل نجس، نجس می‌شود].^۳

شراب

۱. شراب و هر مایع مست‌کننده نجس است.^{۴ و ۵}
۲. مایع مست‌کننده (که در اصل مایع بوده) گرچه به شکل جامد درآید نجس است.^۶
۳. شیء جامد مست‌کننده مانند بنگ و حشیش، هر چند استعمال آن حرام است، ولی نجس نیست؛ حتی اگر آن را ساییده و با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند.^۷
۴. آب انگور جوش آمده اگر مست‌کننده باشد، نجس است، و چنان‌چه مست‌کننده نباشد، گرچه خوردن آن حرام است، ولی نجس نیست.^۸

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۴، م ۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۵، م ۸ و ۹.

۴. همان، ص ۶۹.

۵. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: مشروبات مست‌کننده بنابر احتیاط نجس می‌باشند. (اجوبه

الاستفتائات، س ۳۰۱)

۶. همان.

۷. همان.

۸. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۵، م ۱۲.

بخش ۲ / نجاسات (ناپاکی‌ها) ۵۳

۵. اگر خرما و کشمش را همراه غذا (مثلاً برنج) بپزند حرام نیست، هرچند به جوش آید.^۱

کافر

افراد کافر و نجس:

۱. منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار می‌کند).
۲. منکر پیامبری حضرت محمد ﷺ.
۳. منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد؛ مانند کسانی که به دو یا سه خدا قائلند).
۴. منکر ضروری دین،^۲ در صورتی که بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر یا نقص دین برگردد.
۵. کسی که به ائمه اطهار علیهم‌السلام دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد، هرچند با یک نفر از آنها.^{۳ و ۴}

مسئله

- تمام بدن کافر، حتی مو و ناخن و رطوبت‌های او نجس است.^۵

۱. همان، ص ۷۰، م ۳.

۲. ضروری دین، یعنی چیزی که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند؛ مانند نماز و روزه.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۸، العاشر.

۴. آیه الله العظمی خامنه‌ای: نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست. آنان محکوم به طهارت ذاتی هستند. (اجوبه الاستفتائات، س ۳۱۳)

اهل کتاب عبارتند از یهود، مسیحیان، زردشتی‌ها و صابئین. (اجوبه الاستفتائات، س ۳۱۶)

۵. توضیح المسائل، م ۱۰۷.

- کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک می‌باشد، ولی احکام سایر مسلمانان را ندارد؛ مثلاً نمی‌تواند زن مسلمان بگیرد و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.^۱

چگونه چیز پاک نجس می‌شود؟

پیش‌تر گفته شد که در عالم، همه چیز پاک است، مگر یازده چیز. چیزهای پاک در برخورد با چیزهای نجس، نجس می‌شوند، در صورتی که یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت آن به دیگری برسد.^۲ بنابراین در موارد زیر حکم به پاکی می‌شود:

- * نداند پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه.
- * نداند چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه.
- * نداند رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.^۴

مسئله

اگر انسان شک کند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است و جست‌وجو و واری هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد.

۱. همان، م ۱۰۹.

۲. همان، م ۱۲۵.

۳. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: چیزی که با عین نجس، تماس یافته و نجس شده است، اگر باز با چیزی که پاک است تماس بیابد و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند. و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است، اگر با چیز پاکی برخورد نماید، بنابر احتیاط واجب آن را نجس می‌کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود، نجس نمی‌کند. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۸۳)

۴. توضیح المسائل، م ۱۲۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹، م ۱.

بنابراین در مثال‌های زیر به طهارت حکم می‌شود و نیاز به سؤال کردن و تحقیق و پرهیز نیست:^۱

- عطر و ادکلنی که غیرمسلمان ساخته است، ولی معلوم نیست که با بدن وی تماس داشته است یا نه.

- وسایل و لوازمی که در هتل‌ها و رستوران‌ها، حتی در کشورهای غیر اسلامی وجود دارد؛ از جمله ظروف غذا، حوله، حمام، دست‌شویی، صابون، رختخواب، تخت و سایر چیزها و حتی دستگیره در اگر یقین به تماس با بدن کافر به گونه‌ای که رطوبت سرایت کرده باشد و یا یقین به نجس شدن آن از راه دیگر نباشد، پاک است.

- ابزار و وسایلی که در منزل اجاره‌ای یا خریداری شده وجود دارد و قبلاً غیر مسلمان در آن زندگی می‌کرده است؛ مانند لوازم آشپزخانه، فرش، موکت، کمد و حتی دستگیره‌های در، اگر یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است.

- نوشابه‌ها و سایر نوشیدنی‌هایی که اصل آنها پاک و حلال است و معلوم نیست که با بدن کافر تماس داشته است یا نه، پاک است. (امروزه غالباً این‌گونه چیزها را با دستگاه می‌سازند و پر می‌کنند.)

- خوراکی‌هایی از قبیل: قند، شکر، بیسکویت، شکلات، آدامس و... که در ساخت آنها غیر مسلمان دست داشته، ولی به تماس با بدن وی یقین نداریم و به‌گونه‌ای دیگر نجس نشده، پاک است.

- حبوبات و سبزیجات و میوه‌هایی که غیرمسلمان می‌فروشد و یقین به نجس شدن آنها نیست، پاک می‌باشد، هرچند غیر مسلمان آن را کاشته و چیده و حمل کرده باشد.

۱. همان، م ۱۲۳؛ همان.

- وسایلی که برای کار به غیر مسلمان داده شده - مانند پارچه برای دوخت لباس و ماشین برای تعمیر - اگر پس از تحویل گرفتن، یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است.

- لباسی که برای شستن یا اتوکردن به خشکشویی داده شده و غیرمسلمان کار آن را انجام داده است، در صورتی که یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است.

- نان و سایر پختنی‌ها که غیرمسلمان طبخ آن را انجام داده و ماده اولیه آن پاک بوده و یقین به نجس شدن آن نیست، پاک می‌باشد.

- دست دادن با کافر در حالی که دست او رطوبت ندارد یا رطوبت به حدی نیست که سرایت کند و یا یقین به سرایت نباشد، دست مسلمان را نجس نمی‌کند.

۲

مُطَهَّرَات (پاک کننده‌ها)

چگونه چیز نجس پاک می شود؟

همه اشیاى نجس پاک می شوند و پاک کننده‌ها عبارتند از:

۱. آب؛
۲. زمین؛
۳. آفتاب؛
۴. استحاله؛
۵. انتقال؛
۶. اسلام؛
۷. تبعیت؛
۸. برطرف شدن نجاست؛
۹. استبراء حیوان نجاست خوار؛
۱۰. غایب شدن مسلمان.^۱

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۸.

آب

آب بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یادگرفتنِ بهترِ مسائلِ مربوط به آن کمک می‌کند. آب یا مضاف است یا مطلق. آب مضاف: آبی است که یا از چیزی گرفته باشند - مانند آب سیب و هندوانه - و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن آب نگویند؛ مانند شربت. آب مطلق: آبی که مضاف نباشد.

۱. احکام آب مضاف

۱. چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهّرات نیست).
۲. با برخورد نجاست نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.
۳. وضو و غسل با آن صحیح نیست.^۱

۲. اقسام و احکام آب مطلق

تنها آب مطلق اشیای نجس را پاک می‌کند. برای آشنایی بیشتر با احکام آن یادآور می‌شویم:

- آب یا از زمین می‌جوشد؛
- یا از آسمان می‌بارد؛
- یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.

به آبی که از آسمان ببارد «باران» گویند.

۱. همان، م ۴۷ - ۴۸.

آبی را که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد، «آب جاری» گویند و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» نامند.

آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «آب راکد» است. اگر مقدار «آب راکد» زیاد باشد، «کُر» و اگر کم باشد «قلیل» است.

حجم: $42/875$ و جب. مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل $3/5$ و جب باشد بریزند، پر شود. مقدار کُر^۱ } وزن: $377/419$ کیلوگرم.

مقدار آب قلیل: آبی که از کر کم‌تر باشد.

۳. احکام آب قلیل

۱. آب قلیل با برخورد نجاست نجس می‌شود.^۲
۲. اگر آب کر یا جاری به آب قلیل نجس، متصل و با آن مخلوط شود پاک می‌گردد. (مثلاً ظرف آب قلیلی را که نجس شده زیر شیر آبی که به منبع کر متصل است گذاشته و آب را بر آن باز کرده و با آن مخلوط شود).^۴
۳. آب قلیلی که برای تطهیر چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود نجس است.^۵

۴. احکام آب کر؛ جاری؛ چاه

۱. همه اقسام آب مطلق، به جز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست

۱. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: آب کر تقریباً 384 لیتر است. (راهنمای فتاوا، م ۵).

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴، م ۱۴؛ توضیح المسائل، م ۱۶.

۳. توضیح المسائل، م ۲۶.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴، م ۱۱.

۵. توضیح المسائل، م ۲۷.

نگرفته باشد پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد، نجس می‌شود؛ بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتی باران در این حکم مشترکند.^۱

۲. آب لوله‌های عمارات (ساختمان‌های بزرگ) که به منبع کر متصل است حکم آب کر را دارد.^۲

۵. برخی از خصوصیات باران

۱. اگر بر چیز نجسی که عین نجس در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.

۲. اگر بر فرش و لباس نجس ببارد پاک می‌شود و فشردن و گرفتن آب آن لازم نیست.

۳. اگر بر زمین نجس ببارد، پاک می‌شود.

۴. هرگاه باران در جایی جمع شود، اگر چه کم‌تر از کر باشد، تا موقعی که باران می‌بارد، در صورتی که چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.^۳

۶. احکام شک در آب

۱. مقدار آبی که معلوم نیست کر است یا نه، با برخورد نجاست نجس نمی‌شود، اما سایر احکام آب کر را ندارد.

۲. مقدار آبی که قبلاً کر بوده و شک در آن است که قلیل شده یا نه، حکم آب کر را دارد.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳، م ۴.

۲. توضیح المسائل، م ۳۵.

۳. همان، م ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲.

۳. آبی که معلوم نیست، پاک است یا نجس، پاک می‌باشد.

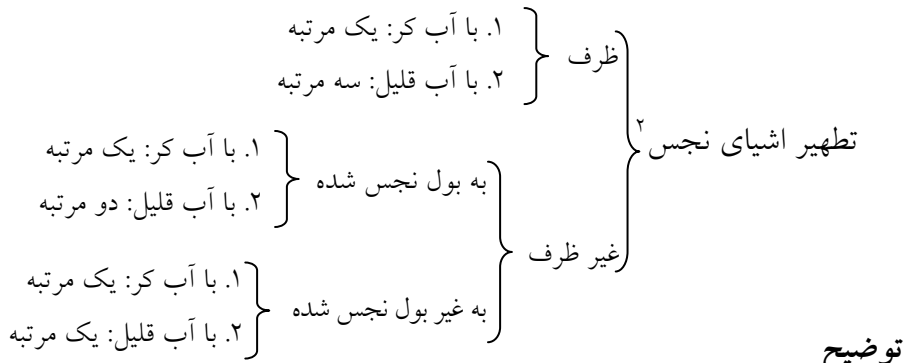
۴. آبی که پاک بوده و شک دارد که نجس شده یا نه، حکم آب پاک را دارد.

۵. آبی که نجس بوده، ولی معلوم نیست پاک شده یا نه، حکم آب نجس را دارد.

۶. آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده است یا نه، حکم آب مطلق را دارد.^۱

۷. چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب

آب مایه زندگی و پاک‌کننده بیشتر نجاسات است و از مطهراتی است که هر روز همه افراد با آن سروکار دارند.



توضیح

الف) برای تطهیر شیء نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرده سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن را آب کشید؛ مثلاً ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی اگر یک مرتبه در آب کر بشویند، کافی است.

ب) فرش و لباس و چیزهایی مانند آن که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند باید بعد از هر بار شستن، آن را فشار دهند تا آب داخل آن بیرون آید و یا به گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود و در

۱. العروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵، م ۱۵.

۲. توضیح المسائل، م ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۶۰.

آب کر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود. (ج) آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیای نجس بیان شد مانند آب کر است.

مسئله

ظرف نجس را می‌توان این‌گونه آب کشید:

با آب کر: یک بار آن را در آب فرو برده و بیرون آورند.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه بار قدری آب در آن ریخته و هر بار آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

۸. برخی احکام تطهیر ظروف

ردیف	اشیاء نجس	با آب قلیل	با آب کریا جاری	توضیحات
۱	ظرفی که سگ آن را لیسیده و یا از آن چیز روان (مایع) خورده است ^۱	به احتیاط واجب ۲ بار	به احتیاط واجب ۲ بار	باید قبل از تطهیر آن را خاک مال کرد.
۲	ظرفی که خوک از آن چیز روان خورده است ^۲	۷ بار	به احتیاط واجب ۷ بار	خاک مال کردن آن احتیاط مستحب است.
۳	ظرفی که به شراب نجس شده است	۳ بار و بهتر است ۷ بار بشویند	۱ بار	ظرفی که خوک لیسیده بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد.

۱. آیه الله العظمی خامنه‌ای: ظرفی را که سگ در آن آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول خاک مال شست و شو کرد و سپس با آب شست. و اگر با آب قلیل

شسته می‌شود باید پس از خاک مال، دو بار شسته شود. (راهنمای فتاوا، ۱۴م)

۲. آیه الله العظمی خامنه‌ای: ظرفی را که در آن خوک غذای روان یا آب بخورد باید هفت بار

شسته شود، ولی خاک مال آن لازم نیست. (راهنمای فتاوا، ۱۵م)

۹. آب کشیدن زمین نجس

- با آب کر: } ابتدا آلودگی را برطرف کرده، سپس آب کر یا جاری بر آن بگیرند، به مقداری که تمام جاهای نجس را فرا گیرد.
- با آب قلیل: } ۱. زمین به گونه‌ای است که آب بر آن جاری نمی‌شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می‌خورد): با آب قلیل پاک نمی‌شود.
۲. آب بر زمین جاری می‌شود: جایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.

مسئله ۱: دیوار نجس هم مانند زمین نجس تطهیر می‌شود.^۲

مسئله ۲: هنگام تطهیر زمین، اگر آب جاری شده و به داخل چاه می‌رود یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.

۱۰. آب کشیدن حبوبات

- اگر حبوبات (برنج، نخود، عدس، لوبیا، گندم و...) نجس شود سه صورت دارد:
- ظاهر آن نجس شده: با فروبردن در آب کر یا جاری و یا شستن با آب قلیل پاک می‌شود.
 - داخل آن هم نجس شده: داخل آن حتی با آب کر پاک نمی‌شود.
 - ندانیم داخل آن نیز نجس شده یا نه: تطهیر ظاهر آن کافی است.^۳

مسئله

- اگر موی زیاد سر و صورت را با آب قلیل آب بکشند، باید آن را بفشارند تا آب جمع شده بین موها جدا شود.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. همان، م ۱۸۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۸، م ۵ و ۶ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۱۵، م ۲۰.

۴. توضیح المسائل، م ۱۷۳.

۲. گوشت و دنبه نجس شده، مثل چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود. همچنین اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.^۱

۳. اگر چیزی به بول پسر بچه شیرخواری که غذاخور نشده و شیر خوک نخورده نجس شود، چنانچه یک بار آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس برسد پاک می‌شود و در فرش و لباس و مانند این‌ها هم فشار لازم ندارد.^۲

- شرایط مطهر بودن آب^۳
۱. مطلق باشد. (آب مضاف پاک‌کننده نیست)
 ۲. پاک باشد. (آب نجس چیز نجس را پاک نمی‌کند)
 ۳. هنگام تطهیر شیء نجس مضاف نشود.
 ۴. هنگام تطهیر چیز نجس، بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد.
 ۵. پس از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آب نباشد.

زمین

۱. اگر کف پا یا ته کفش هنگام راه رفتن نجس شود و به سبب تماس با زمین، آلودگی‌ها برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین فقط پاک‌کننده کف پا و ته کفش است، آن هم با این شرایط:

* زمین پاک باشد.

* خشک باشد.

* خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند این‌ها باشد.^۴

۲. اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک

۱. همان، م ۱۷۵.

۲. همان، م ۱۶۱.

۳. همان، م ۱۴۹.

۴. همان، م ۱۸۳، ۱۹۲.

می‌شود، ولی بهتر است انسان حداقل پانزده قدم راه برود.^۱

۳. این چیزها پاک کننده نیستند:

* آسفالت

* فرش

* زمینی که با چوب فرش شده است

* حصیر و بوریا و سبزه و گیاه، مگر به قدری کم باشد که چیزی به حساب

نیاید و عرفاً بگویند بر زمین راه می‌رود، نه گیاه.^۳

۴. بنابر احتیاط واجب، زمین موارد زیر را پاک نمی‌کند:

(الف) دست و زانوی معلولانی که بر دست و زانو راه می‌روند.

(ب) کف پای مصنوعی.

(ج) نوک عصا.

(د) جوراب (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد).

(ه) نعل چهارپایان.

(و) چرخ اتومبیل.^۴

آفتاب

آفتاب هم با شرایطی که خواهد آمد، این اشیا را پاک می‌کند:

* زمین.

۱. آیه الله خامنه‌ای: ...هرگاه تقریباً اندازه ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا یا ته

کفش نجس پاک می‌شود، مشروط به این که عین نجاست زایل شود. (اجوبه الاستفتائات، ص ۸۰)

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۲۶؛ توضیح المسائل، م ۱۸۸.

* ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است؛ مانند در و پنجره.
* درخت و گیاه.^۱

شرایط مُطَهَّر بودن آفتاب

* چیز نجس تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود.
* با تابش آفتاب خشک شود. اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.
* چیزی مانند ابر یا پرده مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آن که رقیق و نازک باشد و از تابش جلوگیری نکند.

* آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود.
* هنگام تابش آفتاب عین نجاست^۲ در آن نباشد. پس اگر عین نجاست هست، آنرا پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند. اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها روی آن پاک می شود.

۱. اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می توان مقداری آب یا چیز دیگری که آنرا مرطوب کند، بر آن ریخت و سپس آفتاب بتابد و آن را پاک کند.^۳

۲. ریگ، خاک، گل و سنگ تا وقتی که بر زمین است و جزء آن به حساب می آید، با آفتاب پاک می شود و اگر جدا شد، با آفتاب پاک نمی شود. همچنین میخ و چوب و مانند آن تا وقتی که بر دیوار است و جزء آن شمرده

۱. همان، ص ۱۲۹؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲. آنچه خودبه خود نجس است، مانند خون «عین نجاست» است.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۹ تا ۱۳۱ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰.

می‌شود، حکم ساختمان را دارد و اگر جدا شد، این حکم را ندارد و آفتاب آن را پاک نمی‌کند.^۱

استحاله

۱. اگر جنس چیز نجس طوری عوض شود که به صورت چیز پاکي درآید، پاک می‌شود و می‌گویند «استحاله» شده است.

مانند این‌که:

مردار تبدیل به خاک شود؛

دانه نجس تبدیل به گیاه شود؛

چوب نجس بسوزد و خاکستر شود؛

مواد سوختی بسوزد و دود شود؛

مایع نجس تبدیل به بخار شود؛

شراب سرکه شود.^۲

۲. اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط شکل آن تغییر یابد، پاک نمی‌شود.

مانند این‌که:

گندم نجس را آرد کنند یا با آن نان بپزند؛

انگور نجس سرکه شود.^۳

۳. چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰، م ۱۰.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱ و توضیح المسائل، م ۱۹۷.

۳. توضیح المسائل، م ۱۹۷.

۴. همان.

انتقال

اگر قسمتی از بدن حیوان دارای خون جهنده به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود و جزء بدن آن حیوان به حساب آید پاک می‌شود. مانند این‌که:

خون بدن انسان به بدن پشه یا مگس منتقل شود؛
جزئی از بدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده و به بدن انسان منتقل کنند؛
مقداری از گوشت بدن را بریده و به جای دیگر بدن پیوند زنند.^۱

اسلام

۱. اگر کافر شهادتین بگوید، مسلمان می‌شود و با «اسلام» تمام بدن او، حتی عرق و آب دهانش پاک می‌شود. شهادتین گفتن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» است.^۲

۲. اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند که قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است؛ اما اگر بداند که قلباً مسلمان نشده، بنابر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد.^۳

۳. اگر بدن کافر با نجاست دیگری (عارضی) نجس شده باشد - مثلاً جایی از بدن او زخم شده و آلوده به خون است - آن نجاست با اسلام پاک نمی‌شود.^۴

۴. لباس‌هایی که قبل از اسلام با رطوبت بدن کافر نجس شده، با اسلام پاک

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل، م ۲۰۹.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۴۱.

نمی‌شود؛ بلکه بنابر احتیاط واجب باید از لباسی هم که هنگام اسلام آوردن به تن دارد و با رطوبت بدن نجس شده، اجتناب کرد.^۱

تَبَعِیَّت

۱. تَبَعِیَّت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگری پاک شود.
۲. در موارد زیر اشیای نجس به تَبَعِیَّت پاک می‌شود:
 - الف) اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم (به تبع آن) پاک می‌شود؛ حتی جاهایی که هنگام جوش آمدن نجس شده و حتی اگر پشت ظرف هم نجس شده باشد؛
 - ب) پس از اتمام سه غسل میّت، تختی که میّت را بر آن خوابانده‌اند و دست غسل و پارچه‌ای که بر میت انداخته‌اند (لنگ) پاک می‌شود؛
 - ج) کسی که چیزی را تطهیر می‌کند، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، با این‌که دستش بر لباس است، دست او هم پاک می‌شود و نیاز به تطهیر مجدد ندارد؛
 - د) پس از فشردن لباس و مانند آن، مقدار آبی که در آن باقی می‌ماند (اگر به طور معمول فشرده باشد) پاک می‌شود؛
 - ه) اگر ظرف و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند، قطرات آبی که بر ظرف می‌ماند، پاک است.^۲

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد اگر عین نجس برطرف شود، چیز نجس پاک می‌شود و نیاز به آب کشیدن ندارد:

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۸.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۲۱۱، ۲۱۵.

۷۰ آموزش احکام

۱. بدن حیوان؛ مثلاً منقار مرغی که نجاست خورده، هنگامی که نجس برطرف شود، پاک است.

۲. باطن بدن انسان؛ مانند داخل دهان و بینی و گوش.

بنابر این اگر از لته‌ها خون بیاید و یا شخصی غذای نجس بخورد، زمانی که در دهان غذای نجس و خون نماند و یا خون به قدری کم است که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است.^۱

استبراء حیوان نجاست‌خوار

۱. بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست عادت کرده، نجس است [هرچند حلال گوشت باشد].

۲. اگر بخواهند بول و غائط چنین حیوانی پاک شود باید آن را استبراء کنند؛ یعنی مدتی آن را از خوردن نجاست بازداشته و غذای پاک به او بدهند.

۳. برای استبراء حیوانات بنابر احتیاط واجب باید مدت‌های زیر مراعات شود:

- شتر ۴۰ روز.

- گاو ۲۰ روز.

- گوسفند ۱۰ روز.

- مرغابی ۵ روز.

- مرغ خانگی ۳ روز.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۶، ۲۱۷.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۲.

غایب شدن مسلمان^۱

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، چنان‌که انسان احتمال بدهد آن چیز را تطهیر کرده، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نیست.^۲ مثلاً به منزل دیگری به میهمانی رفته و جایی از فرش او نجس می‌شود. بار دیگر پس از مدتی دوباره به منزل او می‌رود و احتمال می‌دهد فرش را آب کشیده‌اند. در این صورت هر چند یقین هم نداشته باشد، آن فرش محکوم به طهارت است.

احکام تخلی (توالت رفتن)

چون یکی از مسائل تخلی تطهیر منخرج بول و غائط است، برخی از احکام تخلی را در پایان قسمت مطهرات می‌آوریم.

- واجب) پوشاندن عورت از دیگران، حتی دیوانه و بچه ممیز. (به جز همسر)
- حرام) روبه قبله یا پشت به آن بودن.

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: هرگاه یقین داشته باشد که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیز نجس رفتار چیز پاک را می‌کند [مثلاً با آن لباس نماز می‌خواند] آن چیز محکوم به پاکی است، مشروط به آن که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و احکام طهارت و نجاست باخبر باشد. (راهنمای فتاوا، م ۱۸)

۲. توضیح المسائل، م ۲۲۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۲.

- مستحب
۱. جایی بنشینند که کسی او را نبیند؛
 ۲. هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود؛
 ۳. هنگام بیرون آمدن اوّل پای راست را بیرون بگذارد؛
 ۴. هنگام تخلّی سر را بپوشاند؛ مثلاً کلاهی بر سر بگذارد؛
 ۵. سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.

- مکروه
۱. توقف زیاد؛
 ۲. روبه‌روی خورشید یا ماه بودن؛
 ۳. روبه‌روی باد نشستن؛
 ۴. حرف‌زدن، مگر در حال ضرورت (گفتن ذکر نیز کراهت ندارد)؛
 ۵. تطهیر با دست راست؛
 ۶. خوردن و آشامیدن؛
 ۷. ایستاده بول کردن.^۱

احتیاط واجب آن است که بچه را هنگام تخلّی رو به قبله یا پشت به آن نشانند، ولی اگر خود او بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.^۲

تطهیر مخرج بول و غائط

۱. مخرج بول با غیر آب (سنگ، کلوخ، پارچه و...) پاک نمی‌شود.
۲. برای تطهیر مخرج بول، بعد از برطرف شدن بول یک‌بار شستن آن کافی است.^۳

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۷۸؛ توضیح المسائل، م ۵۷، ۵۹ و ۶۴.

۲. توضیح المسائل، م ۶۳.

۳. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: برای طهارت مخرج بول با آب قلیل دوبار شستن بنابر احتیاط لازم است. (راهنمای فتاوا، م ۱۹)

۳. تطهیر مخرج غائط:

با آب) پاک می‌شود.

با غیر آب) پاک شدن آن محل تأمل است (به احتیاط واجب پاک نمی‌شود)، ولی می‌توان با این حالت [پس از برطرف کردن نجاست و قبل از تطهیر با آب [نماز خواند. ^۱ و ^۲

۱. آیه الله العظمی خامنه‌ای: مخرج مدفوع را به دو صورت می‌شود تطهیر کرد: اول آن‌که با آب بشوید تا نجاست زایل شود؛ دوم آن‌که با سه قطعه سنگ یا پارچه پاک و امثال آن نجاست را پاک کند و اگر با سه قطعه نجاست زایل نشد، با قطعات دیگری آن را کاملاً پاک کند.

(راهنمای فتاوا، م ۲۰)

۲. توضیح المسائل، م ۶۶ و ۶۸.

پرسش

۱. مار و عقرب و قورباغه مرده پاک است یا نجس؟
۲. سرگین الاغ و فضله کلاغ پاک است یا نجس؟
۳. خونی که هنگام مسواک زدن در دهان دیده می شود، چه حکمی دارد؟
۴. آیا از لباسی که از پشم گوسفند مرده تهیه شده می توان استفاده کرد؟
۵. آیا کسی که در عمر یک بار هم نماز نخوانده نجس است؟
۶. آیا کسی که جنب شده تمام بدنش نجس است؟
۷. فرق آب مطلق و مضاف چیست؟
۸. آب چاهی که نجس شده چگونه پاک می شود؟
۹. آیا ماشین لباس شویی که لباس را می شوید و آب می کشد، برای تطهیر کافی است؟
۱۰. برکه آبی که طول آن ۲۵ وجب، عرض آن ۵ وجب و عمق آن یک وجب است، کر است یا نه؟
۱۱. شخصی پای مرطوب را بر فرش نجس گذاشته است، ولی نمی داند رطوبت پایش به فرش سرایت کرده است یا نه؛ آیا پایش نجس است؟
۱۲. آب کر چگونه نجس می شود؟
۱۳. منبع آبی که بیشتر از کر ظرفیت داشته و شک کنیم که آب موجود در آن کر است یا نه، چه حکمی دارد؟
۱۴. قسمتی از دیوار منزل نجس شده است؛ توضیح دهید چگونه می توان آن را تطهیر کرد؟

۱۵. کف کفشی که به گِلِ نجس آلوده شده است، با راه رفتن چگونه پاک می‌شود؟

۱۶. آیا زمین، تایر ماشین و دوچرخه و موتورسیکلت را پاک می‌کند؟

۱۷. آیا آفتاب، چوب و گندم و برنج را پاک می‌کند؟

۱۸. تبعیت را توضیح داده و دو مثال برای آن بزنید.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

بخش سوم

طهارت (۲)

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۱

وضو

نمازگزار باید قبل از نماز، «وضو» گرفته و خود را برای به جا آوردن این عبادت بزرگ آماده کند. در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید. و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمّم» انجام دهد که در این فصل با احکام هریک آشنا خواهید شد.

چگونگی وضو

در وضو انسان باید ابتدا صورت و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید؛ سپس از شستن این اعضا باید با رطوبت کف دست سر را مسح کند (دست را بر آن بکشد) و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح کند. اکنون برای آشنایی بیشتر با اعمال وضو به نمودار توجه کنید:

- از جایی که موی سر رویده تا آخر چانه
 ۱. صورت } (طول) و از پهنا فاصله بین شست و انگشت
 میانه که بر صورت قرار گیرد (عرض)
۱. شستن }
 ۲. دست راست }
 ۳. دست چپ } از آرنج تا نوک انگشتان
- کارهای وضو^۱
۱. سر ← قسمت جلو آن که بالای پیشانی است.
 ۲. مسح }
 ۲. پای راست }
 ۳. پای چپ } روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی.^۲

توضیح اعمال وضو

۱. مقدار واجب در شستن صورت و دست‌ها همان است که گذشت، ولی برای آن‌که یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.^۳
۲. بنابر احتیاط واجب،^۴ باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است.^۵
۳. اگر پوست صورت از لای موها (ریش - ابرو) پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر مو لازم نیست.^۶

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۱، م ۱.

۲. آیه الله العظمی خامنه‌ای: باید مسح پا را تا مفصل ساق بکشند (اجوبه الاستفتاءات، ص ۱۰۶ و ۱۱۱).

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۱، م ۱ و ۲.

۴. آیه الله العظمی خامنه‌ای: صورت و دست‌ها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود.

(راهنمای فتاوا، ص ۲۵، م ۲)

۵. توضیح المسائل، م ۲۴۳.

۶. همان، م ۲۴۰.

۴. اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.^۱

۵. شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آن‌که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.^۲

بار اول: واجب

بار دوم: جایز

بار سوم: بدعت و حرام^۳

۶. تکرار در شستن اعضای وضو

۷. سه بار شستن اعضای وضو (به نیت وضو) علاوه بر آن‌که بدعت و حرام است، گاهی اوقات موجب بطلان وضو هم می‌شود و این در صورتی است که آب مسح، از آب شستن سوم باشد؛ چون مسح باید با آب وضو انجام شود.^۴

مسح

الف) مسح سر

۱. جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر که بالای پیشانی است (جلو سر).
۲. مقدار واجب مسح: هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند، بگوید مسح کرد).
۳. مقدار مستحب آن: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.

۱. همان، م ۲۴۱.

۲. همان، م ۲۴۲.

۳. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: شستن صورت و دست‌ها بار اول واجب است و بار دوم جایز و بیش از آن غیر مشروع است. تعیین‌کننده بار اول یا دوم یا بیشتر، قصد وضوگیرنده است؛ یعنی می‌تواند به قصد بار اول، چند مرتبه آب به روی صورت بریزد. (راهنمای فتاوا، م ۲۳)

۴. همان، ص ۲۱۷، م ۲۳؛ استفتائات، ج ۱، ص ۳۴.

۴. مسح با دست چپ: جایز است.^۱

۵. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلو سر هم صحیح است، مگر موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن به صورت بریزد که باید پوست سر را مسح کند.

۶. مسح بر موی جاهای دیگر سر صحیح نیست، هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.^۲

ب) مسح پا

۱. جای مسح: روی پا است.

۲. مقدار واجب مسح: از نظر طول، از سرانگشت تا برآمدگی روی پا^۳ و عرض، هر اندازه باشد کافی است، هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۳. مقدار مستحب مسح: همه روی پا.

۴. پای راست را باید قبل از پای چپ مسح کند، ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.^۴

مسائل مسح سر و پا

۱. در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا

۱. آیه الله العظمی خامنه‌ای: مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دست مانده کشیده شود. و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست کشیده شود، ولی کشیدن مسح

از بالا به پایین لازم نیست. (راهنمای فتاوا، م ۲۴)

۲ توضیح المسائل، م ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱ و ۲۵۷؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳، م ۱۴.

۳ آیه الله العظمی خامنه‌ای: باید مسح پا را تا مفصل ساق بکشند. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۶ و ۱۱۱)

۴ توضیح المسائل، م ۲۵۲ و ۲۵۳؛ العروة الوثقی؛ ج ۱، ص ۲۱۰، الرابع.

را به آن بکشد، وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد، سر یا پا کمی حرکت کند، اشکال ندارد.^۱

۲. اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.^۲

۳. رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.^۳

۴. محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد. بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد، ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد، اشکالی ندارد.^۴

۵. بین دست و سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه یا جوراب و کفش فاصله باشد.^۵

۶. محل مسح باید پاک باشد. پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند.^۶

وضوی ارتماسی

۱. وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و یا آنها را در آب فرو برده و به قصد وضو بیرون آورد.^۷

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۵.

۲. همان، م ۲۵۷.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۲، م ۲۶.

۴. همان.

۵. همان، م ۲۷.

۶. توضیح المسائل، م ۲۶۰.

۷. همان، م ۲۶۱.

۲. چون در وضوی ارتماسی نیز بنابر احتیاط واجب، دست و صورت باید از بالا به پایین شسته شود، وضوی ارتماسی به گونه‌های زیر انجام می‌شود:

الف) به قصد وضو صورت را از پیشانی در آب فرو ببرد و دست را به نیت وضو از آرنج در آب فرو ببرد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به نیت وضو باشد. [چون آبی که بر دست می‌ماند و در مسح به کار می‌رود باید آب وضو باشد].

ب) بدون قصد وضو، صورت یا دست را در آب ببرد و به قصد وضو از آب بیرون آورد، که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دست‌ها را از آرنج^۱.

۳. اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد.

یادآوری

مراعات ترتیب در وضوی ارتماسی نیز لازم است؛ یعنی نمی‌توان صورت و دست‌ها را با هم یکباره در آب فرو برد، بلکه باید اول صورت و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ شسته شود.

شرایط وضو

با شرایطی که خواهد آمد، وضو صحیح است و با از بین رفتن هر یک از آنها باطل است.

۱. همان، م ۲۶۱ و ۲۶۲.

- | | | |
|---|---|------------------------------|
| <p>۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
 ۲. آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).
 ۳. آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
 ۴. ظرف آب وضو مباح باشد.
 ۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.</p> | } | <p>۱. شرایط آب و ظرف وضو</p> |
| <p>۱. پاک باشد.
 ۲. مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.</p> | } | <p>۲. شرایط اعضای وضو</p> |
| <p>۱. رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت).
 ۲. رعایت موالات (بین اعمال وضو فاصله نيفتد).
 ۳. شخصاً انجام دهد (از دیگری کمک نگیرد).</p> | } | <p>۳. شرایط کیفیت وضو</p> |
| <p>۱. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
 ۲. با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).</p> | } | <p>۴. شرایط وضوگیرنده</p> |

شرایط آب وضو و ظرف آن

۱. وضو با آب نجس و مضاف باطل است؛ خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند و یا فراموش کرده باشد.^۱
۲. آب وضو باید مباح باشد؛ یعنی وضوگیرنده مجاز به تصرف در آن باشد. پس اگر آب غصبی باشد (یعنی ملک او نباشد و از طرف مالک نیز اجازه تصرف نداشته باشد) نمی تواند با آن آب وضو بگیرد. بنابر این در موارد زیر وضو باطل است:

۱. همان، م ۲۶۵.

- وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).
- آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
- آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانه بعضی از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها.^۱
- ۳. وضو گرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضوگرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرد.^۲
- ۴. اگر آب وضو در ظرف غضبی باشد و با آن وضو بگیرد، باطل است.^۳

شرایط اعضای وضو

- ۱. اعضای وضو هنگام شستن و مسح باید پاک باشد.^۴
- ۲. اگر چیزی بر دست یا صورت باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود، ولی اگر به قدری نازک است که آب از آن عبور می‌کند و به پوست می‌رسد، برداشتن آن لازم نیست.^۵
- ۳. اگر چیزی روی سر یا پاها باشد (مثل کلاه و روسری و جوراب) هر چند نازک باشد باید برای مسح برداشته شود. چون در مسح، دست باید بر سر و پاها کشیده شود و بین دست و محل هیچ چیزی فاصله نشود.^۶

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۲۵، م ۶، ۷ و ۸؛ توضیح المسائل، م ۲۶۷ تا ۲۷۲.

۲. توضیح المسائل، م ۲۷۱.

۳. همان، شرایط وضو - شرط چهارم.

۴. همان، ص ۳۵، شرط ششم.

۵. همان، ص ۳۷، شرط سیزدهم و مسئله ۲۵۹.

۶. همان.

۴. نوشته خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد یا چربی آن به قدری کم باشد که از رسیدن آب به بدن جلوگیری نکند، اشکال ندارد؛ ولی اگر جرم داشته باشد یا چربی آن زیاد باشد که روی پوست را گرفته، باید برطرف شود.^۱

کیفیت وضو

۱. ترتیب^۲

کارهای وضو بدین ترتیب باید انجام شود:

- شستن صورت؛
- شستن دست راست؛
- شستن دست چپ؛
- مسح سر؛
- مسح پای راست؛
- مسح پای چپ؛
- اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد، وضو باطل است.

۲. مُوالات

۱. موالات یعنی پشت سرهم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.
۲. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷، س ۴۰ تا ۴۵.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸.

باشد، وضو باطل است، ولی اگر بر اثر گرمی هوا یا حرارت بدن خشک شود، نه به جهت طولانی شدن وضو، اشکالی ندارد.^۱

۳. کمک نگرفتن از دیگران

۱. کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد. اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد، وضو باطل است، ولی اگر برای او آب بیاورد یا آب را گرم کند، اشکالی ندارد و اگر آب را در دست او بریزد و وضوگیرنده خودش به صورت بزند و کمک دهنده در شستن اعضای وضو دخالتی نداشته باشد، وضو صحیح است.^۲
۲. کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد تا او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیت وضو کند.^۳

شرایط وضوگیرنده

۱. کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد، مریض می‌شود و یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد، باطل است، ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.^۴
۲. وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم.^۵

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸، م ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۸۳.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳. توضیح المسائل، م ۲۸۶.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۲؛ توضیح المسائل، م ۲۸۸ و ۶۷۲.

۵. توضیح المسائل، ص ۳۱، شرط هشتم.

۳. لازم نیست نیت را به زبان آورد یا از قلب خود بگذرانند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد، کافی است؛ به طوری که اگر از او پرسند چه می‌کنی، بگوید: وضو می‌گیرم.^۱

مسئله

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که چنانچه وضو بگیرد، همه نماز یا قسمتی از آن به بعد از وقت می‌افتد، باید تیمم کند.^۲

وضوی جبیره‌ای

تعریف جبیره: دواایی که بر زخم می‌زنند و چیزی که با آن زخم را می‌بندند «جبیره» نام دارد.

۱. شخصی که در اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به‌طور معمول وضو بگیرد، باید همین طور بگیرد.^۳

مثلاً:

الف) روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

ب) روی زخم بسته است، ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

۲. چنانچه زخم بر صورت یا دست‌هاست و روی آن باز است و آب ریختن بر آن ضرر دارد، اگر اطراف آن را بشوید، کافی است.^{۴ و ۵}

۱. همان، م ۲۸۲.

۲. همان، م ۲۸۰.

۳. همان، م ۳۲۴، ۳۲۵.

۴. همان.

۵. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر روی آن بکشد. (راهنمای فتاوا، م ۲۶)

۳. اگر زخم یا شکستگی در جلو سر یا روی پاها است (محل مسح) و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند.^۱

کیفیت وضوی جبیره‌ای

در وضوی جبیره‌ای باید جاهایی را که شستن یا مسح آن امکان دارد، به‌طور معمول بشوید یا مسح کند و جاهایی که امکان ندارد، دست‌تر بر جبیره بکشد.

مسئله

۱. اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نیست باید وضوی جبیره‌ای گرفته و بنابر احتیاط واجب تیمم هم انجام دهد.^۲
۲. کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم بنابر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.^۴
۳. اگر جبیره همه صورت یا یکی از دست‌ها را فراگرفته باشد، وضوی جبیره‌ای کافی است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۳۲۶.

۲. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: اگر محل زخم است و نمی‌تواند روی آن دست تر بکشد، باید به جای وضو تیمم کند. ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر روی آن دست بکشد، احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۳۶)

۳. توضیح المسائل، م ۳۳۵.

۴. همان، م ۳۴۳.

۵. همان، م ۳۳۰.

۴. کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و هنگام وضو دست تر روی آن می‌کشد، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.^۱

۵. اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل کند.^۲

شکایات وضو

۱. کسی که شک دارد وضو گرفته، یا نه: باید وضو بگیرد.
۲. در بین نماز شک کند وضو گرفته، یا نه: نماز باطل است، باید وضو گرفته و نماز را از سر بگیرد.
۳. پس از انجام نماز شک کند که نماز را با وضو خوانده یا نه: نماز خوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.
۴. می‌داند وضو گرفته، ولی شک دارد که وضویش باطل شده یا نه (مثلاً نمی‌داند حدثی از او سر زده یا نه): به شک اعتنا نمی‌شود و لازم نیست دوباره وضو بگیرد.
۵. در بین وضو شک کند بعضی از اجزای گذشته را انجام داده است یا نه: آن‌چه را شک دارد باید انجام دهد؛ مانند این که هنگام مسح پاها شک کند که سر را مسح کرده یا نه.
۶. پس از وضو در انجام دادن جزئی از آن یا صحیح بودن آن شک کند: به شک

۱. همان، م ۳۳۲.

۲. همان، م ۳۳۴.

اعتنا نمی‌شود و وضو صحیح است؛ مانند این‌که پس از وضو شک می‌کند که سر را مسح کرده یا نه.^۱

۷. می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه: باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند.^۲

۸. بعد از وضو چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده: وضوی او صحیح است؛ اما اگر بداند که هنگام وضوگرفتن متوجه آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد.^۳

۹. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل پاک بودن آب و وجود مانع بر اعضا، خیلی شک می‌کند: باید به شک خود اعتنا نکند.^۴

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

۱. برای نماز خواندن (به جز نماز میت).
۲. برای به‌جا آوردن طواف واجب کعبه.
۳. برای رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن و نام خداوند.^۵

مسئله

۱. اگر نماز یا طواف واجب بدون وضو به‌جا آورده شود، باطل است.
۲. کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۲، م ۱.

۲. توضیح المسائل، م ۲۹۰.

۳. همان، م ۲۹۷.

۴. همان، م ۲۹۹.

۵. همان، م ۳۱۶.

- خط قرآن (ترجمه آن اشکال ندارد).

- نام خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند: «الله»، «خدا»، «GOD».

- نام پیامبر اکرم ﷺ، امامان علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام (بنابراحتیاط واجب).^۱

۳. در حرام بودن مس خطوط قرآن و اسم خداوند و... (بدون طهارت) فرقی بین این موارد نیست:

- با دست باشد یا سایر اجزای بدن (به جز مو).

- ابتدا به مس باشد یا ادامه آن. بنابراین اگر دست او بر خط قرآن بود و متوجه شد، ولی دست را برنداشت، مرتکب حرام شده است.

- خط آن معمول و متعارف باشد یا متعارف نباشد؛ مانند خط کوفی.

- نوشته با قلم باشد یا چاپ یا گچ و یا غیر آن.

- نوشته برجسته باشد یا گود؛ مانند سنگ قبر.

- حرفی باشد که خوانده می شود یا خوانده نمی شود؛ مانند الف در قالوا.

- نوشته قرآنی در قرآن باشد یا در غیر قرآن؛ مثلاً آیه یا کلمه‌ای از قرآن در کتابی نوشته شده باشد و یا حتی نصف کلمه قرآنی را بریده باشند.

- فرقی نمی کند که آنچه قرآن بر آن نوشته شده کاغذ باشد یا چوب، سنگ، لباس، دیوار و... .

- به زبان عربی باشد یا غیر آن؛ مثلاً «Allah» یا «Mohammad».

- کلمات قرآنی نیکو باشد؛ مانند «مؤمن» و «صبر» یا کلمات ناپسند؛ مانند «ابلیس»، «شیطان» و «کافر».^۲

۱. همان، م ۳۱۷ و ۳۱۹.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۹ تا ۱۹۱، م ۴ تا ۹ و استفتائات، ج ۱، ص ۴۷، ۷۹، ۴۸ و ۸۴.

۴. مسّ در موارد زیر حرام نیست:

- مسّ خطوط قرآن با موی بدن (گرچه احتیاط مستحب است که ترک کند).
- مسّ از پشت شیشه یا پلاستیک، که در واقع مسّ خطوط نیست.
- مسّ ورق قرآن و حواشی و بین سطور و جلد آن (گرچه مکروه است).
- ترجمه قرآن به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، مسّ آن برای کسی که وضو ندارد، حرام است.^۱
- ۵. کلماتی که مشترک بین لغت قرآنی و غیر آن است، اگر قصد نویسنده، کلمه قرآنی بوده است، مسّ آن جایز نیست و اگر قصد او قرآن نبوده، جایز است.^۲
- ۶. مسّ آرم جمهوری اسلامی ایران بدون طهارت بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۳
- ۷. استفاده از گردنبند یا انگشتری که کلمه «الله» بر آن نوشته شده، اگر با بدن تماس نداشته باشد، اشکال ندارد، ولی اگر جایی از بدن، در حالی که طهارت ندارد به نوشته آن می‌رسد، حرام است.^۴
- ۸. برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:
 - رفتن به مسجد و حرم امامان.
 - خواندن قرآن.
 - همراه داشتن قرآن.
 - رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن.
 - زیارت اهل قبور.^۵

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۹ تا ۱۹۱، م ۱۱ تا ۱۷.

۲. همان، ص ۱۹۰، م ۹.

۳. استفتانات، ج ۱، ص ۴۷، س ۸۰.

۴. همان، ص ۴۷ و ۴۸ و س ۸۱ و ۸۳.

۵. توضیح المسائل، م ۳۲۲.

مبطلات وضو

۱. خارج شدن ادرار، مدفوع و باد از انسان.
۲. خواب، چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند، ولی اگر یکی از آنها از کار بیفتد، مثلاً چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نیست.
۳. چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند: دیوانگی، مستی و بی‌هوشی.
۴. استحاضه زنان، حتی استحاضه قلیله.
۵. آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مَسِّ مِیْت^۱.

برخی از آداب وضو

مستحبات وضو^۲

۱. مصرف آب بیش از یک مُدّ نباشد (یک مُدّ حدود ۷۵۰ گرم است).
۲. مسواک زدن دندان‌ها، هر چند با انگشت.
۳. اگر از ظرف وضو می‌گیرد، آنرا سمت راست خود قرار دهد.
۴. شستن دست‌ها قبل از وضو.
۵. مضمضه (آب در دهان گرداندن).
۶. استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن).
۷. گفتن «بسم‌الله» هنگامی که دست را در آب می‌برد یا آب را بر آن می‌ریزد و بهتر است بگوید: «بسم‌الله و بالله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين».
۸. خواندن دعاهای هنگام وضو و بعد از آن.

۱. همان، م ۳۲۳.

۲. العروة الوثقی، ج ۱.

۹. هنگام شستن دست‌ها در بار اول، مردان آب را روی آرنج، و زنان بر قسمت داخلی آن، جایی که دست خم می‌شود بریزند.
۱۰. در هنگام شستن آب را بر قسمت بالای عضو بریزد.
۱۱. آب را بر عضو بریزد، نه عضو را در آب فرو برد.
۱۲. برای شستن صورت و دست‌ها دست را بر اعضا بکشد، هرچند بدون کشیدن دست، شسته شود.
۱۳. اعمال وضو را با حضور قلب انجام دهد.
۱۴. در هنگام وضو سوره «أنا انزلنا» بخواند.
۱۵. پس از اتمام وضو «آیةالکرسی» بخواند.
۱۶. هنگام شستن صورت چشم‌ها را باز بگذارد.^۱

مکروهات وضو

۱. کمک گرفتن از دیگران در مقدمات وضو؛ مثل این که شخص دیگری آب را به مشت او بریزد.
۲. وضوگرفتن در محل استنجا؛ مثلاً در توالت.
۳. وضوگرفتن با این آب‌ها:
 - آبی که در آفتاب گرم شده.
 - آبی که در انجام غسل واجب به کار رفته است.
 - آب متعفن.
 - آبی که در آن مار، عقرب یا قورباغه مرده باشد.
 - آب نیم خورده زن حائض.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹۸.

- آب نیم خورده اسب، قاطر، الاغ و حیوان نجاست خوار و مردار خوار، بلکه هر حیوان حرام گوشتی.^۱

مسائل متفرقه

۱. وضو گرفتن در دست شویی هایی که آب آن به چاه توالت می ریزد اشکالی ندارد.^۲
۲. اگر در حال وضو گرفتن به نامحرمی نگاه کند یا دروغ بگوید و یا غیبت کند، گرچه کار حرامی مرتکب شده است، ولی وضو صحیح است.^۳
۳. اگر شخص برای مقصودی - مثلاً خواندن قرآن - وضو بگیرد و پس از وضو از آن قصد برگردد، وضو باطل نیست و با همان وضو می تواند هر کاری که نیاز به طهارت دارد انجام دهد.^۴
۴. وضو گرفتن بدین نیت که با وضو باشد صحیح است و با همان وضو می تواند نماز بخواند.^۵
۵. با وضو، خواه برای عمل واجب باشد یا عمل مستحب، هرگونه عمل واجب یا مستحب مشروط به طهارت را می توان انجام داد.^۶
۶. وضو گرفتن قبل از وقت نماز به نیت نماز اشکال ندارد؛ مثلاً قبل از ظهر برای آن که با این وضو نماز ظهر بخواند، وضو بگیرد.^۷

۱. همان، ص ۲۰۰.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۴۵، س ۶۹ و ۷۰.

۳. همان، س ۷۱ و ۷۳.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۶، س ۷۴ و ۷۸.

۶. همان.

۷. همان، س ۷۶.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۲

غسل

گاهی اوقات باید برای نماز و هر کاری که باید با طهارت انجام شود غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست. اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می پردازیم.

- | | | | | |
|--|---|------------------------|---|--------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ۱. جنابت ۲. مسّ میت ۳. میّت ۴. غسلی که با نذر یا عهد و یا قَسَم واجب شود. | } | مشترک بین مردان و زنان | } | اقسام غسل های واجب |
| <ul style="list-style-type: none"> ۱. حیض ۲. استحاضه ۳. نفاس | } | مخصوص بانوان | | |

پس از تعریف و تقسیم غسل، به بیان مسائل هر یک از غسل های واجب

می پردازیم.

غسل جنابت

۱. اگر انسان جنب شود باید غسل جنابت به جا آورد.

سبب جنابت دو چیز است:

بیرون آمدن منی } کم باشد یا زیاد.
در خواب باشد یا بیداری.

جماع (آمیزش) } با حلال باشد یا حرام.
منی بیرون بیاید یا نیاید.^۱

۲. اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی از مجرای بول بیرون نیاید، سبب جنابت نمی شود.^۲

۳. کسی که می داند آنچه از مجرای بول بیرون آمده منی است باید غسل جنابت کند.^۳

۴. کسی که نمی داند آنچه از او بیرون آمده منی است یا نه، در صورتی که علائم منی را داشته باشد، جنب است و در غیر این صورت، حکم به جنابت نمی شود.^۴

۵. نشانه های منی:^۵

- با شهوت بیرون آید.

- با فشار و جستن بیرون آید.

- بعد از بیرون آمدن، بدن سست شود.

بنابراین کسی که آبی از او خارج شده و نمی داند منی است یا نه، در صورتی

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶، م ۱.

۳. همان، ص ۱۳۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۵. همان.

که تمام این نشانه‌ها را داشته باشد، جنب است و گرنه جنب نیست، حتی اگر یکی از علامت‌ها وجود نداشته باشد؛ اما برای زن و مریض فقط بیرون آمدن از روی شهوت کافی است. البته مقصود از شهوت، هر لذتی نیست، بلکه اوج لذت شهوانی است؛ همانند حالتی که موقع آمیزش پیش می‌آید. از این رو ترشحاتی که همراه با شدت لذت نیست، حکم منی ندارد.

۶. مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون بیاید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.^۱

کارهایی که بر جنب حرام است^۲

- رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و ائمه و حضرت زهرا علیها السلام.
- رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله هر چند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.
- توقف در مساجد.
- گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون مسجد باشد.
- خواندن سوره‌های^۳ دارای سجده واجب، حتی یک حرف از آن.
- توقف در حرم امامان علیهم السلام (بنا بر احتیاط واجب).

۱. توضیح المسائل، م ۳۴۸.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸ - ۳۹.

۳. آیه الله العظمی خامنه‌ای: تنها خواندن همان آیات سجده دار حرام است و خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۹۹)

سوره‌ها و آیات سجده‌دار قرآن^۱

- سوره شماره ۳۲ (سجده) آیه ۱۵ ﴿أَتَمَّا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ...﴾

- سوره شماره ۴۱ (فُصِّلَتْ) آیه ۳۷ ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ...﴾

- سوره شماره ۵۳ (نَجْم) آیه آخر ﴿فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا﴾

- سوره شماره ۹۶ (عَلَق) آیه آخر ﴿كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾

اگر جنب از یک در مسجد وارد شود و از در دیگر بیرون برود (عبور بدون توقف) اشکالی ندارد، به جز مسجد الحرام و مسجد النبی که عبور هم جایز نیست.^۲
مکانی که شخص در خانه‌اش برای نماز قرار می‌دهد و همچنین نمازخانه‌های مؤسسه‌ها و اداره‌ها حکم مسجد ندارند.^۳

کیفیت غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود؛ خواه غسل واجب باشد - مانند جنابت - یا مستحب؛ مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر شیوه انجام دادن غسل‌ها یکسان است و فرقی ندارند، مگر در نیت.

غسل به دو گونه انجام می‌شود

- | | | |
|-----------------------------|---|------------------------|
| اول سر و گردن را می‌شوید؛ | } | ۱. ترتیبی ^۴ |
| سپس نیمه راست بدن؛ | | |
| و بعد از آن نیمه چپ بدن را. | | |

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸ - ۳۹.

۲. همان.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۸، م ۳.

۴. توضیح المسائل، م ۳۶۱، ۳۶۷ و ۳۶۸.

بخش ۳ / غسل ۱۰۳

با نیت غسل یکباره زیر آب می‌رود، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد. }
 ۲. ارتماسی یا به تدریج زیر آب می‌رود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.
 یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت می‌دهد.

یادآوری

در غسل ارتماسی باید آب به قدری باشد که تمام بدن زیر آب برود.

احکام غسل

۱. تمام شرط‌های صحیح بودن وضو، در صحیح بودن غسل هم شرط است، به جز موالات. همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.^۱
۲. کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل انجام دهد.
۳. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم بگیرد.^۲
۴. در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست و اگر هر قسمت را پیش از شستن آن تطهیر کند، کافی است.^۳
۵. غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آورد.^۴

۱. همان، م ۳۸۰.

۲. همان، م ۳۹۱.

۳. همان، م ۳۷۲.

۴. همان، م ۳۳۹.

۶. کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، غسل و روزه او صحیح است.^۱

۷. در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و چنانچه به نیت غسل، آب به همه بدن برسد، کافی است.^۲

۸. اگر در بین غسل، حدث اصغر (مبطل وضو) از او سرزند، غسل باطل نمی‌شود، ولی باید برای نماز وضو بگیرد، هرچند غسل جنابت باشد.^۳

۹. زنان هم ممکن است مانند مردان در خواب محتمل شوند و در صورتی که یقین به خروج منی پیدا کردند، غسل واجب می‌شود و در صورت شک چیزی بر آنها نیست.^۴

۱۰. استمناء، عملی حرام و از گناهان بزرگ است و اگر کسی این عمل زشت را انجام دهد و منی از او بیرون آید باید غسل جنابت کند.^۵

۱۱. وظیفه کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدن آب نرسیده است: الف) اگر غسل ارتماسی بوده، باید دوباره غسل کند، چه جای آن را بداند یا نداند.

ب) اگر غسل ترتیبی بوده:

یکم) در صورتی که جای آن را نمی‌داند: باید دوباره غسل کند.

۱. همان، م ۳۷۱.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۵۶، س ۱۱۷.

۳. توضیح المسائل، م ۳۸۶.

۴. استفتائات، ج ۱، ص ۵۰، س ۹۰ و ۹۱.

۵. همان، س ۹۴ و ۹۵.

دوم) چنانچه جای آن را می‌داند:

- در طرف چپ است: شستن همان مقدار کافی است.
- در طرف راست است: باید آن مقدار را شسته سپس طرف چپ را بشوید.
- در سر و گردن است: باید آن مقدار را شسته و سپس طرف راست و چپ را بشوید.^۱

غسل جبیره‌ای

غسل جبیره‌ای نیز مانند وضوی جبیره‌ای است و باید ترتیبی به‌جای آورده شود؛ نه ارتماسی. بنابراین کسی که جایی از بدنش زخم است یا به جهتی دیگر آب برایش ضرر دارد یا جبیره آن را پوشانده و برداشتن آن ممکن نیست باید به همان دستوری که در وضوی جبیره‌ای گفته شد، عمل کند و غسل او صحیح است.^۲

شکیات غسل

- شک در انجام دادن غسل (نمی‌داند غسل کرده یا نه): باید غسل کند (ولی چنانچه نمازی خوانده، صحیح است و برای نمازهای بعدی باید غسل کند).
- شک در صحت غسل (نمی‌داند صحیح انجام داده یا نه):
 ۱. اگر پس از اتمام غسل شک کند: به شک اعتنا نمی‌شود (بنابر صحت می‌گذارد).
 ۲. اگر در بین غسل شک کند (قبل از اتمام):
 - در شستن مقداری از طرف راست شک کند:
 ۱. مشغول شستن طرف چپ شده است: به شک اعتنا نمی‌شود.

۱. توضیح المسائل، م ۳۶۹ و ۳۶۴ و ۳۶۵.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۶۷، م ۲۸.

۲. مشغول شستن طرف چپ نشده: باید آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشوید.

- در شستن مقداری از سر و گردن شک کند:

۱. مشغول شستن طرف راست شده است: به شک اعتنا نمی شود.
۲. مشغول شستن طرف راست نشده: باید آن مقدار را بشوید و سپس طرف راست و چپ را بشوید.

- جایی از بدن را که شک دارد جزء ظاهر بدن است یا باطن آن (مانند سوراخ جای گوشواره): شستن آن لازم نیست.

- در بین غسل شک کند چیزی مانع رسیدن آب در بدن هست یا نه: اگر احتمال او در نظر مردم به جاست (احتمال عقلایی) باید واری کند وگرنه لازم نیست.^۱

غسل مسّ میّت

۱. اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مسّ میّت کند.^۲
۲. در این موارد، مسّ بدن انسان مرده سبب غسل نمی شود:
 - کسی که در میدان نبرد به شهادت رسیده است، در صورتی که در میدان جان داده باشد.
 - مرده تازه از دنیا رفته که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.
 - مرده‌ای که غسلش داده‌اند.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۷۸، ۳۸۵ و ۳۸۸.

۲. همان، م ۵۲۱.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲۶؛ استفتائات ص ۱۷۹.

بخش ۳ / غسل ۱۰۷

۳. غسل مسّ میّت را باید مانند غسل جنابت انجام داد، ولی کسی که غسل مسّ میّت کرده، اگر بخواند نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد.^۱

احکام اموات^۲

همان‌گونه که در کتب فقهی متداول است، احکام اموات پس از غسل میّت آورده می‌شود. چون سخن از میّت به میان آمده و یکی از وظایف واجب نسبت به مردگان نیز غسل میّت است. از این رو ما نیز احکام مربوط به مردگان را در این قسمت می‌آوریم.

احکام مُحْتَضِر

«مُحْتَضِر» کسی است که در حال جان دادن می‌باشد.

وظیفه دیگران نسبت به مُحْتَضِر

واجبات:^۳

او را به پشت طوری بخوابانند که کف پاهایش به طرف قبله باشد.

مستحبات:

- شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حقّ را بر او بخوانند؛ به طوری که بفهمد.

- آنچه گفته شد تا وقت مرگ تکرار کنند.

۱. توضیح المسائل، م ۵۳۰.

۲. بسیاری از احکام اموات برای مطالعه است و نیاز به تدریس ندارد. لذا اساتید محترم شاگردان را به مطالعه آنها راهنمایی کنند.

۳. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: احتیاط واجب است. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۵۳)

- کسی که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود، او را به جایی که نماز می‌خوانده ببرند.

- برای راحت شدن وی بر بالینش سوره‌های «یس»، «صافات»، «احزاب»، «آیةالکرسی»، آیه ۵۴ سوره اعراف «انّ ربکم اللّٰه...» و سه آیه آخر سوره بقره و هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.

- دعاهای وارد شده در این مورد را برای او بخوانند.

مکروهات:

- تنها گذاشتن او.

- گذاشتن چیز سنگین بر شکمش.

- بودن جنب و زن حیض در کنار او.

- زیاد حرف زدن نزد او.

- گریه کردن نزد او.

- تنها گذاشتن زن‌ها نزد او.^۱

مستحبات پس از مرگ

- دهان و چشمان میّت را بر هم بگذارند که باز نماند.

- چانه او را ببندند.

- دست و پای او را دراز کنند.

- پارچه‌ای روی او بیندازند.

- اگر در شب فوت کرده، در محل مرگ او چراغ روشن کنند.

- برای تشییع جنازه او افراد مؤمن را خبر کنند.

۱. توضیح المسائل، م ۵۳۳ - ۵۴۰.

بخش ۳ / غسل ۱۰۹

- در دفن او عجله کنند، ولی اگر به مردن او یقین ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود. نیز اگر میت حامله بوده و بچه در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را تأخیر اندازند که پهلوئی چپ را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلو را بدوزند.^۱

واجبات پس از مرگ

- غسل دادن.

- حنوط کردن.

- کفن کردن.

- نماز خواندن بر او.

- دفن.^۲

غسل میت

۱. هر گاه مؤمنی^۳ از دنیا برود، بر همه مکلفان واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند. و اگر بعضی این کارها را انجام دهند، از دیگران ساقط می شود.^۴

۲. واجب است میت را سه غسل بدهند:

اوّل) با آب مخلوط با سدر.

دوم) با آب مخلوط با کافور.

سوم) با آب خالص.

۱. همان، م ۵۴۱.

۲. همان، م ۵۴۲ - ۵۸۵.

۳. آیه الله العظمی خامنه‌ای: غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان بر هر مکلفی واجب است.

(راهنمای فتاوا، م ۴۱)

۴. توضیح المسائل، م ۵۴۲.

۳. غسل میّت با سایر غسل‌ها تفاوتی - به جز در نیت - ندارد و احتیاط واجب است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند.^۱
۴. سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که بگویند سدر و کافور با آب مخلوط نشده است.^۲
۵. اگر سدر و کافور یا یکی از این‌ها پیدا نشود، باید به جای هر کدام که مقدور نیست، میّت را با آب خالص غسل بدهند.^۳
۶. برای غسل و کفن و نماز و دفن میّت باید از ولیّ او اجازه گرفت.^۴
۷. ولیّ زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می‌کند، شوهر اوست و بعد از او مردهایی که از میّت ارث می‌برند، مقدم بر زن‌های ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند، در این امور نیز مقدمند.^۵
۸. زن می‌تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می‌تواند زن خود را غسل دهد، گر چه احتیاط مستحب آن است که یکدیگر را غسل ندهند.^۶
۹. مرد می‌تواند دختر بیچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد غسل دهد.^۷
۱۰. نگاه کردن به عورت میّت حرام است و کسی که میّت را غسل می‌دهد، اگر نگاه کند، معصیت کرده، ولی غسل باطل نمی‌شود.^۸

۱. همان، م ۵۶۵.

۲. همان، م ۵۵۱.

۳. همان، م ۵۵۴.

۴. همان، م ۵۴۲.

۵. همان، م ۵۴۷.

۶. همان، م ۵۵۹.

۷. همان، م ۵۶۰.

۸. همان، م ۵۶۳.

۱۱. مزد گرفتن برای غسل دادن میّت جایز نیست، ولی مزد برای کارهای مقدماتی آن حرام نیست.^۱

۱۲. اگر آب نباشد یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض هر غسل، میّت را یک تیمم بدهند. بدین ترتیب که در صورت امکان دست‌های او را بر زمین زده و بر پیشانی و روی دست‌هایش بکشند و اگر ممکن نیست، کسی که او را تیمم می‌دهد، دست‌های خود را بر زمین زده و بر پیشانی و دست‌های میّت بکشد.^۲

احکام میّت

۱. حنوط

۱. بعد از غسل، واجب است میّت را حنوط کنند؛ یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانو و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.^۳
۲. مستحب است سر بینی میّت را هم کافور بمالند.^۴

۲. کفن میّت

مقدار لازم کفن:

۱. لنگ، که باید از ناف تا زانو اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن که از سینه تا روی پا برسد.
۲. پیراهن، بنابر احتیاط واجب باید از سرشانه تا نصف ساق پا را بپوشاند.

۱. همان، م ۵۶۷.

۲. همان، م ۵۶۸.

۳. همان، م ۵۸۵.

۴. همان.

۳. سرتاسری، باید درازای آن به قدری باشد که بستن دو سر آن - از طرف سر و پای میت - ممکن باشد و پهنای آن به اندازه‌ای که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.^۱

۳. تشییع جنازه و آداب آن

فضیلت و ثواب تشییع جنازه بسیار زیاد است. در روایت آمده است: کسی که در تشییع جنازه شرکت می‌کند، تا وقتی که برمی‌گردد، برای هر قدمی که برمی‌دارد، یک میلیون حسنه نوشته می‌شود، یک میلیون گناه بخشیده می‌شود و یک میلیون درجه بر درجات او افزوده می‌گردد. برای تشییع جنازه آدابی است که برخی از آنها را در این جا می‌آوریم:

مستحبات:

۱. هنگام حمل جنازه بگویند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ».
۲. جنازه را بر شانه خود حمل کنند؛ نه بر حیوان و ماشین و امثال آن، مگر این‌که عذری مانند دوری مسافت وجود داشته باشد.
۳. با خشوع و تفکر باشند.
۴. پیاده بروند (سواره رفتن مکروه است، مگر این‌که عذری داشته باشند، ولی در بازگشت مکروه نیست).
۵. دو طرف جنازه یا پشت سر آن حرکت کنند و پشت سر جنازه افضل است.

مکروهات:

۱. خندیدن، بازی کردن و سخن بیهوده گفتن.

۱. همان، م ۵۷۰ - ۵۷۱.

۲. تند رفتن، به خصوص دویدن؛ بلکه بهتر است که به طور متوسط راه بروند.
۳. بهتر است زنان جوان در تشییع جنازه شرکت نکنند.^۱

وظایف صاحب عزا

۱. مستحب است انسان در مرگ خویشان، به خصوص مرگ فرزند، صبر کند.
۲. مستحب است در تشییع جنازه پابرهنه باشد و ردا را بردارد یا به گونه‌ای دیگر باشد که مناسب مصیبت‌دیده است تا بین دیگران شناخته شود.
۳. مستحب است هر وقت به یاد میّت می‌افتد، بگوید: اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.
۴. مستحب است برای میّت قرآن بخواند و بر سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند.
۵. پس از رفتن کسانی که جنازه را تشییع کرده‌اند، مستحب است ولیّ میّت یا کسی که از طرف ولیّ اجازه دارد، دعاهای وارد شده را به میّت تلقین کند.
۶. احتیاط واجب است که در گریه بر میّت صدا را زیاد بلند نکنند.
۷. پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست.
۸. اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند، یا زن در عزای میّت، صورت خود را بخراشد - به طوری که خون بیاید - یا موی خود را بکند، باید یک بنده آزاد کند یا به ده فقیر طعام بدهد یا آنها را بپوشاند و اگر نتواند، سه روز روزه بگیرد؛ بلکه اگر خون هم نیاید، بنابر احتیاط واجب باید به این دستور عمل کند.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی تشییع الجنازة، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۸؛ توضیح المسائل، م ۶۳۱، ۶۳۵، ۶۳۶.

۴. کیفیت دفن میت

۱. میت را باید طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند.
۲. میت را باید در قبر به پهلو راست رو به قبله بخوابانند.
۳. اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن، او را در بنا یا تابوت بگذارند.
۴. اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسدش فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند؛ وگرنه باید در کشتی غسلش دهند و حنوط و کفن کنند و پس از نماز بر او چیز سنگینی به پایش ببندند و او را به دریا بیندازند یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و در صورت امکان، او را در جایی رها کنند که فوراً طعمه حیوانات نشود.
۵. اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و اگر چاه مال خود او نیست، صاحب چاه را راضی کنند.^۱

مکان‌هایی که دفن میت جایز نیست

- دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان.
- دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد؛ مثلاً در محل زباله و خاکروبه.
- در مکان غصبی.
- در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است.
- در قبر مرده دیگری که سبب نبش قبر شود.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۶۱۳ تا ۶۱۶ و ۶۲۵.

۲. همان، م ۶۲۰ تا ۶۲۳.

۵. آداب دفن میت

مستحبات حفر و بنای قبر:

۱. قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند.
۲. در زمین‌های سخت برای قبر لحد درآورند؛ یعنی حفره‌ای به اندازه جسد در دیوار قبر در سمت قبله درآورند.
۳. قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند.
۴. به اندازه چهار انگشت، قبر را از زمین بالا بیاورند.
۵. قبر را محکم بسازند تا زود خراب نشود.
۶. نشانه‌ای روی قبر بگذارند تا اشتباه نشود.
۷. اسم میت را بر سنگ یا لوحی بنویسند و بالای سر او روی قبر بگذارند.
۸. میت را در نزدیک‌ترین قبرستان دفن کنند، مگر این‌که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد؛ مثل آن‌که مردمان خوب در آن‌جا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آن‌جا بروند.
۹. اقوام و خویشان را نزدیک هم دفن کنند.^۱

مستحبات دفن:

۱. جنازه را در چند قدمی قبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم‌کم ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند.
۲. اگر میت مرد است، بار سوم طوری او را بر زمین بگذارند که سرش به طرف پایین قبر باشد و در مرتبه چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر زن است، در

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی مستحبات الدفن و مکروهاته، ص ۸۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المستحبات قبل الدفن و حینه و بعده، ص ۴۳۹ و ۴۴۰.

بار سوم او را طرف قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند. هنگام وارد کردن جنازه پارچه‌ای روی قبر بگیرند.

۳. جنازه را به آرامی از تابوت بردارند و وارد قبر کنند.

۴. بعد از گذاردن میت در لحد، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سرش درست کنند و پشت او خشت خام یا کلوخی بگذارند تا به پشت برنگردد.

۵. غیر از خویشان میت، افراد حاضر با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

۶. دو چوب‌تر همراه میت در قبر بگذارند که بهتر است از چوب نخل یا سدر و یا انار باشد و یکی را در کنار سر و دیگری را کنار پای میت بگذارند.

۷. دعاهای وارد شده در دفن میت را بخوانند و عقاید حق را به او تلقین کنند.^۱

۶. احکام شهید

۱. کسی که به امر معصوم علیه السلام یا نایب او به جهاد برود و در میدان نبرد کشته شود، شهید است و غسل و حنوط و کفن او ساقط است و با لباس خود دفن می‌شود.^۲

۲. این حکم اختصاص به شهیدی دارد که در معرکه (میدان نبرد) جان داده باشد، ولی اگر در میدان مجروح شود و پشت جبهه به شهادت برسد، غسل و حنوط و کفن او ساقط نیست.^۳

۳. اگر شهید لباس بر تن نداشته باشد، باید او را کفن کنند.^۴

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الجریدین؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۷۹، توضیح المسائل، م ۶۲۸ و ۶۲۹.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، فی غسل المیت، ص ۶۶، م ۱؛ استفتائات، ج ۱، ص ۷۹ - ۸۳.

۳. همان.

۴. همان.

مسئله

۱. بعد از دفن مستحب است به صاحبان عزا تسلی دهند، ولی اگر پس از گذشت مدتی با تسلیت گفتن، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است.
۲. مستحب است پس از دفن تا سه روز برای اهل خانه میّت غذا بفرستند (غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است).^۱

۷. مخارج کفن و دفن

۱. اگر میّت برای مخارج وصیتی کرده باشد، با در نظر گرفتن شرایط وصیت مطابق آن عمل می‌شود.

اگر میّت وصیتی ندارد:

- میّت، زنی است که شوهر دارد: کفن و سایر مخارج تجهیز او بر عهده شوهر است، هر چند آن زن از خودش مالی داشته باشد.
- میّت غیر زوجه است: کفن و سدر و کافور و قیمت زمین برای دفن (اگر برای زمین دفن پول گرفته می‌شود) و مزد حمّال و قبرکن و سایر مخارج تجهیز میّت از اصل ترکه خارج می‌شود. کفن حتی بر دیون و وصایا و حق ورثه نیز مقدم است.^۲
- ۲. آنچه بر مسلمانان واجب می‌شود، کفن کردن میّت است؛ نه کفن دادن؛ گرچه آن هم مستحب است.^۳

۸. نیش قبر

۱. نیش قبر مسلمان (شکافتن قبر او) هر چند طفل یا دیوانه باشد، پیش از آن‌که

۱. توضیح المسائل، م ۶۳۲.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۷۴، م ۴ و ۵.

۳. همان.

بدنش از بین رفته و خاک شده باشد، حرام است، مگر در این موارد:

- میّت بدون غسل دفن شده یا غسلش باطل بوده باشد.
- میّت بدون کفن یا به غیر دستور شرع کفن شده باشد.
- او را رو به قبله نگذاشته باشند.
- (در موارد فوق، اگر شکافتن قبر موجب بی احترامی به میّت نشود، جایز است).
- میّت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود.
- کفن یا چیز دیگری که با میّت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند.
- چیزی از مال خود میّت که به ورثه رسیده با او دفن شده و ورثه راضی نشوند که در قبر بماند، مگر چیز مختصری باشد که ماندن آن در قبر اجحاف به ورثه نباشد که در این صورت احتیاط واجب است قبر را نبش نکنند.
- برای ثابت شدن حقی بخواهند بدن میّت را ببینند.
- میّت در جایی که بی احترامی به اوست (مثل قبرستان کفار یا محل ریختن خاکروبه) دفن شده باشد.
- برای موضوعی شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را نبش کنند؛ مثلاً بخواهند بچه زنده‌ای را از شکم زن باردار دفن شده بیرون آورند.
- بترسند که دشمن یا درنده‌ای او را بیرون آورد یا سیل او را ببرد.
- بخواهند قسمتی از بدن میّت را که با او دفن نشده دفن کنند، ولی بنا بر احتیاط واجب باید آن قسمت را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود.^۱

۱. توضیح المسائل، م ۶۴۱ و ۶۴۳.

۲. نبش قبر امامزاده‌ها و شهدا و علما و صلحا، اگر چه سال‌ها بر آن گذشته باشد، در صورتی که زیارتگاه باشد حرام است، بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.^۱

غسل‌های مستحب

غسل‌های مستحب بسیارند. در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در این اوقات غسل کردن مستحب است:

- روز جمعه

- روز میلاد پیامبر ﷺ (۱۷ ربیع الاول)

- روز مبعث پیامبر ﷺ (۲۷ رجب)

- اول، وسط و آخر ماه رجب

- شب نیمه شعبان

- شب‌های فرد ماه رمضان (اول، سوم، پنجم و...)

- عید فطر و قربان

- روز هشتم و نهم ذی‌الحجه

- عید غدیر

۲. برای به‌جا آوردن کارهای زیر غسل کردن مستحب است:

- احرام عمره و حج

- طواف کعبه

- وقوف در عرفات

- زیارت

۱. همان، م ۶۴۲.

۳. برای وارد شدن به حرم مکه، شهر مکه، رفتن به مسجدالحرام و مسجد النبی ﷺ و رفتن به مدینه منوره نیز غسل کردن مستحب است.^۱

غسل‌های مخصوص بانوان

سه غسل از غسل‌های واجب - یعنی حیض، استحاضه و نفاس - تنها بر دختران و بانوان واجب می‌شود و سبب این غسل‌ها خون‌هایی است که زن‌ها می‌بینند و هر یک احکام خاصی دارد که به بیان آنها می‌پردازیم:

۱. خونی که پس از تولد نوزاد می‌آید «نفاس» نام دارد و زن را در مدت دیدن این خون «نفساء» می‌گویند.^۲
۲. خونی که معمولاً هر ماه زن در ایام عادت خود می‌بیند «حیض» است و زن را در این مدت «حائض» می‌گویند.^۳
۳. وقتی که مدت خونریزی نفاس یا حیض به پایان رسید، زن باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.^۴
۴. یکی دیگر از خون‌هایی که زنان می‌بینند، «استحاضه» است و زن را در دوران دیدن آن «مستحاضه» گویند. در برخی موارد استحاضه، زن باید برای نماز و برخی کارهای دیگر غسل کند.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول في الاغسال المندوبه، ص ۹۷.

۲. توضیح المسائل، م ۱۰۵.

۳. همان، ص ۵۵.

۴. همان، م ۴۴۶ و ۵۱۵.

۵. همان، م ۳۹۵ و ۳۹۶.

۱. غسل نفاس

۱. از ابتدای ولادت کودک، هر خونی که زن می‌بیند، نفاس است.^۱
۲. خونریزی نفاس ممکن است یک لحظه و حتی چندین روز طول بکشد، ولی از ده روز بیشتر نخواهد شد و چنانچه از ده روز بگذرد، روزهای زیاد، حکم نفاس را ندارد.
۳. زن باید پس از قطع خونریزی زایمان، غسل نفاس به‌جا آورد و نماز و دیگر عبادت‌های خود را انجام دهد. بنابراین، رسمی که در بعضی مناطق هست که پس از هفت یا ده روز به حمام رفته و غسل می‌کنند و قبل از آن، هر چند خونریزی قطع شود، نماز و سایر عبادت‌ها را انجام نمی‌دهند، کار درستی نیست.^۲
۴. غسل نفاس با سایر غسل‌ها جز در نیت تفاوتی ندارد و برای نماز کافی نیست؛ بلکه زن باید علاوه بر آن وضو نیز بگیرد.^۳

۲. غسل حیض (قاعدگی)

- زمانی که خونریزی قاعدگی قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.^۴
- نشانه‌های خون حیض**
۱. خون حیض، قبل از بلوغ دیده نمی‌شود و اگر دختری قبل از بلوغ خونی ببیند، حکم حیض ندارد.^۵

۱. همان، م ۵۰۸.

۲. همان، م ۵۱۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۰، سطر ۳؛ توضیح المسائل، م ۳۹۱.

۴. توضیح المسائل، م ۴۶۶.

۵. ممکن است دختر بالغ باشد، ولی خونریزی قاعدگی نداشته باشد؛ چون وراثت، تغذیه و آب و هوا هم در این مسئله تأثیر دارد؛ چنانچه امروزه معمولاً نخستین خونریزی دخترها در دوازده - سیزده سالگی رخ می‌دهد.

۲. زن‌های سیّده پس از ۶۰ سالگی^۱ و زن‌های غیر سیّده پس از ۵۰ سالگی خون حیض نمی‌بینند و چنان‌چه پس از این سنین خونی ببینند، حکم حیض ندارد.
۳. دوره قاعدگی کم‌تر از سه روز نیست. پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود، حکم حیض ندارد.
۴. دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنان‌چه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض ندارد.
۵. خونریزی سه روز اول پی‌درپی است. پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند، سپس به طور کامل قطع شود و یک روز دیگر دوباره خون ببیند یا فقط گاهی لکه‌های خون ببیند، از آغاز حیض نبوده است؛ ولی اگر داخل آلوده به خون باشد، هر چند بیرون نیاید، کفایت می‌کند و حکم حیض دارد.
۶. فاصله دو حیض حداقل ده روز است. پس اگر بعد از تمام شدن دوره قاعدگی، پیش از آن‌که ده روز فاصله شود، دوباره خون ببیند، خون دوم حکم حیض ندارد.^۲
۷. خون حیض معمولاً غلیظ و گرم و پر رنگ است و با فشار و کمی سوزش می‌آید.^۳

-
۱. سنّ یائسگی - یعنی ۶۰ سال برای سادات و ۵۰ سال برای غیر سادات - به سال قمری محاسبه می‌شود و هر سال قمری حدود ۱۰ روز کم‌تر از سال شمسی است. بنابراین، پنجاه سال قمری حدود ۴۸ سال و ۶ ماه شمسی است. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می‌توانند در این مسأله به مجتهد جامع‌الشرايط دیگر مراجعه نمایند. راهنمای فتاوا، م ۳۲.
 ۲. مگر آن‌که ابتدا سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره چند روزی خون ببیند و مجموع خونریزی اول و دوم و پاکی در وسط بیش از ده روز نباشد.
 ۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الحيض، ص ۳۱۵ و ۳۱۶؛ توضیح المسائل، م ۴۳۴ - ۴۴۱.

الف) اقسام حائض

زنان در مدت خونریزی، بر اساس زمان شروع و پایان خونریزی به شش دسته تقسیم می‌شوند که این اقسام و وظیفه هر یک در جدول آمده است:

ش	چگونگی جریان خون	وظیفه
۱	تاکنون خونریزی قاعدگی نداشته است؛ مانند دختری که خونریزی‌اش برای اولین بار شروع شده است. (مبتدیه)	در این صورت، از ابتدای خونریزی اگر نشانه‌های
۲	اولین خونریزی قاعدگی او نیست، ولی هنوز عادت منظمی پیدا نکرده است. (مضطربه)	خون قاعدگی را دارد یا یقین کند تا سه روز طول می‌کشد، باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.
۳	خونریزی قاعدگی او از نظر تعداد روزها منظم است - مثلاً همیشه پس از ۵ روز خونریزی پاک می‌شود - ولی از نظر وقت شروع خونریزی منظم نشده است. (عددیّه)	به حساب آورده و به احکام آن عمل کند.
۴	خونریزی قاعدگی از نظر تعداد روزها منظم نیست - مثلاً گاهی پس از ۵ روز خونریزی پاک می‌شود و گاهی پس از ۶ روز - ولی از نظر وقت شروع خونریزی منظم است؛ مثلاً همیشه ۲۵ روز پس از پاک شدن دوباره خونریزی شروع می‌شود. (وقتیه)	در این دو صورت، چون وقت شروع خونریزی مشخص است، از شروع باید آن را حیض به حساب آورده و به احکام آن عمل کند.
۵	خونریزی قاعدگی او، هم از نظر تعداد روزها و هم از نظر وقت شروع، منظم است؛ مثلاً همیشه بیستم ماه خونریزی شروع می‌شود و پس از ۵ روز قطع می‌گردد. (وقتیه و عددیه)	
۶	عادت منظمی در خونریزی داشته، ولی اکنون آن را فراموش کرده است. (ناسیه)	اگر نشانه‌های خون قاعدگی را دارد یا یقین کند که ۳ روز طول می‌کشد، باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.

ب) احکام دوران قاعدگی

۱. در مدت قاعدگی این کارها بر بانوان حرام است:
- نماز و طواف کعبه.

- کارهایی که بر جنب حرام است؛ مانند توقّف در مسجد.^۱

- آمیزش با همسر (برای زن و مرد حرام است).^۲

۲. در ایام قاعدگی، نماز و روزه بر زن واجب نیست. پس از این ایام، نمازها قضا ندارد؛ ولی قضای روزه‌های واجب را باید بعد از ماه مبارک رمضان به‌جا آورد.^۳

۳. استفاده از قرص یا شیوه‌های پزشکی دیگر برای جلوگیری از خونریزی، اگر ضرری نداشته باشد، اشکال ندارد.^۴

ج) وظیفه زن پس از قطع قاعدگی

۱. پس از پایان دوره قاعدگی و قطع خونریزی، زن باید غسل حیض انجام دهد و نماز و سایر عبادت‌های خود را به‌جا آورد.^۵

۲. غسل حیض با غسل جنابت، به جز در نیت تفاوتی ندارد.^۶

۳. با غسل حیض به تنهایی نمی‌توان نماز خواند؛ بلکه باید وضو هم گرفت و اگر پیش از غسل وضو بگیرد، بهتر است.^۷

۱. کارهایی که بر جنب حرام است. در ص ۸۱ گذشت.

۲. توضیح المسائل، م ۴۵۰.

۳. همان، م ۴۶۹.

۴. استفتانات، ج ۱، ص ۴۷۰، س ۱۱۱.

۵. توضیح المسائل، م ۴۶۶.

۶. همان.

۷. همان.

۳. استحاضه

خون استحاضه معمولاً زرد رنگ و سرد است، بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ نیست؛ ولی ممکن است گاهی پررنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید.^۱

خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن، سه قسم است: قلیله، متوسطه و کثیره. بر پایه این تقسیم، وظیفه زن نیز متفاوت است.^۲

الف) وظیفه مستحاضه قلیله

برای تشخیص نوع استحاضه باید مقداری پنبه در داخل بگذارد و کمی صبر کند و سپس بیرون آورد. اگر تنها یک طرف پنبه آلوده به خون شده باشد یا به درون آن نفوذ کرده، ولی از طرف دیگر ظاهر نشده باشد، قلیله^۳ است و باید برای نماز، بدن را تطهیر کرده و بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند و وضو بگیرد. استحاضه قلیله غسل ندارد.^۴

ب) وظیفه مستحاضه متوسطه

اگر خونریزی به قدری باشد که به درون پنبه نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شود، ولی لباس یا پارچه روی پنبه را آلوده نکند، استحاضه متوسطه است و زن باید برای نماز، افزون بر وظایف مذکور برای قلیله، برای نمازی که قبل از

۱. همان، م ۳۹۲.

۲. همان، م ۳۹۳.

۳. برای آشنایی بیشتر با چگونگی شناخت نوع استحاضه، به توضیح المسائل، مسئله ۴۰۴ مراجعه کنید.

۴. توضیح المسائل، م ۳۹۳ و ۳۹۴.

آن یا در بین آن مستحاضه شده است، غسل کند و تا زمانی که خونریزی مستحاضه متوسطه ادامه دارد، هر روز قبل از نماز صبح غسل کند. بنابراین، در استحاضه متوسطه، هر شبانه روز یک غسل کافی است؛ البته پس از قطع خونریزی نیز باید غسل کند.^۱

ج) وظیفه مستحاضه کثیره

اگر خونریزی به قدری است که به پنبه نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده و لباس یا پارچه روی پنبه را آلوده کرده، استحاضه کثیره است و زن باید برای هر نماز، علاوه بر وظایف مذکور برای قلیله، دستمال یا لباس خونی را عوض کند یا آب بکشد و غسل هم انجام دهد؛ اما اگر نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را با هم بخواند و فاصله نیندازد، یک غسل برای هر دو کافی است؛ پس در این صورت، مستحاضه کثیره باید برای هر وعده نماز یک غسل انجام دهد.^۲

مسئله

۱. مستحاضه متوسطه و کثیره باید پس از قطع خونریزی غسل کنند، ولی مستحاضه قلیله پس از قطع خونریزی هم غسل ندارد.^۳
۲. غسل استحاضه با سایر غسل‌ها تفاوتی ندارد، مگر در نیت.
۳. با غسل استحاضه نمی‌توان نماز خواند، بلکه باید وضو هم گرفت.^۴

۱. همان، م ۳۹۳ و ۳۹۵.

۲. همان، م ۳۹۶.

۳. همان، م ۴۱۲.

۴. همان، م ۳۹۱.

۳

تیمم

در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

۱. آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.
۲. آب برای فرد ضرر داشته باشد؛ مثلاً بیماری پوستی دارد که آب برای آن مضر است.
۳. اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر یا فرزندان یا دوستش و یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی می میرند یا بیمار می شوند. همچنین در صورتی که کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهد، تلف می شود؛ حتی حیوانی که در اختیار اوست.
۴. بدن یا لباس او نجس است و بیش از مقدار تطهیر آن آب ندارد و لباس دیگری هم ندارد.
۵. وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد.
۶. استفاده از آب یا ظرف آن برای او حرام باشد؛ مثل این که غصبی باشد.^۱

۱. توضیح المسائل، تیمم.

اعمال تیمم

۱. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
 ۲. کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر رویده است تا روی ابروها و بالای بینی (بین دو ابرو).
 ۳. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
 ۴. کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.^۱
- تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور الهی انجام شود. همچنین باید نیت کند که تیمم به جای وضو است یا غسل.^۲

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است:

- خاک
- ریگ
- اقسام سنگ‌ها، مانند: سنگ سیاه، سنگ مرمر و نیز سنگ گچ و آهک (پیش از آن‌که پخته شود).^۳
- گل پخته، مانند: آجر و کوزه.^۴

-
۱. آية الله العظمی خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که پس از این [بعد از آن‌که دست بر زمین زد و بر پیشانی و دست‌ها کشید] بار دیگر دست‌های خود را بر زمین بزند و کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد. این ترتیب در تیمم بدل از وضو و غسل یکسان است. (اجوبة الاستفتائات، س ۲۰۹)
 ۲. توضیح المسائل، م ۷۰۰.
 ۳. آية الله العظمی خامنه‌ای: بلکه صحت تیمم به گچ و آهک پخته و آجر و امثال آن بعید نیست [تیمم بر این‌ها نیز صحیح است]. (اجوبة الاستفتائات، س ۲۱۰)
 ۴. توضیح المسائل، م ۶۸۴ و ۶۸۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۸۵.

مسئله

۱. تیممی که به جای وضو است با تیمم به جای غسل فرقی ندارد، مگر در نیت.^۱
۲. کسی که به جای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از باطل کننده‌های وضو از او سر بزند، تیممش باطل می‌شود.^۲
۳. کسی که به جای غسل تیمم کرده است، هرگاه یکی از اسباب غسل، مثل جنابت یا مسّ میّت پیش آید، تیممش باطل می‌شود.^۳
۴. تیمم در صورتی صحیح است که نتواند وضو بگیرد یا غسل کند. بنابراین، اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست. و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود، مثلاً آب نداشته و بعد پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود.^۴
۵. اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمم کند، باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.^۵
۶. اگر به جای غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برایش پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم کند.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۷۰۱.

۲. همان، م ۷۲۰.

۳. همان.

۴. همان، م ۷۲۲.

۵. همان، م ۷۲۳.

۶. همان، م ۷۲۴.

شرایط صحیح بودن تیمم

- اعضای تیمم (پیشانی و دست‌ها) پاک باشد.^۱
- پیشانی و پشت دست‌ها را از بالا به پایین مسح کند.
- چیزی که بر آن تیمم می‌کند، پاک و مباح باشد.
- ترتیب.
- موالات.
- هنگام مسح، چیزی بین دست و پیشانی و کف و پشت دست فاصله نباشد.^۲

تیمم جبیره‌ای

اگر یکی از اعضای تیمم زخم باشد یا به جهتی دیگر آب ضرر داشته باشد یا جبیره آن را پوشانده و برداشتنش ممکن نباشد، باید همان‌طور که در وضوی جبیره گفته شد، تیمم جبیره‌ای بگیرد و تفاوتی نمی‌کند که جبیره بر صورت باشد یا دست‌ها.^۳

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: احتیاط آن است که در صورت امکان، پیشانی و پشت دست‌ها پاک باشد، و اگر نتواند محل تیمم را تطهیر کند، بدون آن تیمم کند؛ هر چند بعید نیست که طهارت در هر صورت شرط نباشد. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۱۱)

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۹۵؛ توضیح المسائل، م ۶۹۲ - ۶۹۴ و م ۷۰۴ تا ۷۰۶.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۶۸، م ۲۹.

پرسش

۱. چهار مسئله از مسائل مشترک در مسح سر و پاها را بیان کنید.
۲. آیا در حال راه رفتن می‌توان سر را مسح کرد؟
۳. مقدار واجب و مستحب مسح سر و پاها را بیان کنید.
۴. وضو گرفتن با آب منبع یا آب سردکن مخصوص نوشیدن چه حکمی دارد؟
۵. وظیفه کسی که خودش نمی‌تواند وضو بگیرد چیست؟
۶. قصد قربت در وضو را توضیح دهید.
۷. فرق بین ترتیب و موالات در وضو چیست؟
۸. سه انگشت پای شخصی را جبیره پوشانده است؛ وظیفه‌اش درباره وضو چیست؟
۹. اگر جبیره نجس باشد و برداشتن آن هم ممکن نباشد، تکلیف چیست؟
۱۰. آیا چُرت زدن وضو را باطل می‌کند؟
۱۱. رفتن شخص جنب به حرم امام‌زاده‌ها چه حکمی دارد؟
۱۲. شخص جنب در روز جمعه به نیت جنابت و جمعه یک غسل انجام می‌دهد؛ آیا می‌تواند با آن غسل نماز بخواند یا باید وضو هم بگیرد؟
۱۳. فرق غسل میت با غسل مسّ میت چیست؟
۱۴. در چه صورت شهید را نباید غسل داد؟
۱۵. تیمم بر آجر و کلوخ چه حکمی دارد؟
۱۶. تیمم بر چوب و برگ درختان چه حکمی دارد؟
۱۷. آیا کسی که از غسل کردن خجالت می‌کشد، می‌تواند به جای غسل تیمم کند؟
۱۸. نماز بر میت و دفن وی در مسجد چه حکمی دارد؟
۱۹. آداب هندسی و معماری قبر چیست؟

۲۰. محرمات عزاداری بر میّت کدام است؟

۲۱. مردی از دنیا رفته و نسبت به مخارج کفن و دفن خود وصیّتی ندارد؛ مخارج آنها از کجا تأمین می‌شود؟

۲۲. چه کسانی را نباید حنوط کرد؟

۲۳. آیا می‌توان قبرستان‌های ویران و متروک را به مدرسه یا فضای آموزشی تبدیل کرد؟

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

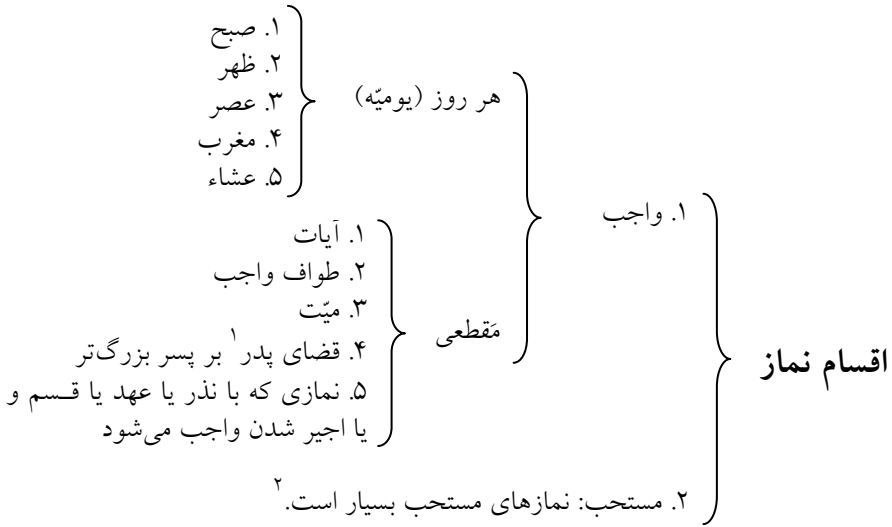
بخش چهارم

نماز

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

مقدمات نماز

پس از فراگرفتن مسائل طهارت، کم کم برای انجام نماز آماده می شویم. برای آشنایی با مسائل و احکام نماز ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته اند: بعضی از آنها تکلیف هر روزه اند و در هر شبانه روز، در زمانهای خاصی باید به جا آورده شوند و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می شوند و برنامه همیشگی و هر روزه نمی باشند. برای آشنایی با اقسام نمازها به این نمودار توجه کنید:



وقت نمازهای روزانه

نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح: دو رکعت

نماز ظهر: چهار رکعت

نماز عصر: چهار رکعت

نماز مغرب: سه رکعت

نماز عشاء: چهار رکعت

اولین سؤال در رابطه با نمازهای روزانه این است که در چه وقتی باید

خوانده شوند؟

وقت نماز صبح: از اذان صبح تا طلوع آفتاب

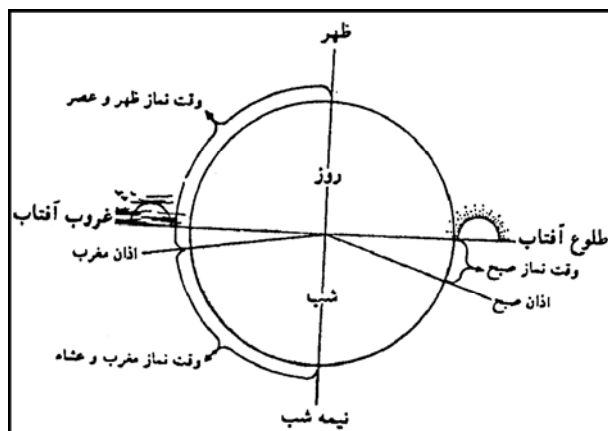
۱. آیه الله العظمی خامنه‌ای: پدر و مادر.

۲. توضیح المسائل، نمازهای واجب.

وقت نماز ظهر و عصر: از ظهر شرعی تا مغرب^۱

وقت نماز مغرب و عشاء: از مغرب تا نصف شب^۲

نمودار فرضی وقت نمازهای یومیّه



وقت اذان صبح

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اول» گویند. هنگامی که آن سفیده پهن شد «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.^۳

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کم‌ترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.^۴

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: آخر وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است. (اجوبه الاستفتائات، س ۳۴۶)

۲. توضیح المسائل، م ۷۳۱ و ۷۳۶.

۳. همان، م ۷۴۱.

۴. همان، م ۷۲۹.

مغرب

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.^۱

نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب با اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب» و آخر وقت نماز عشاء است و اگر عمداً یا به واسطه عذری – مانند فراموشی یا خواب ماندن – نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح، بدون نیت ادا یا قضا بخواند.^۲

احکام وقت نماز

۱. نمازهای غیر روزانه و مقطعی وقت مشخصی ندارند، بلکه وقت انجام آنها بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود.
مثلاً: نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود. (تفصیل هر کدام در جای خود خواهد آمد).
۲. اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است.^۳

۱. همان، م ۷۳۵.

۲. همان، م ۷۴۰. احتیاط واجب آن است که وقت نیمه‌شب، برای نماز عشاء، همان‌گونه که در متن آمده است و برای نماز شب تا اوّل آفتاب حساب شود (توضیح المسائل، م ۷۳۹).

۳. توضیح المسائل، م ۷۴۴.

اگر نماز در وقت خودش خوانده شود، در اصطلاح احکام می‌گویند: نماز «آداء» شده است.

اگر نماز بعد از وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام می‌گویند: نماز «قضاء» شده است.

۳. مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند و هر چه به اول وقت نزدیک‌تر باشد بهتر است، مگر آن‌که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.^۱

۴. اگر وقت نماز تنگ باشد، به طوری که با انجام مستحبات نماز بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید مستحبات را به‌جا نیاورد؛ مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند، وقت می‌گذرد؛ پس نباید قنوت بخواند.^۲

۵. اگر نماز ظهر و عصر را قبل از سفر در اول وقت آن بخواند و سپس با هواپیما مسافرت کند و زمانی به مقصد برسد که هنوز ظهر آن‌جا فرا نرسیده است، لازم نیست این دو نماز را دوباره بخواند. همچنین اگر زمانی برسد که هنوز وقت نماز ظهر و عصر باقی است.^۳

۶. اگر پس از طلوع آفتاب با این‌که نماز صبح آن روز را نخوانده است، سفر را آغاز کند و قبل از طلوع آفتاب به مقصد برسد، باید نماز صبح آن روز را به نیت ادا بخواند.^۴

۱. همان، م ۷۵۱.

۲. همان، م ۷۴۷.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۳۲، م ۳.

۴. همان، م ۴.

۷. اگر هنگام حرکت هواپیما وقت نماز فرا نرسیده است - مثلاً پرواز قبل از اذان صبح باشد - و در هواپیما وقت نماز فرا می‌رسد و تمام می‌شود - مثلاً قبل از طلوع آفتاب به مقصد نمی‌رسد - باید نماز را داخل هواپیما بخواند.^۱

۱. یادآوری می‌شود که اگر هواپیما به قدری از شهر فاصله گرفته است که دیوارهای آن دیده نمی‌شود و در همین فاصله به طور معمول صدای اذان آن‌جا شنیده نمی‌شود باید نماز را شکسته بخواند.

۲

قبله

خانه کعبه، که در شهر مکه و مسجدالحرام قرار دارد، «قبله» است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید رو به قبله باشد.

کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند: رو به قبله نماز می خواند، کافی است.^۱

راه‌های تشخیص قبله

- خود انسان یقین کند؛ یعنی جهت قبله را بداند.
- دو نفر عادل بگویند.
- فرد مورد اطمینانی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد بگوید.
- گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود.

۱. توضیح المسائل، م ۷۷۶.

تابش خورشید و تعیین قبله

چون شهر مکه در نزدیکی خط استوا و حد فاصل با مدار رأس‌السرطان قرار دارد، در دو روز از سال، یعنی ۶ خرداد (27May[5]) و ۲۴ تیر (15July[7]) هنگام ظهر، خورشید کاملاً عمود بر کعبه می‌تابد و در سایر مناطق جهان می‌توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر هنگام ظهر شرعی (به وقت مکه) رو به خورشید بایستیم، به سمت قبله قرار می‌گیریم و دقیق‌تر آن‌که اگر در این دو روز، هنگام ظهر (به وقت مکه) در هر جای کره زمین شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.^۱

این مسئله نسبت به خط استوا یک بار در روز اول مهرماه (اول پاییز) (23September[9]) و یک بار روز اول فروردین ماه (اول بهار) (2March[3]) روی می‌دهد.

احکام کسی که قبله را نمی‌داند

اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که پس از تلاش برای پیدا کردن قبله نتواند جهت قبله را تشخیص دهد، به هر طرف که گمان به جهت قبله دارد نمازش را می‌خواند و اگر به‌طور کلی قبله برایش نامعلوم باشد و به هیچ طرف گمان پیدا نکند،^۲ چنان‌چه وقت دارد باید به چهار طرف نماز بخواند، و اگر این اندازه وقت ندارد، به سه طرف و با کمبود وقت به دو طرف و در کم‌تر از آن به یک طرف

۱. مجله نور علم، ش ۸، ص ۹.

۲. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی‌رود، بنا بر احتیاط باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر برای چهار نماز وقت ندارد، به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند. (راهنمای فتاوا، م ۴۴).

نماز بخواند. پس از آن ممکن است یکی از حالت‌های زیر پیش آید:

- جهت قبله برایش معلوم نشود: نمازی که خوانده، کافی است؛ مثلاً نماز خوانده و از آن جا رفته است و بعداً هم نفهمیده قبله آن مکان به کدام جهت است.
- بعداً معلوم شود رو به قبله نماز خوانده: نمازش صحیح است.
- بعداً معلوم شود پشت به قبله یا به سمت راست یا چپ قبله نماز خوانده است: اگر در وقت نماز متوجه شود، باید نماز را اعاده کند، ولی اگر پس از وقت متوجه شود، نماز خوانده شده صحیح است، ولی احتیاط مستحب است که قضای آن را به جا آورد.
- بعداً معلوم شود نمازش از قبله منحرف بوده، ولی تا به حد راست یا چپ قبله نبوده است: نمازش صحیح است.^۱

توضیح

- چنانچه به چهار طرف نماز بخواند، قطعاً یکی از آنها رو به قبله و یا با انحراف کمی از آن خواهد بود.
- و اگر به سه یا دو طرف نماز خوانده باشد و یکی از آنها رو به قبله و یا با انحراف کم باشد، کافی است.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۱، م ۴؛ استفتائات، ج ۱، ص ۱۳۵، س ۳۲.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۳

لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسئله پوشش است. اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می‌پردازیم:

مقدار و شرایط پوشش

۱. مرد: باید عورت را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.
۲. زن: باید تمام بدن را بپوشاند، به جز:
 - صورت، به مقداری که در وضو باید شسته شود.
 - دست‌ها تا مچ.
 - پاها تا مچ.^۱
۳. بر زنان پوشاندن صورت و دست‌ها و پاها به مقداری که گفته شد، در نماز واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم اشکالی ندارد.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۷۸۸ و ۸۱۹.

۲. همان، م ۷۸۹.

۴. لباس نمازگزار باید این شرایط را دارا باشد:

- پاک باشد (نجس نباشد).

- مباح باشد (غصبی نباشد).

- از اجزای مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام کشته

نشده تهیه نشده باشد؛ حتی کمر بند و کلاه.

- از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.

- اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلا باف یا ابریشم خالص نباشد.

۵. اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد، هر چند

اجزای بی روح آن مانند پشم یا مو، نماز خواندن با آن باطل است.^۱

۶. به جز در لباس نمازگزار، هیچ جزئی از حیوان حرام گوشت هم نباید همراه او

باشد. بنابراین، اگر بند ساعت، کمر بند، دکمه و بند لباس از حیوان حرام گوشت

باشد، نماز باطل است.

۷. نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت تهیه شده

صحیح است؛ چون نه نجس است، نه از اجزای روح دار مردار و نه از حیوان

حرام گوشت.^۲

۸. اگر قسمتی از لباس و حتی جزء کوچکی از آن از مردار باشد، نماز با آن باطل است.^۳

۹. چیزی که از اجزای روح دار مردار تهیه شده، هر چند لباس نباشد، بنابر احتیاط

واجب نباید همراه نمازگزار باشد.^۴

۱. همان، م ۸۲۴.

۲. همان، م ۸۲۳.

۳. همان، م ۸۲۱.

۴. همان، م ۸۲۲.

بخش ۴ / لباس نمازگزار ۱۴۷

۱۰. نماز خواندن با لباسی که معلوم نیست از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، در کشور اسلامی تهیه شده یا در غیر اسلامی، اشکالی ندارد.^۱

۱۱. اگر با لباسی از حیوان حرام گوشت بر اثر فراموشی نماز بخواند و پس از آن متوجه شود، بنابر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.^۲

گفتنی است که علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

در این موارد، نماز خواندن با بدن یا لباس نجس باطل است:

- عمداً با این که می‌داند بدن یا لباسش نجس است، نماز بخواند.^۳

- در یاد گرفتن مسئله کوتاهی کرده و به دلیل ندانستن آن با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است.^۴

- نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.^۵

در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، صحیح است:

- نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.^۶

- به خاطر زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم بسیار دشوار است.^۷

۱. همان، م ۸۲۷.

۲. همان.

۳. همان، م ۷۹۹.

۴. همان، م ۸۰۰.

۵. همان، م ۸۰۳.

۶. همان، م ۸۰۲.

۷. همان، م ۸۴۸.

– لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده، ولی مقدار آلودگی کمتر از یک درهم^۱ است.

– ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر دارد.

مسئله

۱. اگر لباس‌های کوچک نمازگزار – مثل دستکش و جوراب – نجس باشد یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام‌گوشت نباشد، اشکال ندارد.^۲

۲. پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس و استفاده از بوی خوش و انگشتری عقیق در نماز مستحب است.^۳

۳. پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و بازبودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است.^۴

۱. یک درهم، تقریباً به اندازه یک بند انگشت است.

۲. توضیح المسائل، م ۸۴۸.

۳. همان.

۴. همان، م ۸۶۵.

۴

مکان نمازگزار

جایی که انسان در آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

- مباح باشد (غصبی نباشد).

- بی‌حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد).

- تنگ نبوده و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را

صحیح انجام دهد.

- جایی که پیشانی را می‌گذارد پاک باشد.

- مکان اگر نجس است، طوری تر نباشد که به بدن یا لباس نمازگزار

سرایت کند.

- جایی که پیشانی را می‌گذارد از جای زانوها و بنا بر احتیاط واجب^۱ از

جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پایین‌تر یا بلندتر نباشد.^۲

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: لازم است جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سرانگشتان پای او

بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پایین‌تر نباشد. (راهنمای فتاوا، م ۵۹)

۲. توضیح‌المسائل، مکان نمازگزار.

احکام مکان نمازگزار

۱. نمازخواندن در مکان غضبی (مثلاً خانه‌ای که بدون اجازه صاحب آن وارد شده است) باطل است.^۱

۲. نمازخواندن در هواپیما، کشتی، قطار و اتومبیل در حال حرکت، در صورتی که سبب حرکت و تکان خوردن بدن شود، صحیح نیست، ولی اگر انسان ناچار شود که در آن حال نماز بخواند - مثلاً اگر صبر کند تا هنگام توقف نماز بخواند، وقت می‌گذرد و نماز قضا می‌شود - باید نماز بخواند. البته سایر شرایط نماز را در حد امکان مراعات کند؛ یعنی این‌گونه عمل کند:

- برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند تیمم کند و چنانچه تیمم هم ممکن نباشد، احتیاط مستحب^۲ است که نماز را بخواند و بعداً باید قضای آن را به‌جا آورد.

- اگر می‌تواند ایستاده و گرنه نشسته نماز بخواند.

- جهت قبله را مراعات کند؛ پس اگر آن وسیله به طرف دیگر بگردد، نمازگزار نیز باید به طرف قبله بگردد.

- سجده بر کاغذ نیز صحیح است؛ چنانچه مهر، خاک یا سنگ برای سجده ندارد، بر آن سجده می‌کند.

- اگر برخی از شرایط نماز را نتواند مراعات کند باید به هر شکل که می‌تواند نماز را بخواند.^۳

۱. همان، م ۸۶۶؛ آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: اگر در جایی که نمی‌داند یا فراموش کرده که غضبی است نماز بخواند، نماز او صحیح است. (راهنمای فتاوا، م ۵۷)

۲. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: احتیاط واجب.

۳. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۰۸، م ۷، و ص ۱۵۱، م ۱۵ و توضیح المسائل، م ۸۸۰.

۳. در جایی که نمی‌داند غصبی است یا نه، نماز خواندن اشکال ندارد.^۱
۴. اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.^۲
۵. اگر انسان ناچار شود که در مکان غصبی نماز بخواند، اشکال ندارد.^۳
۶. انسان باید ادب را رعایت کند و جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و امام علی علیه السلام نماز نخواند.^۴
۷. مستحب است انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام به این مسئله بسیار سفارش شده است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۸۷۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷، م ۱.

۲. توضیح المسائل، م ۸۷۰.

۳. همان.

۴. همان، م ۸۸۴.

۵. همان، م ۸۹۳.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

احکام مسجد

مسجد، پایگاه پیوند انسان با خدا و مرکز ارتباط انسان‌های مؤمن است. مساجد از نظر دینی دارای احترام و احکام خاصی هستند که بازشناسی آنها به ما در استفاده بهتر از این اماکن مقدس کمک می‌کند.

مسجدسازی

۱. اگر زمینی را به قصد قربت به نیت مسجد بودن بسازند و حداقل یک نفر با اجازه بانی در آن نماز بخواند، مسجد می‌شود و باید احکام مسجد در مورد آن مراعات شود.^۱

۲. هر چند مطابق مسئله قبل، عنوان «مسجد» تحقق پیدا می‌کند، ولی مشهور بین فقها آن است که باید صیغه وقف خوانده شود؛ یعنی بگوید: «وَقَفْتُهَا مَسْجِداً قَرِيبَةً إِلَى اللَّهِ»؛ این زمین یا ساختمان را برای رضای خداوند وقف کردم برای آن‌که مسجد باشد.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۶، م ۱۹.

۲. همان.

۳. در احکام مسجد، میان مساجد گروه‌های مختلف مسلمان، اعم از شیعه و غیر آن، فرقی نیست.^۱

۴. زمین بدون دیوار و ساختمان را نیز می‌توان مسجد قرار داد. بنابراین اگر زمینی را برای مسجد وقف کنند و به همین قصد در آن نماز خوانده شود، مسجد است و احکام آن باید مراعات شود، هر چند دیوارکشی نشده و ساختمان نساخته باشند.^۲

۵. اگر مسجدی ویران شود، زمین آن از مسجد بودن خارج نمی‌شود و احکام مسجد در برخی موارد در آن جاری است و نیز اگر تمام روستا یا شهری خراب شود، مکانی که مسجد بوده، همچنان احکام مسجد را دارد.^۳

۶. اگر از ابتدا بخشی از زمین را به عنوان مسجد و بخشی دیگر را به عنوان حسینیه یا کتاب‌خانه یا فروشگاه و مانند آن بسازند و وقف کنند، اشکال ندارد، ولی پس از آن که مکانی عنوان مسجد پیدا کرد، تغییر تام یا بخشی از آن به حسینیه و مانند آن جایز نیست.^۴

معماری مسجد

۱. مصالح ساختمانی مسجد، اعم از آجر، سنگ، سیمان، گچ و... که در ساختن دیوار و کف و سقف مسجد به کار می‌رود، باید پاک باشد و بنابر احتیاط واجب آنچه در قسمت بیرونی دیوار مسجد به کار می‌رود، مانند سنگ‌ها و آجرهای تزئینی باید پاک باشد.

۱. العروة الوثقی، ص ۴۸، م ۱۵.

۲. همان، ص ۳۱۹، ص ۱۲.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۳، م ۶۳.

۴. استفتائات، ج ۲، ص ۳۳۶، س ۵ و ص ۳۶۵ و ۳۶۶، س ۷۷ و ۷۸ و ص ۳۹۱، س ۹۳.

۲. بردن مصالح ساختمانی مسجد، حتی خاک و ریگ آن جایز نیست، مگر خاک‌های اضافی.^۱

۳. فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود، وظیفه به شرح زیر است:

- در و پنجره و سایر لوازم مسجد را در تعمیر و بازسازی همان مسجد به‌کار برند.

- اگر آن‌جا قابل استفاده نیست، باید در مسجد دیگر مصرف شود.

- اگر در سایر مساجد نیز قابل استفاده نیست، می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است در تعمیر همان مسجد و گرنه در مسجد دیگر صرف کنند.^۲

۴. مستحب است طهارت‌خانه مسجد را بیرون مسجد کنار در آن بسازند.^۳

۵. در معماری مسجد بنا بر احتیاط واجب از این کارها باید پرهیز شود:

- زینت کردن مسجد به طلا.^۴

- نقاشی انسان و حیوان.^۵

۶. در معماری مسجد موارد زیر مکروه است:

- بالا بردن گلدسته‌ها (مناره‌ها) بیش از پشت بام مسجد.

- ساختن کنگره و بالکن برای دیوار مسجد.

- ساختن محراب داخلی (مقصوره) برای مسجد.

- نقاشی چیزهایی که روح ندارد؛ مثل گل و بوته.

۱. العروة الوثقی، ص ۳۲۰، م ۱، الرابع.

۲. توضیح المسائل، م ۹۱۰.

۳. همان، م ۱۴۱۴.

۴. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: زینت کردن مسجد به طلا اگر اسراف محسوب شود حرام است و در غیر این صورت هم مکروه است. (راهنمای فتاوا، م ۶۵)

۵. توضیح المسائل، م ۹۰۸.

مخارج مسجد

۱. اگر چیزی را برای مسجد وقف کنند، چنانچه مصرفی برای آن مشخص شده، باید منافع آن را به همان مصرف برسانند و گرنه منافع آن در تعمیر، نور، فرش و اجرت خادم مسجد مصرف می‌شود و اگر چیزی اضافه آمد، به امام جماعت مسجد داده می‌شود.
۲. یکی از مصارف زکات «سبیل الله» است؛ یعنی کاری که منفعت عمومی دینی دارد یا نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و یا برای اسلام مفید است که از جمله آن، ساخت و تعمیر و سایر مخارج مسجد است.^۱
۳. خمس اموال را بدون اجازه مجتهد جامع‌الشرایط نمی‌توان در مسجد خرج کرد.^۲

لوازم مسجد

۱. اگر لوازم مسجد، از قبیل فرش، ظرف، بلندگو و حتی مهر برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن آن از مسجد و استفاده در غیر آن جا، حتی در مسجد دیگر جایز نیست.^۳
۲. لوازمی که مورد نیاز مسجد نیست - مانند بخاری، چراغ و سماور - چنانچه در مسجد دیگر مورد نیاز باشد، با نظر متصلی شرعی به مسجد دیگر بدهند و اگر مسجد دیگری به آنها نیاز نداشته باشد، می‌توانند آن را به لوازم مورد نیاز مسجد تبدیل کنند.
۳. خرید و فروش چیزهای وقف شده مسجد حرام است، ولی اگر طوری خراب شود که نتوانند در مورد وقف‌شده برای آن استفاده کنند، فروش آن اشکال ندارد

۱. همان، م ۱۹۲۵، هفتم.

۲. همان، م ۱۸۳۴.

۳. استفتائات، ج ۲، ص ۳۴۴، س ۲۵، ۳۴۵ و ۲۷.

و اگر ممکن باشد، باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود واقف نزدیک تر است.

استفاده از وضوخانه مسجد

کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند حوض یا وضوخانه آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که آنجا نماز می خوانند، نمی تواند آنجا وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً کسانی هم که آنجا نماز نمی خوانند، وضو می گیرند، می تواند وضو بگیرد.

نماز خواندن در مسجد

۱. نماز خواندن در مسجد مستحب است، بلکه حاضر نشدن در آن - به ویژه برای همسایگانش - در صورتی که عذری مثل بیماری و بارش برف و باران نباشد، مکروه است.^۱

۲. ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن از نظر ثواب، از این قرار است:

الف) مسجد الحرام	هر نماز، معادل یک میلیون نماز
ب) مسجد النبی ﷺ	هر نماز، معادل ده هزار نماز
ج) مسجد جامع کوفه	هر نماز، برابر هزار نماز
د) مسجد الاقصی	هر نماز، معادل صد نماز
ه) مسجد جامع هر شهر	هر نماز، معادل صد نماز
و) مسجد قبیله	هر نماز، معادل بیست و پنج نماز
ز) مسجد بازار	هر نماز، معادل دوازده نماز ^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵، م ۱۶.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵، م ۱۶؛ العروة الوثقی، ص ۳۱۸، م ۴؛ توضیح المسائل، م ۸۹۳.

۳. برای زن‌ها نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.

۴. مستحب است انسان نمازش را در مکان‌های مختلف و مساجد متعدّد بخواند که در قیامت همه آن اماکن و مساجد به نفع او شهادت دهند.^۱

۵. تعطیل کردن مسجد مکروه است و مستحب است انسان نماز را در مسجدی بخواند که نمازگزار ندارد تا تعطیل نشود. از امام صادق ع روایت شده است:

سه چیز در قیامت از مردم شکایت می‌کنند: اول، مسجد متروکی که مردم آن‌جا در آن نماز نمی‌خوانند؛ دوم، عالمی که بین عده‌ای جاهل قرار دارد و از او استفاده نمی‌کنند؛ سوم، قرآنی که متروک مانده و غبار گرفته است و آن را تلاوت نمی‌کنند.^۲

۶. زیاد رفتن به مسجد مستحب است. از پیامبر اکرم ص روایت شده است: هر کس به مسجد رود، از وقتی که روانه مسجد می‌شود تا به خانه برمی‌گردد، برای هر قدم که برمی‌دارد، ده حسنه نوشته می‌شود.

نماز تحیّت مسجد

وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیّت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب هم بخواند، کافی است.

جا گرفتن برای نماز

۱. یکی از اماکن مشترک و عمومی مسلمانان مسجد است که همه آنان در استفاده از آن مساوی هستند؛ البته استفاده‌هایی که برخلاف شرع و شأن مسجد

۱. العروة الوثقی، ص ۳۱۸، ص ۶.

۲. همان، ص ۳۱۸، م ۸.

نباشد. پس اگر شخصی قبل از دیگری جایی از مسجد را برای نماز، قرائت قرآن، خواندن دعا و یا عبادتی دیگر، بلکه تدریس، موعظه کردن و فتوا دادن در اختیار گرفت، دیگری نمی‌تواند آن‌جا را از او بگیرد؛ خواه فرد اول و دوم در استفاده، یک هدف و مقصود داشته باشند یا قصد آنها متفاوت باشد. آری، بعید نیست که نماز (جماعت یا فرادا) بر سایر کارها مقدم باشد. پس اگر شخصی جایی از مسجد را برای تلاوت قرآن یا درس گفتن و یا دعا خواندن گرفته باشد و شخصی دیگر بخواهد در آن‌جا نماز بخواند و جای دیگری در مسجد برای نماز نباشد یا بخواهد به جماعت ملحق شود و جای دیگری برای فرادا خواندن نماز هست، ولی برای شرکت در جماعت نیست - مثلاً در کنار صفوف به هم فشرده نماز جماعت، شخصی مشغول قرائت قرآن است و شبستان دیگری در مسجد برای نماز فرادا خواندن هست، ولی جایی برای شرکت در نماز جماعت باقی نمانده و فردی وارد می‌شود و می‌خواهد در نماز جماعت شرکت کند - بر شخصی که قرآن می‌خواند، واجب است که جای خود را به نمازگزار بدهد.^۱

۲. اگر کسی در مسجد جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آن‌جا استفاده کند، حق او را غصب کرده است.^۲

۳. کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و آن‌جا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۰۳، م ۱۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۵۴۵.

۳. همان، م ۸۶۸.

۴. گذاشتن چیزی برای نشستن در مسجد، مانند نشستن است؛ یعنی صاحب آن، حق اولویتی نسبت به آن مکان پیدا می‌کند و دیگران نمی‌توانند جای او را بگیرند. این در صورتی است که آن چیز مثل سجاده و عبا باشد و تمام محل نماز خواندن یا قسمت عمده آن را بگیرد، اما گذاشتن چیزی مانند مهر یا تسبیح یا مسواک و شانه و مانند این‌ها حقی را برای او ثابت نمی‌کند و دیگران می‌توانند آن را بردارند و در آن مکان نماز بخوانند.^۱

۵. بین گذاشتن سجاده و مانند آن و آمدن شخص نباید طوری زیاد فاصله شود که آن مکان معطل بماند. پس اگر چیزی بگذارد و برود و برنگردد، در صورتی که بدون برداشتن نتوان در آن محل نماز خواند، دیگران می‌توانند آن را بردارند، ولی کسی که آن را بر می‌دارد، ضامن نگهداری آن است تا صاحبش برگردد.^۲

حفظ حرمت مسجد

۱. نجس کردن زمین، سقف، بام و قسمت داخلی دیوار مسجد حرام است.^۳
۲. احتیاط واجب آن است که طرف بیرونی دیوار مسجد را هم نجس نکنند، مگر آن‌که واقف، آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.^۴
۳. نجس کردن فرش مسجد نیز بنا بر احتیاط واجب حرام است.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۰۴، م ۱۷.

۲. همان، ص ۲۱۵.

۳. توضیح المسائل، م ۹۰۰.

۴. همان.

۵. العروة الوثقی، ص ۴۶، م ۲؛ توضیح المسائل، م ۹۰۵.

۴. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنا بر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.^۱

۵. دفن میّت در مسجد جایز نیست.^۲

تطهیر مسجد

۱. بر طرف کردن نجاست از مسجد واجب است و فرقی بین داخل، سقف، پشت‌بام و حتی طرف داخلی دیوار مسجد نیست؛ یعنی هر جای مسجد نجس شود، باید تطهیر گردد یا به گونه‌ای دیگر نجاست برطرف شود.^۳

۲. هنگامی که انسان از نجاست مسجد مطلع شد، فوراً باید آن را تطهیر کند؛ پس نباید به قدری معطل کند که عرفاً بگویند تأخیر کرده است.^۴

۳. بر طرف کردن نجاست از مسجد، واجب کفایی است و به کسی اختصاص ندارد که مسجد را نجس کرده یا سبب نجس شدن آن شده است، بلکه بر همه افرادی که می‌توانند تطهیر کنند، واجب است.^۵

۴. اگر انسان نتواند مسجد را تطهیر کند یا به کمک نیاز داشته باشد و کسی را پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست، ولی اگر بی‌احترامی به مسجد باشد، بنا بر احتیاط واجب باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۹۰۳.

۲. همان، م ۹۱۴، ۶۲۲ و ۹۱۵.

۳. همان، م ۹۰۰.

۴. العروة الوثقی، ص ۴۶، م ۲.

۵. همان، م ۳.

۶. توضیح المسائل، م ۹۰۱.

۵. اگر انسان در وقت نماز و قبل از شروع آن متوجه نجس بودن جایی از مسجد شود، مثلاً ببیند چند قطره خون بر فرش مسجد ریخته است:

- وقت نماز وسعت دارد: تطهیر مسجد بر خواندن نماز مقدم است.

- وقت نماز تنگ است؛ یعنی اگر بخواهد مسجد را تطهیر کند و بعد از آن

نماز بخواند، تمام نماز یا قسمتی از آن پس از وقت خوانده می‌شود: نماز

خواندن بر تطهیر مسجد مقدم است.^۱

۶. کسی که باید اول مسجد را تطهیر کند، اگر اول نمازش را خواند، نمازش

باطل نیست، هر چند به جهت ترک تطهیر مسجد گناه کرده است.^۲

رفتن جنب و حائض به مسجد

۱. مرد جنب و زن حائض یا نفساء نباید به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ وارد

شوند، هر چند بخواهند از یک در وارد شوند و از در دیگر بیرون روند؛ یعنی

حتی عبور از این دو مسجد برای چنین افرادی جایز نیست.^۳

۲. توقّف جنب و حائض و نفساء در هر مسجدی حرام است.^۴

۳. برای چنین افرادی، گذاشتن چیزی در مسجد - هر چند از بیرون مسجد -

حرام است.^۵

۱. العروة الوثقی، ص ۴۶، م ۴.

۲. همان.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۰، الثانی.

۴. همان، الثالث.

۵. همان، الرابع.

معاشرت با غیر اهل مسجد

مستحب است انسان با کسی که در مسجد حضور نمی‌یابد:

- غذا نخورد،
- در کارها با او مشورت نکند،
- همسایه او نشود،
- از او زن نگیرد،
- و به او زن ندهد.^۱

مستحبات مسجد

به جز مستحباتی که در خلال مسائل گذشته برای مسجد گفته شد، این کارها

نیز مستحب است:

- زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن.
- چراغ مسجد را روشن کردن.^۲
- تمیز کردن مسجد.
- هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن.
- هنگام بیرون آمدن، ابتدا پای چپ را بیرون گذاشتن.
- وضو گرفتن، برای رفتن به مسجد.
- خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباس برای رفتن به مسجد.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۸۹۷.

۲. شاید مراد از روشن کردن مسجد، تأمین نور مسجد باشد یا اولین کسی باشد که به مسجد می‌رود و چراغ مسجد را روشن می‌کند.

۳. العروة الوثقی، ص ۳۲۰، السابع؛ توضیح المسائل، م ۹۱۲.

مکروهات مسجد

این کارها در مسجد مکروه است:

- عبور از مسجد، به عنوان محل عبور و بدون نماز خواندن.
- خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
- فریاد زدن در مسجد و بلند کردن صدا، مگر برای اذان.
- سخن گفتن از کارهای دنیا.
- خرید و فروش.
- رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش آزار دهنده است.
- خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد.
- نماز خواندن بر میّت، به جز در مسجد الحرام^۱.

مسئله

۱. نماز خواندن در کلیساها و کنیسه‌ها اشکال ندارد، هر چند بدون اجازه اهل آنها باشد.^۲
۲. هر چند کلیساها و کنیسه‌ها تمام احکام مسجد را ندارند، ولی نجس کردن آنها بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۳

۱. العروة الوثقی، ص ۳۲۱، الثانی عشر؛ توضیح المسائل، م ۶۲۲، ۹۱۴ و ۹۱۵. این نکته را نیز باید افزود که رفتن به مسجد با پاییی که بوی عرق می‌دهد و موجب آزار دیگران می‌شود، قاعدتاً باید یکی از مصادیق این حکم به شمار آید.

۲. العروة الوثقی، ص ۳۱۷، م ۱.

۳. همان، ص ۴۸، م ۱۵.

پرسش

۱. نمازهایی که همیشه در شب باید خوانده شوند کدامند؟
۲. اگر پس از نماز متوجه شود لباسش نجس است، نمازش چه حکمی دارد؟
۳. در چه صورتی نمازگزار با این که می داند لباسش نجس است می تواند نماز بخواند؟
۴. اگر بین نماز متوجه شود لباسش نجس است، تکلیف چیست؟
۵. برای حال ناچاری که می توان با بدن یا لباس نجس نماز خواند، سه مثال بیاورید.
۶. نماز خواندن بر فرش نجس چه حکمی دارد؟
۷. نماز خواندن در قطار و هواپیما چه حکمی دارد؟
۸. نسبت به محتضر و میت چه کارهایی واجب است؟
۹. نماز میت با سایر نمازها چه تفاوت هایی دارد؟
۱۰. چه کسی را باید یک بار با آب سدر و دوبار با آب خالص غسل داد؟
۱۱. در چه مواردی مرد می تواند زنی را غسل دهد؟
۱۲. لباس احرام با کفن میت چه تشابه و تفاوتی دارد؟
۱۳. نماز بر میت و دفن وی در مسجد چه حکمی دارد؟
۱۴. آداب هندسی و معماری قبر چیست؟
۱۵. محرّمات عزاداری بر میت کدام است؟
۱۶. مردی از دنیا رفته و نسبت به مخارج کفن و دفن خود وصیتی ندارد؛ این مخارج از کجا تأمین می شود؟
۱۷. چه کسانی را نباید حنوط کرد؟
۱۸. آیا می توان بخشی از مسجد را به حسینیه تبدیل کرد؟
۱۹. هنگام بازسازی مسجد آیا می توان لوازم کهنه و قدیمی آن را فروخت؟

۲۰. مصرف خمس و زکات برای مسجد چه حکمی دارد؟
۲۱. کسی که در مسجد برای نماز جا گرفته است، تا چه زمانی حق او محفوظ است؟
۲۲. ترتیب فضیلت نماز در مساجد هر شهر یا روستا کدام است؟
۲۳. در چه صورتی خواندن نماز تحیّت مسجد مستحب است؟
۲۴. در چه صورتی تطهیر مسجد بر خواندن نماز یومیّه مقدم است؟
۲۵. خواندن کدام نماز واجب در مسجد مکروه است؟

بخش پنجم

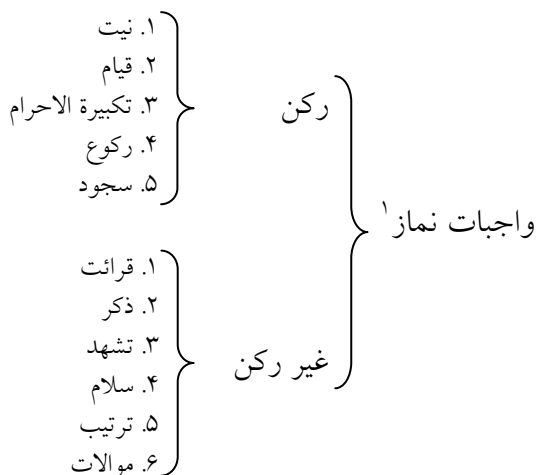
واجبات، مُبطلات و شکایات نماز

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۱

واجبات نماز

۱. نماز با گفتن «اللهُ اکبر» شروع می شود و با سلام به پایان می رسد.
۲. آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است یا مستحب.
۳. واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیررکن است.



۱. توضیح المسائل، واجبات نماز.

تفاوت رُکن و غیر رُکن

ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها به‌جا آورده نشود یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی، نماز باطل است. واجبات دیگر نماز، گرچه به‌جا آوردن آنها لازم است، ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شوند، نماز باطل نیست.^۱

احکام واجبات نماز

۱. نیت

۱. نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم به‌جا آورد.^۲
۲. به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید، اشکال ندارد؛ مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر به‌جا می‌آورم قرْبَةً اِلَى اللّٰهِ.^۳
۳. نماز باید از هرگونه ریا و خودنمایی به‌دور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند به‌جا آورد و چنانچه همه یا قسمتی از آن برای غیر خدا باشد، باطل است.^۴

۲. تکبیرة الاحرام

همان گونه که گذشت نماز با گفتن «اللّٰهُ اَكْبَرُ» آغاز می‌شود که به آن «تَكْبِيْرَةُ الْاِحْرَامِ» می‌گویند؛ چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که

۱. همان، م ۹۴۲.

۲. همان.

۳. همان، م ۹۴۳.

۴. همان، م ۹۴۶ و ۹۴۷.

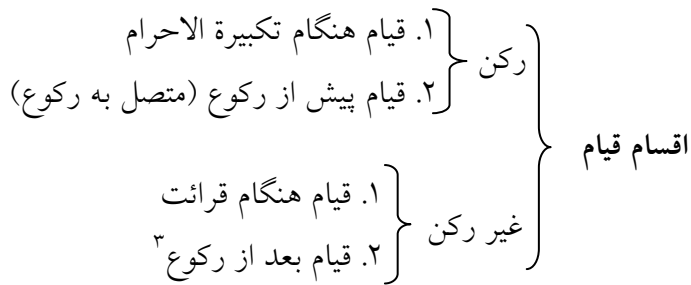
قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

واجبات تکبیرة الاحرام:

۱. به عربی صحیح گفته شود.
 ۲. هنگام گفتن «الله اکبر» بدن آرام باشد.
 ۳. تکبیرة الاحرام را طوری بگویند که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگویند.
 ۴. بنابر احتیاط واجب، آن را به چیزی که پیش از آن می خواند، وصل نکند.^۱
- مستحب است موقع گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.^۲

۳. قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن نماز را باطل می کند، ولی افرادی که نمی توانند ایستاده نماز بخوانند، باید نشسته نماز بخوانند.



۱. همان، م ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۱ و ۹۵۲.

۲. همان، م ۹۵۵.

۳. همان، م ۹۵۸.

احکام قیام:

۱. واجب است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن اندکی بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.^۱
۲. قیام پیش از رکوع به این معنا است که در حالت ایستاده به رکوع برود. بنابراین، اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را به جا آورد.^۲
۳. اموری که در حال قیام باید از آن پرهیز شود:
 - بدن را حرکت دادن.
 - به طرفی خم شدن.
 - به جایی یا چیزی تکیه زدن.
 - پاها را زیاد باز گذاشتن.
 - پاها را از زمین بلند کردن.^۳
۴. نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.^۴
۵. کسی که به هیچ وجه نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده نماز بخواند.^۵

۱. همان، م ۹۵۹.

۲. همان، م ۹۶۰.

۳. همان، م ۹۶۱ و ۹۶۳ و ۹۶۴.

۴. همان، م ۹۶۳.

۵. همان، م ۹۷۰ و ۹۷۱.

بخش ۵ / واجبات نماز ۱۷۳

۶. کسی که خوابیده نماز می‌خواند باید^۱ به پهلو راست رو به قبله بخواند و اگر نمی‌تواند، باید به پهلو چپ رو به قبله بخواند و اگر آن هم ممکن نیست، به پشت بخوابد؛ به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.^۲

۷. بر نمازگزار واجب است بعد از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.^۳

۴. قرائت

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول سوره حمد و بعد از آن^۴ یک سوره دیگر از قرآن را کامل بخواند.^۵ و در رکعت سوم و چهارم نماز باید سوره حمد یا سه بار تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند، کافی است.^۶

تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

احکام قرائت

۱. نمازگزار در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را باید آهسته بخواند، ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:^۷

۱. آیه الله العظمی خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب. (راهنمای فتاوا، م ۶۷).

۲. توضیح المسائل، م ۹۷۱.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۲، م ۱ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۵، الرابع.

۴. آیه الله العظمی خامنه‌ای: پس از حمد، بنابر احتیاط واجب، یک سوره کامل قرائت کند. (راهنمای فتاوا، م ۶۸).

۵. توضیح المسائل، م ۹۷۸.

۶. همان، م ۱۰۰۵.

۷. همان، م ۹۹۲ تا ۹۹۴ و ۱۰۰۷.

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن	باید آهسته بخوانند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود، می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند ^۱

۲. اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحیح است.^۲

۳. اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است (مثلاً می‌بایست بلند می‌خواند، ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقدار خوانده شده را دوباره بخواند.^۳

۴. انسان باید نماز را یاد بگیرد تا غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هرطور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت به‌جا آورد.^۴

۵. اگر در نماز یکی از چهار سوره دارای آیه سجده را عمداً بخواند،^۵ نمازش باطل است.^۶

۱. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: بهتر است آهسته بخواند. (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۰۳، س ۴۷۱).

۲. توضیح المسائل، م ۹۹۵.

۳. همان.

۴. همان، م ۹۹۷.

۵. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: در نماز واجب، خواندن سوره‌های سجده‌دار جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً یکی از این سوره‌ها را بخواند، تا به آیه سجده می‌رسد، باید بنابر احتیاط واجب سجده تلاوت را به‌جا آورد و برخیزد و اگر سوره تمام نشده آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اعاده کند. و اگر قبل از رسیدن به آیه سجده متوجه شد، احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و سپس نماز را اعاده نماید. (راهنمای فتاوا، م ۷۰)

۶. توضیح المسائل، م ۹۸۳.

۶. اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یا ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ شود، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند، ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقون یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده می‌تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقون را بخواند.^۱

۷. اگر در نماز، غیر سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده می‌تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند.^۲

۸. اگر مقداری از سوره را فراموش کند، می‌تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند، اگر چه از نصف گذشته باشد؛ حتی اگر سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یا ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ باشد.^۳

۹. اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند (مثلاً کلمه «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبْدَهُ» بداند) و در نماز همان‌طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست دوباره نماز را بخواند.^۴

۱۰. در این موارد نمازگزار نباید در رکعت اول و دوم، سوره بخواند و تنها به خواندن حمد اکتفا می‌کند:
الف) وقت نماز تنگ باشد.

ب) ناچار باشد که سوره نخواند؛ مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند.^۵

۱. همان، م ۹۸۸.

۲. همان، م ۹۹۰.

۳. همان، م ۹۹۱.

۴. همان، م ۱۰۰۱.

۵. همان، م ۹۷۹.

۱۱. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک بار بگوید.^۱

مستحبات قرائت

۱. در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
۲. در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.
۳. حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی آن را به آیه بعد وصل نکند.
۴. در حال خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه داشته باشد.
۵. در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند.^۲

۵. ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است؛ یعنی گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا «اللَّهُ اکبر» و مانند آن.

۶. رکوع

۱. نمازگزار در هر رکعت، بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد^۳ و این عمل را «رکوع» می‌گویند.^۴

۱. همان، م ۱۰۰۶.

۲. همان، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸.

۳. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: احتیاط آن است که در حال رکوع دست‌ها را بر زانو بگذارد.

(راهنمای فتاوا، م ۷۸)

۴. توضیح المسائل، م ۱۰۲۲.

- واجبات رکوع
۱. خم شدن به مقداری که بتواند دست را به زانو بگذارد.
 ۲. ذکر (گفتن حداقل سه بار سُبْحَانَ اللَّهِ).
 ۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر.
 ۴. ایستادن بعد از رکوع.
 ۵. آرامش بدن بعد از رکوع.^۱

ذکر رکوع

در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است،^۲ ولی احتیاط واجب آن است که به قدر کم‌تر از سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» نباشد.^۳

آرامش بدن در رکوع

۱. در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.^۴
۲. اگر پیش از آن که اندازه رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگویند، نمازش باطل است.^۵
۳. اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.^۶

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۴.

۲. آیه الله العظمی خامنه‌ای: ذکر واجب در رکوع عبارت است از یکبار گفتن: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن: «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگویند نیز کافی است. (راهنمای

فتاوا، م ۷۹)

۳. توضیح المسائل، م ۱۰۲۸.

۴. همان، م ۱۰۳۰.

۵. همان، م ۱۰۳۲.

۶. همان، م ۱۰۳۳.

ایستادن و آرامش بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید بایستد و بعد از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن یا قبل از آرام گرفتن بدن به سجده برود، نمازش باطل است.^۱

وظیفه کسی که نمی‌تواند به طور معمول رکوع کند:

۱. کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود باید به هر اندازه که می‌تواند، خم شود.
۲. کسی که اصلاً نتواند خم شود باید نشسته رکوع کند.
۳. کسی که نمی‌تواند نشسته رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند.^۲

فراموش کردن رکوع

۱. اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آن که به سجده برسد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه با حالت خمیدگی به رکوع برگردد، نمازش باطل است.^۳
۲. اگر بعد از آن که پیشانی به محل سجده برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده،^۴ بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۴۰.

۲. همان، م ۱۰۳۷.

۳. همان، م ۱۰۴۱.

۴. آیه الله العظمی خامنه‌ای: اگر در حال سجده اول یا بعد از آن و پیش از آن که وارد سجده دوم شود، یادش بیاید که رکوع نکرده است، باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو برای سجده زیادی بگذارد. (راهنمای فتاوا، م ۸۳)

۵. توضیح المسائل، م ۱۰۴۲.

مستحبات رکوع

۱. ذکر رکوع را سه یا پنج و یا هفت بار، بلکه بیشتر بگوید.
۲. پیش از رفتن به رکوع، در حال ایستاده تکبیر بگوید.
۳. در حال رکوع، بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
۴. پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
۵. بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت، بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».^۱

۷. سجود

۱. نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده به جا آورد.^۲
۲. سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد.

واجبات سجده

۱. گذاشتن هفت عضو مذکور بر زمین.
۲. ذکر.
۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده، حتی ذکر مستحب.
۴. برداشتن سر و نشستن و آرامش بدن بین دو سجده.
۵. بر زمین بودن هفت عضو هنگام ذکر حتی ذکر مستحب.
۶. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.

۱. همان، م ۱۰۴۳.

۲. همان، م ۱۰۴۵.

۷. پاک بودن جایی که پیشانی را می‌گذارد.

۸. مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).

۹. موالات بین دو سجده.^۱

ذکر

در سجده هر ذکرى بگويد، كافي است،^۲ ولى احتياط واجب آن است كه مقدار ذكر از سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» يا يك بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» كم تر نباشد.^۳

آرامش

۱. در سجده بايد به مقدار ذكر واجب، بدن آرام باشد.^۴

۲. اگر پيش از آن كه پيشانی به زمين برسد و آرام گيرد عمداً ذكر را بگويد، نماز باطل است^۵ و چنانچه از روى فراموشى باشد، بايد دوباره در حال آرام بودن آن را بگويد.^۶

۱. العروة الوثقى، ج ۱، ص ۶۷۳.

۲. آية الله العظمى خامنه‌ای: ذكر واجب در سجده عبارت است از يك بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» يا سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جاي آن ذكرهاى ديگرى از قبيل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غير آن را به همان مقدار بگويد نيز كافي است. (راهنمای فتاوا، م ۸۴)

۳. توضیح المسائل، م ۱۰۴۹.

۴. همان، م ۱۰۵۰.

۵. آية الله العظمى خامنه‌ای: كسى كه مى داند آرام بودن بدن در حال ذكر سجود واجب است، اگر پيش از آن كه پيشانی به زمين برسد و بدن آرام بگيرد عمداً ذكر را بگويد يا پيش از تمام شدن ذكر عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است. (راهنمای فتاوا، م ۸۵)

۶. توضیح المسائل، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲.

برداشتن سر از سجده

۱. بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.^۱
۲. اگر پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.^۲

بر زمین بودن هفت عضو

۱. اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گویید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.^۳
۲. اگر همراه با انگشت شست پا انگشتان دیگر هم بر زمین باشد، اشکالی ندارد.^۴

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است

۱. نمازگزار در سجده باید پیشانی را بر زمین یا آنچه از آن می‌روید (ولی خوراکی انسان نیست و در پوشاک او استفاده نمی‌شود) بگذارد.^۵
۲. نمونه‌هایی از چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:
- خاک، سنگ، گل پخته (مانند آجر)، گچ، چوب و چمن.
۳. جایی که انسان باید تقیّه کند، می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگری برود.^۶

۱. همان، م ۱۰۵۶.

۲. همان، م ۱۰۵۲.

۳. همان، م ۱۰۵۴.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۷۳، م ۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷۶، م ۷.

۵. توضیح المسائل، م ۱۰۷۶.

۶. همان، م ۱۰۷۲.

مساوی بودن مواضع سجده

۱. جای پیشانی نمازگزار باید از محل زانوهایش بلندتر یا پایین‌تر از چهار انگشت بسته نباشد.^۱
۲. احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش پایین‌تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.^۲

احکام سجده

۱. سجده بر چیزهای معدنی، مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه صحیح نیست.^۳
۲. سجده کردن برای غیر خداوند حرام است.^۴
۳. سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه، صحیح است.^۵
۴. سجده بر کاغذ،^۶ اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.^۷
۵. برای سجده، بهتر از هر چیزی تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و بعد از آن بدین ترتیب:

- خاک - سنگ - گیاه^۸

۱. همان، م ۱۰۵۷.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل، م ۱۰۷۶.

۴. همان، م ۱۰۹۰.

۵. همان، م ۱۰۷۸.

۶. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان - غیر از کتان و پنبه - ساخته می‌شود، درست است. (راهنمای فتاوا، م ۹۱)

۷. توضیح المسائل، م ۱۰۸۲.

۸. همان، م ۱۰۸۳.

۶. اگر در سجده اول، مَهر به پیشانی بچسبد و بدون برداشتن آن دوباره به سجده رود، نماز باطل است.^۱

کسی که نمی‌تواند به‌طور معمول سجده کند

۱. کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را بر جای بلندی، مثل بالش بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به‌طور معمول بر زمین بگذارد.^۲

۲. اگر نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند،^۳ ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.

مستحبات سجده

۱. طول دادن سجده.

۲. گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بعد از سجده اول، در حالی که بدن آرام گرفت.

۳. صلوات فرستادن در سجده.^۴

۴. در این موارد، مستحب است تکبیر بگوید:

- بعد از رکوع و قبل از سجده اول.

- بعد از سجده اول، در حالی که نشست و بدنش آرام گرفت.

- قبل از سجده دوم، در حالی که نشسته و بدنش آرام است.

- بعد از سجده دوم.

۱. همان، م ۱۰۸۶.

۲. همان، م ۱۰۶۸.

۳. همان، م ۱۰۶۹.

۴. همان، م ۱۰۹۱.

سجده واجب قرآن

۱. چهار سوره قرآن آیه سجده دارند که اگر انسان آن را بخواند یا هنگام خواندن آن توسط دیگری به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند.^۱

- | | | |
|---|---|--|
| <p>۱. سوره شماره ۳۲ (سجده)، آیه ۱۵.</p> <p>۲. سوره شماره ۴۱ (فُصِّلَتْ)، آیه ۳۷.</p> <p>۳. سوره شماره ۵۳ (نَجْم)، آیه آخر.</p> <p>۴. سوره شماره ۹۶ (عَلَقَ)، آیه آخر.</p> | } | <p>۲. سوره‌های دارای آیه سجده:^۲</p> |
|---|---|--|

۳. چنانچه این سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.^۳

۴. اگر آیه سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست^۴ سجده کند.^۵

۵. اگر آیه سجده را از بلندگو یا پخش مستقیم رادیو تلویزیون بشنود (نه از نوار) واجب است سجده کند.^۶

۶. هنگام سجده برای این آیه‌ها نمی‌توان بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد، ولی مراعات سایر شرایط سجده، مثل رو به قبله بودن و طهارت لازم نیست.^۷

۷. گفتن ذکر در این سجده واجب نیست؛ مستحب است.^۸

۱. همان، م ۱۰۹۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: اگر به آیه سجده‌ای که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود گوش دهد، سجده واجب است. (راهنمای فتاوا، م ۹۴)

۵. توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۶.

۶. همان.

۷. همان، م ۱۰۹۷.

۸. همان، م ۱۰۹۹.

۸. تشهد

۱. در رکعت دوم و آخر نمازهای واجب، نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند؛ یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».^۱

۲. اگر تشهد را فراموش کند^۲ و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند. اگر هم در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو به جا آورد.^۳

۹. سلام

۱. در رکعت آخر هر نماز پس از تشهد باید سلام داد و نماز را به پایان برد.

۲. مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:

«السلام علينا و على عبادالله الصالحين». «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و مستحب است پس از آن بگوید «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».^۴

۱. همان، م ۱۱۰۰.

۲. آیه الله العظمی خامنه‌ای: اگر تشهد را فراموش کند و هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد و احتیاط آن است که پیش از سجده سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند. (راهنمای فتاوا، م ۹۶).

۳. توضیح المسائل، م ۱۱۰۲.

۴. همان، م ۱۱۰۵.

۳. و مستحب است قبل از سلام واجب بگوید:
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».
 و مستحب است هر سه را بگوید.^۱

۱۰. ترتیب

۱. نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد و در رکعت آخر، سلام.
۲. اگر رکعی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد - مثلاً پیش از رکوع، دو سجده نماید - نماز باطل است.^۲
۳. اگر رکعی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد - مثلاً پیش از دو سجده تشهد بخواند - باید رکن را به جا آورد و آنچه را پیش از آن خوانده دوباره بخواند.^۳
۴. اگر چیز غیر رکن را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد - مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود - نماز باطل نیست.^۴

۱۱. مَوَالَات

۱. مَوَالَات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.
۲. اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.^۵

۱. همان.

۲. همان، م ۱۱۰۹.

۳. همان، م ۱۱۱۰.

۴. همان، م ۱۱۱۱.

۵. همان، م ۱۱۱۴.

۳. طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به هم نمی‌زند.^۱

مستحبات نماز

۱. اذان و اقامه

۱. بر نمازگزار مستحب است قبل از نمازهای شبانه‌روز (یومیه)، ابتدا اذان و سپس اقامه بگوید و بعد نماز را شروع کند.^۲

۲. اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید، باطل است.^۳

۳. اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.^۴

۴. بین جمله‌های اذان و اقامه باید زیاد فاصله نشود و اگر بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آنها را از سر بگیرد.^۵

۵. اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.^۶

۶. نماز مستحب اذان و اقامه ندارد.^۷

۱. همان، م ۱۱۱۶.

۲. توضیح المسائل، م ۹۲۶ و ۹۱۸.

۳. همان، م ۹۳۵.

۴. همان، م ۹۳۱.

۵. همان، م ۹۲۰.

۶. همان، م ۹۲۳.

۷. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱.

۷. مستحب است کسی که او را برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل و وقت‌شناس و صدایش بلند باشد.^۱
۸. مستحب است روز اوّل به دنیا آمدن نوزاد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.^۲

۲. قنوت

۱. مستحب است در رکعت دوم نماز بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دست‌ها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.^۳
۲. هر ذکر در قنوت بگوید، اگرچه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند:

«رَبَّنَا اتِّنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».^۴

۳. تعقیب نماز

- تعقیب (در نماز) یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.
۱. بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.
۲. لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است مطالب کتاب‌های دعا را بخواند.
۳. گفتن تسبیح حضرت زهرا، یعنی: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» مستحب است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۹۴۱.

۲. همان، م ۹۱۷.

۳. همان، م ۱۱۱۷.

۴. همان، م ۱۱۱۸.

۵. همان، م ۱۱۲۲.

۲

مُبطّلات نماز

از وقتی که نمازگزار تکبیرة الاحرام می گوید و نماز را شروع می کند تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر انجام دهد، نمازش باطل می شود. مبطلات نماز عبارت است از:

- از بین رفتن یکی از شرطهای نماز؛
- پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند؛
- خوردن و آشامیدن؛
- حرف زدن؛
- خندیدن؛
- گریستن؛
- روی از قبله برگرداندن؛
- کم یا زیاد کردن ارکان نماز؛
- بر هم زدن صورت نماز؛
- دستها را روی هم گذاشتن؛

- آمین گفتن بعد از حمد؛

- پیش آمدن یکی از شک‌هایی که مبطل نماز است.^۱ و^۲

احکام مبطلات نماز

۱. اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود - مثلاً بفهمد مکانش غصبی است - نماز باطل است.^۳
۲. اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.^۴
۳. اگر نمازگزار در بین نماز خواب برود، نماز باطل است.^۵

۱. سخن گفتن

۱. اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید و بخواهد با آن معنایی را برساند، نمازش باطل است.^۶
۲. اگر عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، هر چند نخواهد با گفتن آن معنایی را برساند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.^۷
۳. در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند، واجب

۱. همان، م ۱۱۲۶.

۲. شک‌های باطل کننده نماز به تفصیل خواهد آمد.

۳. توضیح المسائل، م ۱۱۲۶.

۴. همان.

۵. همان، م ۱۱۲۶.

۶. همان، ص ۱۵۴.

۷. همان.

است جواب او را بدهد و باید سلام را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ» یا «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و نباید «عَلَيْكُمْ السَّلَام» بگوید.^۱

۲. خندیدن و گریستن

۱. اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است.
۲. لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.
۳. اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، نمازش باطل است.
۴. گریه بدون صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت، هر چند با صدا باشد، نماز را باطل نمی‌کند.^۲

۳. روی از قبله برگرداندن

۱. اگر نمازگزار عمداً به اندازه‌ای روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است.
۲. اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند، ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسد، نماز صحیح است.^۳

۴. برهم زدن صورت نماز

۱. اگر نمازگزار در بین نماز کاری کند که صورت نماز را برهم زند - مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند این‌ها - هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.^۴

۱. همان، م ۱۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۵۶ هفتم و هشتم از مبطلات نماز.

۳. همان، م ۱۱۳۱.

۴. همان، ص ۱۵۶، نهم از مبطلات نماز.

۲. اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگوید نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.^۱

۳. رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، مگر در حال ناچاری؛ مثلاً متوجه شود ادامه دادن نماز و ماندن در آن مکان خطر جانی دارد.

۴. شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:
- طلب‌کار طلب خود را می‌خواهد.

- وقت نماز تنگ نیست؛ یعنی می‌تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.

- در بین نماز نتواند بدهی را بپردازد.^۲

۵. شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد، مکروه است.^۳

۵. دست‌ها را برهم گذاشتن

اگر مثل بعضی افراد غیرشیعه در حال نماز دست‌ها را روی هم بگذارد، نماز باطل است.^۴

۶. آمین گفتن

اگر بعد از حمد عمداً «آمین» بگوید، نماز باطل است، ولی اگر سهواً یا از روی تقیه بگوید، باطل نیست.^۵

۱. همان، م ۱۱۵۲.

۲. همان، م ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۱.

۳. همان، م ۱۱۶۰.

۴. همان، مبطلات نماز.

۵. همان.

برخی مکروهات نماز

۱. برهم گذاشتن چشم‌ها.
۲. بازی کردن با انگشتان و دست‌ها.
۳. سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.
۴. هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.
۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون به مقدار زیاد آن نماز را باطل می‌کند).^۱

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

شکّیات نماز

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام دادن جزئی از نماز شک کند؛ مثلاً نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه، یا نمی‌داند یک سجده به‌جا آورده است یا دو سجده. و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلاً نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم.

برای شک در نماز احکام خاصی است که بیان همه موارد آن فراتر از حد این کتاب است، ولی به‌طور مختصر به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم.

اقسام شک در نماز^۱

۱. شک در اجزای نماز

الف) اگر نمازگزار در انجام دادن جزئی از اجزای نماز شک کند - یعنی نمی‌داند آن جزء را به‌جا آورده است یا نه - چنانچه جزء بعدی را شروع نکرده است - یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است - باید آن را به‌جا آورد؛ مثلاً بعد از

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰.

سربرداشتن از سجده، پیش از آن که برای رکعت بعد برخیزد یا تشهد را شروع کند، شک می‌کند یک سجده به‌جا آورده یا دو تا که در این صورت یک سجده دیگر باید به‌جا آورد. اما اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی، شک پیش آمده و از محل آن گذشته است - مثلاً در حال خواندن تشهد شک کند یک سجده به‌جا آورده یا دو سجده - به چنین شکمی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است. (ب) اگر در صحّت جزئی از نماز شک کند - یعنی نمی‌داند جزئی را که به‌جا آورده، صحیح انجام شده است یا نه - در این صورت به شک خود اعتنا نمی‌کند؛ یعنی بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و درست است.

۲. شک در رکعات^۱

الف) شک‌های مبطل نماز^۲

۱. اگر در نماز دو رکعتی - مثل نماز صبح - یا در نماز مغرب، شک در شمارش رکعت پیش آید، نماز باطل است.
۲. اگر نمازگزار شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر، نماز باطل است.
۳. اگر نمازگزار نداند چند رکعت خوانده، نماز باطل است.

ب) شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد^۳

۱. در نماز مستحب.
۲. در نماز جماعت.

۱. شک در رکعات نماز، موارد دیگری نیز دارد، اما چون پیش آمدن آن بسیار کم است، از بیان آنها صرف نظر شد. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به توضیح‌المسائل مسئله ۱۱۶۵ تا ۱۲۰۰ مراجعه کنید.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۱۶۵.

۳. همان، م ۱۱۶۸.

توضیح این دو خواهد آمد.

۳. پس از سلام نماز: اگر بعد از تمام شدن نماز، شک در رکعت یا اجزاء یا صحت نماز پیش آید، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

۴. بعد از گذشت وقت نماز: اگر پس از گذشت وقت نماز، شک کند که نماز را خوانده است یا نه، خواندن آن نماز لازم نیست.

۵. شک کثیرالشک: کسی که در یک نماز سه بار شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم شک کند (مثلاً در نماز ظهر و عصر و مغرب) کثیرالشک است و نباید به شک خود اعتنا کند و نماز را ادامه دهد و صحیح است.

ج) شک در رکعات نماز چهار رکعتی^۱

شک	در رکعت ۳	در رکعت ۲	بعد از رکعت	در سجده	بعد از سجده ها در حالت نشسته	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می باشد
شک بین ۲ و ۳	مُبطَل	مُبطَل	مُبطَل	مُبطَل	غیر مُبطَل	بنا بر ۳ گذاشته و ۱ رکعت دیگر می خواند و پس از سلام، ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده یا ۲ رکعت نشسته می خواند.
شک بین ۲ و ۴	مُبطَل	مُبطَل	مُبطَل	مُبطَل	غیر مُبطَل	بنا بر ۴ می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز ۲ رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند.
شک بین ۳ و ۴	غیر مُبطَل	غیر مُبطَل	غیر مُبطَل	غیر مُبطَل	غیر مُبطَل	بنا بر ۴ می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده یا ۲ رکعت نشسته می خواند.

۱. همان، م ۱۱۹۹؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۰، م ۳.

<p>اگر در حال قیام شک پیش آمده است، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده یا ۲ رکعت نشسته می‌خواند و اگر در حالت نشسته پیش آمده است، بنا را بر ۴ می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا می‌آورد.</p>	غیر مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیر مُبطل	شک بین ۴ و ۵
--	-----------	-------	-------	-------	-----------	--------------

یادآوری

- هر آنچه در نماز خوانده می‌شود - حتی یک کلمه - یا به جا آورده می‌شود - مثل رکوع و سجده - جزئی از نماز است.
- چنانچه پس از به جا آوردن جزئی از اجزای نماز - مثلاً خواندن حمد یا یک کلمه از آن - شک کند آن را صحیح به جا آورده است یا نه، به شک خود توجه نکند و لازم نیست دوباره آن را به جا آورد، نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.
- اگر در تعداد رکعت‌های نماز مستحب شک کند، بنابر ۲ می‌گذارد؛ چون تمام نمازهای مستحبی - به جز نماز وتر - ۲ رکعتی است. پس اگر شک بین ۱ و ۱ یا ۲ و بیشتر از آن پیش آید، بنابر ۲ می‌گذارد و نماز صحیح است.
- در نماز جماعت، اگر امام جماعت شک کند، ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلاً با گفتن «الله اکبر» امام را مطلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند. همچنین اگر مأموم شک کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همان‌گونه که امام جماعت نماز را ادامه می‌دهد، او هم عمل کند و صحیح است.
- اگر یکی از شک‌های صحیح پیش آید، نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه گفته شده عمل کند، و اگر نماز را بر هم بزند، معصیت کرده است.

۶. اگر برای نمازگزار یکی از شک‌های باطل‌کننده نماز یا شک‌های صحیح پیش آید، باید کمی فکر کند و چنانچه چیزی یادش آمد یا یک طرف شک تقویت شد، مطابق آن عمل کند، ولی اگر شک ادامه یافت، در شک‌های صحیح مطابق وظیفه عمل کند و در شک‌های باطل‌کننده، به هم زدن نماز مانعی ندارد.^۱

۷. در شک‌های صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آن‌که یکی از طرف‌های شک از ۴ گذشته باشد.

۸. نماز احتیاط برای جبران کمبود احتمالی نماز است. بنابراین در شک بین ۳ و ۴ احتمال کمبود، یک رکعت است، پس یک رکعت نماز احتیاط لازم است و در شک ۲ و ۴ دو رکعت نماز احتیاط لازم است.

۹. سجده سهو در موارد احتمال زیادِ سهوی است. پس در شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته و شک بین ۵ و ۶ در حالت ایستاده، سجده سهو لازم است.

۱۰. در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط واجب است، می‌توان به جای آن دو رکعت نشسته خواند.

۱۱. در موردی که دو رکعت نماز احتیاط واجب است، نمی‌توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.

۱۲. اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده یکی از شک‌های صحیح پیش آید، به جز شک ۳ و ۴، باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن، از هر طرف شک یک عدد کم می‌شود؛ مثلاً در شک بین ۴ و ۵ ایستاده، پس از نشستن، به شک ۳ و ۴ بر می‌گردد و همان وظیفه را باید انجام دهد.

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۰، م ۴.

نماز احتیاط

۱. در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود - مانند شک بین ۳ و ۴ - باید بعد از سلام نماز، بدون آن‌که صورت نماز را به هم بزنند یا مُبْطَلی از مبطلات نماز را انجام دهد، برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.
۲. تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

- نیت آن را نباید به زبان آورد.

- سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

- حمد را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).

۳. اگر یک رکعت نماز احتیاط واجب باشد، پس از سجده‌ها تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیر الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد.^۱

سجده سهو

۱. برای انجام دادن سجده سهو - مانند شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته - باید بعد از سلام نماز، به سجده برود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»، بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را به جا آورد.^۲

۲. سجده سهو تکبیر الاحرام ندارد.

۱. توضیح المسائل، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶.

۲. همان، م ۱۲۵۰.

موارد سجده سهو

واجب

۱. در بین نماز سهواً حرف بزند.
۲. یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیاید.
۳. در نماز چهار رکعتی شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید.

احتیاط واجب

۱. تشهد را فراموش کند: پس از نماز باید قضای تشهد را به جا آورد و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو نیز انجام دهد.
۲. بی جا سلام دهد؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد.

احتیاط مستحب

۱. مقداری از سلام واجب نماز بی جا گفته شود.^۱

۱. همان، م ۱۲۳۶ و ۱۲۴۲.

پرسش

۱. ارکان نماز را برشمارید و فرق آن را با غیر رکن بیان کنید.
۲. قیام قبل و بعد از رکوع را توضیح داده و تفاوت آن دو را بگویید.
۳. مردی حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را تاکنون آهسته خوانده است؛ تکلیف او نسبت به نمازهای گذشته چیست؟
۴. در چه صورتی نمازگزار نباید سوره بخواند و باید تسبیحات اربعه را نیز یکبار بگوید؟
۵. فرق رکوع و ذکر رکوع چیست؟
۶. آیا ایستادن بعد از رکوع واجب است؟
۷. سجده را تعریف کنید و بگویید سجده جزو کدام دسته از واجبات نماز است؟
۸. چهار مورد از واجبات سجده را بیان کنید.
۹. مقصود از موالات بین دو سجده چیست؟ توضیح دهید.
۱۰. سجده بر چوب، پوست بادام، پوست سیب و پوست پرتقال چه حکمی دارد؟
۱۱. سجده بر کاغذ و قوطی کبریت چه حکمی دارد؟
۱۲. کسی که نمی‌تواند به‌طور معمول سجده کند، وظیفه‌اش نسبت به سجده چیست؟
۱۳. با مراجعه به قرآن کریم، آیات دارای سجده واجب را بنویسید.
۱۴. تفاوت ترتیب و موالات را توضیح دهید.
۱۵. دعای دیگری برای قنوت غیر از آنچه در درس آمده است بنویسید.
۱۶. اگر کسی به نمازگزار سلام کند، وظیفه نمازگزار چیست؟
۱۷. چه نوع خنده و گریه‌ای نماز را باطل نمی‌کند؟

بخش ۵ / شکیات نماز ۲۰۳

۱۸. اگر نمازگزار متوجه شود که بجهای به بخاری نزدیک می‌شود و ممکن است بدنش بسوزد، آیا می‌تواند نماز را به هم بزند؟

۱۹. مسافری در بین نماز متوجه می‌شود که قطار آماده حرکت است؛ آیا می‌تواند برای رسیدن به آن نماز را بشکند؟

۲۰. اگر هنگام خواندن تسبیحات اربعه شک کند تشهد را خوانده است یا نه تکلیف چیست؟

۲۱. برای شک در اجزای نماز چهار مثال بزنید.

۲۲. اگر در حال قیام شک بین ۴ و ۵ پیش آید، تکلیف چیست؟

۲۳. آیا می‌دانید چرا در نماز احتیاط باید حمد را آهسته خواند؟

۲۴. چگونگی به‌جا آوردن سجده سهو را توضیح دهید.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

بخش ششم

انواع نمازها

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۱

نماز مسافر

انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (شکسته) به جا آورد، به شرط آن که مسافرتش از هشت فرسخ - که حدود ۴۵ کیلومتر است - کم تر نباشد.

مسئله

۱. اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است - مثل وطن - حداقل چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.^۱
۲. کسی که به مسافرت می رود، زمانی نمازش شکسته می شود که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای محل شروع سفر را نبیند و اذان آن جا را هم نشنود و چنانچه قبل از این مقدار بخواهد نماز بخواند باید تمام بخواند.^۲
۳. اگر از محلی مسافرت می کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آن جا دیده نمی شد، باید نماز را شکسته بخواند.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳.

۲. همان، نماز مسافر، شرط هشتم.

۳. همان، م ۱۳۲۱.

۴. اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کم‌تر از هشت فرسخ و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر است؛ چنانچه از راه هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راه کم‌تر از هشت فرسخ برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند.^۱

مواردی که نماز مسافر تمام است

۱. قبل از آن‌که هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد یا در جایی ده روز می‌ماند.
۲. از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است؛ مثل کسی که به دنبال گم‌شده‌ای می‌گردد.
۳. در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود.
۴. کسی که شغل او مسافرت است؛^۲ مثل راننده قطار و ماشین‌های برون شهری، خلبان و ملوان (در سفری که شغل اوست).
۵. کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند زنی که بدون اجازه شوهرش به مسافرت غیر واجب می‌رود.^۳

مکان‌هایی که نماز در آن‌ها تمام است

۱. وطن.
۲. جایی که می‌داند یا بنا دارد ده روز بماند.

۱. همان، ۱۲۷۹.

۲. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: کسی که سفر مقدمه شغل اوست، اگر حداقل در خلال هر ده روز یک سفر به محل کار برای کارش می‌رود، نمازش در سفر تمام و روزه‌اش صحیح است (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۳۷، س ۶۴۱) در سفر برای تحصیل علم مسأله مبنی بر احتیاط است. (راهنمای فتاوا، ص ۷۷).

۳. توضیح‌المسائل، نماز مسافر.

۳. جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده می ماند یا می رود و تا سی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است. در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.^۱

وطن کجاست؟

۱. وطن، جایی [شهر یا روستایی] است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است؛ خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، که به آن «وطن اصلی» می گویند یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است که به آن «وطن اتخاذی» گویند.^{۲ و ۳}

۲. تا انسان قصد ماندن همیشه در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی شود.^۴

۳. اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی شود؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می ماند.^۵

۴. اگر انسان بدون قصد ماندن همیشه آنقدر در جایی بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.^۶

۱. همان، شرط چهارم و م ۱۳۲۸، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۳.

۲. آیه الله العظمی خامنه ای: در احکام مسافر و قصد توطن و قصد ده روز، فرقی میان شهرهای بزرگ و شهرهای متعارف وجود ندارد. (اجوبه الاستفتائات، ج ۱، ص ۲۱۵، س ۷۲۳)

۳. توضیح المسائل، م ۱۳۲۹.

۴. همان، م ۱۳۳۱.

۵. همان، م ۱۳۳۰.

۶. همان، م ۱۳۳۱.

۵. اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم‌اکنون از آن‌جا صرف‌نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.^۱

۶. مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان را بشنود باید نماز را تمام بخواند.^۲

قصد ده روز

۱. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز آن‌جا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نماز را تمام بخواند و قصد ماندن ده روز دیگر لازم نیست. پس اگر ۱۱ یا ۱۲ روز یا بیشتر هم بماند، نماز او در تمام این ایام کامل است.^۳

۲. اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که آن‌جا هست باید نماز را تمام بخواند.^۴

مسافری که نمازش را تمام خوانده است

الف) اگر نمی‌دانسته که مسافر باید نماز را شکسته بخواند: نمازی که خوانده، صحیح است.^۵

۱. همان، م ۱۳۳۴.

۲. همان، م ۱۳۱۹.

۳. همان، م ۱۳۴۷.

۴. همان، م ۱۳۴۲.

۵. همان، م ۱۳۵۹.

ب) اگر حکم سفر را می دانسته، ولی بعضی از جزئیات را نمی دانسته است و یا نمی دانسته که مسافر است: نمازی که خوانده است باید دوباره بخواند.^۱

غیرمسافری که نمازش را شکسته خوانده است

در هر صورت، نمازش باطل است: چه جاهل به حکم باشد یا با علم به حکم، سهواً نماز را شکسته خوانده است.^۲

۱. همان، م ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲.

۲. همان، م ۱۳۶۳.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۲

نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خودش بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناه کار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم به جا آورد.

۱. در دو مورد، قضای نماز، واجب است:

الف) نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.

ب) بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.^۱

۲. کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.^۲

۳. حالت‌های مختلف انسان نسبت به نماز قضا:

- می‌داند نماز قضا ندارد: چیزی بر او واجب نیست.

- شک دارد نماز قضا دارد یا نه: چیزی بر او واجب نیست.

- احتمال می‌دهد نماز قضایی دارد: مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.

۱. همان، م ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱.

۲. همان، م ۱۳۷۲.

- می‌داند نماز قضا دارد، ولی تعداد آنها را نمی‌داند؛ مثلاً نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا؛ چنانچه میزان کم‌تر را بخواند، کافی است.
- اگر تعداد آنها را می‌دانسته، ولی فراموش کرده است: چنانچه مقدار کم‌تر را بخواند، کفایت می‌کند.

- تعداد آن را هم می‌داند: باید قضای همان تعداد را به‌جا آورد.^۱

۴. لازم نیست قضای نمازهای شبانه‌روز به ترتیب خوانده شود، مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند.^۲

۵. نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند - چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا - و لازم نیست هر دو یک نماز بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.^۳

۶. اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی به‌جا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضا را به‌جا آورد.^۴

۷. در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا، ولی نماز قضا می‌توان به‌جا آورد.^۵

۸. اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است به‌جا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند و چنانچه در وطن بخواهد نمازهای چهار رکعتی را که در سفر قضا شده به‌جا آورد باید دو رکعتی بخواند.^۶

۱. همان، م ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳.

۲. همان، م ۱۳۷۵.

۳. همان، م ۱۳۸۸.

۴. توضیح‌المسائل، م ۱۳۶۸.

۵. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۴، م ۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۶. توضیح‌المسائل، م ۱۳۶۸.

۹. نماز قضا را در هر وقتی می‌توان به‌جا آورد؛ برای مثال: قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب خواند.^۱

نماز قضای پدر

۱. تا انسان زنده است، هرچند از نماز خواندن عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نمازهای او را برایش بخواند یا نمازهای نخوانده او را قضا کند.^۲

۲. پس از مرگ پدر،^۳ بر پسر بزرگ‌تر او واجب است. نماز و روزه‌هایی را که به‌جا نیاورده است، قضا کند و احتیاط مستحب است نماز و روزه‌های قضای مادرش را هم به‌جا آورد.^۴

۳. حالت‌های مختلف پسر بزرگ‌تر نسبت به نماز قضای پدر:^۵

الف) می‌داند پدر نماز قضا داشته است:

- تعداد آن را هم می‌داند: باید آنها را قضا کند.

- تعداد آن را نمی‌داند: اگر مقدار کم‌تر را به‌جا آورد، کافی است.

- شک دارد که خودش به‌جا آورده است یا نه: بنابر احتیاط واجب باید قضا کند.^۶

ب) شک دارد که پدر نماز قضا داشته است یا نه: چیزی بر او واجب نیست.

ج) می‌داند پدر نماز قضا نداشته است: چیزی بر او واجب نیست.^۷

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۳، م ۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۲. توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

۳. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: پدر و مادر. (راهنمای فتاوا، م ۱۰۹).

۴. توضیح المسائل، م ۱۳۹۰.

۵. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: پدر و مادر. (راهنمای فتاوا، م ۱۰۹).

۶. توضیح المسائل، م ۱۳۹۰ - ۱۳۹۲.

۷. همان، م ۱۳۹۱.

۴. اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند.^۱
۵. اگر پسر بزرگ‌تر پیش از به‌جا آوردن نماز و روزه پدر از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست،^۲ ولی اگر پسر اول پیش از پدر از دنیا برود، نمازهای قضای پدر بر پسر دوم او واجب است. به تعبیر دیگر پسری که هنگام مرگ پدر از سایر پسرها بزرگ‌تر است یا تنها فرزند پسر میّت است باید قضای نماز و روزه‌های پدر را به‌جای آورد.

۱. همان، م ۱۳۹۵.

۲. همان، م ۱۳۹۸.

نماز جماعت

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیاری داده است و برای حفظ و ادامه آن برنامه‌های ویژه‌ای دارد. یکی از آنها نماز جماعت است. در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی‌هایی است، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را به جا می‌آورند. کسی که در این نماز دسته‌جمعی پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او در نماز از او پیروی می‌کند «مأموم» است.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن‌که در روایات بسیاری برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی احکام نیز به اهمیت این عبادت پی می‌بریم که در این جا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به‌ویژه برای همسایه مسجد.^۱

۱. همان، م ۱۳۹۹.

۲. مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند.
۳. نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فرادای^۱ اوّل وقت بهتر است.
۴. نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فرادایی که آن را طول بدهد، بهتر است.^۲
۵. سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.
۶. حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن جایز نیست.^۳

شرایط نماز جماعت

هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

۱. مأموم از امام جلوتر نایستد و احتیاط واجب آن است که کمی عقب‌تر بایستد.
۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد.
۳. فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها زیاد نباشد.
۴. بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صف مردها و زن‌ها اشکال ندارد.^۴

شرایط امام جماعت

امام جماعت باید این شرایط را داشته باشد:

۱. بالغ و عاقل و عادل باشد.

۱. نمازی که به تنهایی خوانده شود و به جماعت نباشد «نماز فرادی» نام دارد.

۲. توضیح المسائل، م ۱۴۰۲.

۳. همان، م ۱۴۰۱.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷.

۲. مرد باشد.^۱

۳. نماز را صحیح بخواند.

۴. مسلوس و مبطون نباشد.^۲

۵. بیماری خوره و پیسی نداشته باشد.^۳

مسئله

کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند.^۴

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

در هر رکعت، تا رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد. پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند و اگر به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید.

حالت‌های مختلف برای پیوستن به نماز جماعت

رکعت اول

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می‌آورد.

۱. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است. (اجوبه الاستفتائات، ص ۵۹۶)

۲. مسلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطون کسی است که مدفوع خود را نمی‌تواند کنترل کند.

۳. توضیح المسائل، م ۱۴۵۳.

۴. همان، م ۱۴۵۵.

۲. در رکوع: رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.^۱

رکعت دوم

۱. در بین قرائت: مأوم حمد و سوره را نمی خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را به جا می آورد و آن گاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنابر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز بنشیند و اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که رکعت سوم امام جماعت می باشد، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آن گاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برخاست، مأوم باید پس از دو سجده تشهد بخواند و برخیزد و رکعت سوم را به جا آورد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد، مأوم برمی خیزد و یک رکعت دیگر می خواند.^۲

۲. در رکوع: رکوع را با امام جماعت به جا می آورد و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می دهد.

رکعت سوم

۱. در بین قرائت: چنان چه می داند که اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره یا حمد تنها وقت دارد، می تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا لا اقل حمد را بخواند، و اگر می داند فرصت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. در رکوع: چنان چه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام به جا می آورد و حمد

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۲۷.

۲. همان، م ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰.

و سوره برای آن رکعت ساقط است و بقیه نماز را همان‌گونه که قبلاً بیان شد، به جا می‌آورد.^۱

رکعت چهارم

۱. در بین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد و آن‌گاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم می‌تواند برخیزد و نماز را به تنهایی ادامه دهد و می‌تواند نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲. در رکوع: رکوع و سجده‌ها را با امام به جا می‌آورد (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همان‌گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.^۲

احکام نماز جماعت

۱. اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتدا کرد. بنابراین اگر امام، نماز عصر می‌خواند، مأموم می‌تواند نماز ظهر را به او اقتدا کند یا اگر پس از آن که مأموم نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود، می‌تواند نماز عصر را به ظهر او اقتدا کند.^۳

۲. مأموم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد؛ مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صبح را.^۴

۱. همان، م ۱۴۴۲ - ۱۴۴۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۷۱ - ۲۷۲، م ۵ و ۶ - ۸.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل، م ۱۴۰۸.

۴. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۶۵، م ۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۵، م ۳.

۳. نماز جماعت حداقل با دو نفر برپا می‌شود، یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.^۱
۴. نمازهای مستحب را نمی‌توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران.^۲

وظیفه مأموم در نماز جماعت

۱. مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.^۳
۲. مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.^۴

چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت

- الف) در خواندنی‌ها، مانند حمد، سوره، ذکر و تشهد: جلو افتادن یا عقب افتادن از امام اشکال ندارد، مگر در تکبیرة الاحرام.
- ب) در اعمال، مانند رکوع: پیش افتادن جایز نیست؛ یعنی نباید قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد و یا به سجده برود، ولی عقب افتادن از امام جماعت، اگر با فاصله زیاد نباشد، اشکال ندارد.^۵

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۶، م ۸.

۲. همان، ص ۷۶۴، م ۲.

۳. توضیح المسائل، م ۱۴۶۷.

۴. همان، م ۱۴۶۱.

۵. همان، م ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۵.

مسئله

اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

- قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع می‌رسد: نمازش به جماعت صحیح است.

- وقتی به حد رکوع می‌رسد، ذکر رکوع امام جماعت تمام شده، ولی هنوز امام در رکوع است: نمازش به جماعت صحیح است.

- به رکوع برود، ولی به رکوع امام هم نرسد: نمازش بطور فردا صحیح است و باید آن را تمام کند.

- | | | |
|---|---|----------------------------|
| <p>۱. به رکوع رود } واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود.</p> | } | اگر مأوم سهواً پیش از امام |
| <p>۲. از رکوع برخیزد } باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در این صورت، زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز را باطل نمی‌کند.</p> | | |
| <p>۳. به سجده رود } واجب است سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.</p> | | |
| <p>۴. سر از سجده بردارد ← باید به سجده برگردد.^۱</p> | | |

اگر جای مأوم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف زمان قدیم باشد، اشکال ندارد؛ مثل آن که امام در صحن مسجد و مأوم

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۶، ۱۲م؛ توضیح المسائل، ۱۴۲۸م.

در پشت بام به نماز بایستند، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.^۱

برخی از آداب نماز جماعت

۱. مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و تقوا و کمال در صف اول بایستند.
۲. مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نباشد.
۳. اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.
۴. مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۱۶.

۲. همان، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۴

نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است و نمازگزاران می‌توانند در روز جمعه به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند.^۱

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی رحمته الله علیه:

«نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت، غافل و ناآگاهند؛ در صورتی که انسان با اندکی مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام درمی‌یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را».^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱، م ۱.

۲. همان، ص ۲۳۴، م ۹.

چگونگی نماز جمعه

واجبات

نماز جمعه مانند نماز صبح، دو رکعت است، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود.

مستحبات

۱. خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).
۲. خواندن سوره «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اول (توسط امام جمعه).
۳. خواندن سوره «منافقون» پس از حمد در رکعت دوم (توسط امام جمعه).
۴. خواندن دو قنوت، یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.^۱

شرایط نماز جمعه

۱. تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.
۲. باید به جماعت برگزار شود و به‌طور فُرادا صحیح نیست.
۳. حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است؛ یعنی یک امام و چهار مأموم.
۴. بین دو نماز جمعه حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.^۲

وظیفه امام جمعه در خطبه‌ها

۱. حمد و ثنای الهی را به‌جا آورد.

۱. همان، ص ۲۳۲، الثانی.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۲. بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه مسلمین عَلَيْهِمُ السَّلَام درود بفرستد.

۳. مردم را به تقوای الهی و پرهیز از گناهان سفارش کند.

۴. سوره کوتاهی از قرآن بخواند.

۵. برای مردان و زنان با ایمان طلب آمرزش کند.

آنچه شایسته است در خطبه‌ها گفته شود

۱. آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.

۲. مردم را از حوادث جهان که به سود یا زیان مسلمانان است، آگاه کند.

۳. از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و

چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها سخن بگوید.

۴. مسلمانان را از دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و

اقتصادی که منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود، آگاه کند.^۱

وظیفه نمازگزاران جمعه

۱. بنابر احتیاط واجب باید به خطبه‌ها گوش دهند.

۲. احتیاط مستحب است از حرف‌زدن پرهیزند و چنانچه این کار، سبب از بین

رفتن فایده خطبه‌ها یا گوش ندادن به آنها شود، نباید سخن بگویند.

۳. احتیاط مستحب است شنوندگان هنگام ایراد خطبه‌ها رو به امام جمعه بنشینند

و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.^۲

۱. همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۴، م ۷ و ۸ و ۹.

۲. همان، ص ۲۳۵، م ۱۴.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۵

نماز آیات

یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می شود؛ مانند:

- زلزله

- خسوف (ماه گرفتگی)

- کسوف (خورشید گرفتگی)

- رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند.^۱

چگونگی نماز آیات

۱. نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲. در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره‌ای دیگر خوانده می شود که به این ترتیب، در هر رکعت، پنج حمد و پنج سوره خوانده می شود، ولی می توان یک سوره را پنج قسمت کرد و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود.

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۹۱.

در این جا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می آوریم:

- رکعت اوّل

حمد و «بسم الله الرحمن الرحيم»^۱ رکوع.

«قل هو الله احد» رکوع.

«الله الصمد» رکوع.

«لم يلد ولم يولد» رکوع.

«ولم يكن له كفواً احد» رکوع.

سپس سجده ها را به جا آورده و برای رکعت دوم برمی خیزد.

- رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اوّل به جا می آورد و سپس با تشهد و سلام،

نماز را به پایان می برد.^۲

احکام نماز آیات

۱. اگر یکی از سبب های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر

باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.^۳

۲. اگر در یک رکعت از نماز آیات، یک حمد و پنج سوره بخواند و در رکعت

دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند، صحیح است.^۴

۱. آیه الله العظمی خامنه ای: خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» به تنهایی بنابر احتیاط کافی نیست،

بلکه باید بخشی از سوره را نیز بخواند. (راهنمای فتاوا، م ۱۰۸)

۲. توضیح المسائل، م ۱۵۰۸.

۳. همان، م ۱۴۹۴.

۴. همان، م ۱۵۰۹.

۳. مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.^۱

۴. هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.^۲

۵. نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.^۳

۱. همان، م ۱۵۱۲.

۲. همان، م ۱۵۱۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۶

نماز میّت

پس از غسل و حنوط و کفن کردن میّت باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند.^۱

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» و اگر

زن است بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» و بعد تکبیر پنجم را بگوید.

بهتر است نماز میّت را به تفصیل مذکور در توضیح المسائل بخوانند، گر چه

این مقدار نیز کفایت می کند.^۲

شرایط نماز میّت

- قصد قربت و اخلاص.

۱. همان، م ۵۹۵.

۲. توضیح المسائل، م ۶۰۸.

- تعیین میّت به طوری که ابهام برطرف شود؛ مثلاً نیت کند نماز می خوانم بر میّت حاضر، قرّبۀ الی الله.

- رو به قبله بودن نمازگزار.

- ایستاده خواندن (نشسته صحیح نیست)، مگر آن که کسی نباشد که بتواند ایستاده بخواند.

- میّت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند؛ به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به سمت چپ باشد.

- بین میّت و نمازگزار، پرده و دیوار و چیزی مانند اینها فاصله نشود، ولی اگر میّت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

- نمازگزار از میّت دور نباشد. اگر نماز میّت به جماعت خوانده می شود و صفها متصل است، دور بودن مأوم اشکال ندارد.

- مکان نمازگزار از جای میّت بلندتر یا پایین تر نباشد، ولی پستی و بلندی کم اشکال ندارد.

- نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد، مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل، حنوط و کفن) در مورد او ساقط است.^۱

احکام و آداب نماز میّت

۱. نماز میّت به جماعت نیز صحیح است، ولی امام و مأوم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۳. القول فی شرائط صلاة المیت؛ توضیح المسائل، م ۵۹۷ - ۶۰۴.

۲. توضیح المسائل، م ۶۱۰.

۲. کسی که نماز بر میّت می خواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمّم بوده و بدن و لباسش پاک و مباح باشد؛ گرچه احتیاط مستحب است که تمام چیزهای لازم در نمازهای دیگر را رعایت کند.^۱
۳. اگر میّت وصیت کرده باشد که فرد معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میّت اجازه بگیرد و بنابر احتیاط واجب، ولی هم اجازه بدهد.^۲
۴. اگر بخواهند بر چند میّت نماز بخوانند، بهتر است که جداگانه خوانده شود؛ هر چند خواندن یک نماز بر چند جنازه نیز اشکالی ندارد.^۳

برخی مستحبات نماز میّت

۱. کسی که نماز را می خواند، با طهارت باشد.
۲. پابرنه نماز بخواند.
۳. برای هر تکبیر دستها را بلند کند.
۴. نماز را به جماعت بخواند.
۵. امام جماعت، تکبیر و دعاها را بلند و مأمومین آهسته بخوانند.
۶. نمازگزار برای میّت و مؤمنان زیاد دعا کند.
۷. پیش از نماز سه مرتبه بگوید: «الصلاة».
۸. نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میّت بیشتر به آن جا می روند.^۴
خواندن نماز میّت در مساجد مکروه است، به جز مسجدالحرام.^۵

۱. همان، م ۵۹۶.

۲. همان، م ۶۰۵.

۳. تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شرائط صلاة المیت، ص ۸۶، م ۹.

۴. توضیح المسائل، م ۶۱۱.

۵. همان، م ۶۱۲.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۷

نمازهای مستحب

۱. نماز مستحب را «نافله» گویند.
۲. نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم.

نماز عید

در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.

وقت نماز عید

۱. وقت نماز عید، از طلوع آفتاب روز عید تا ظهر است.^۱
۲. مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند.
۳. مستحب است در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند، سپس نماز عید بخوانند.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۱۷.

۲. همان، م ۱۵۱۸.

چگونگی نماز عید

نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، با نه قنوت و این گونه خوانده می شود:

- در رکعت اول نماز، پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

- در رکعت دوم، پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.

- در قنوت های نماز عید هر دعا و ذکری بخوانند، کافی است، ولی بهتر است به امید ثواب، این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكِرَامَةً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».

نافله نمازهای یومیّه

هفده رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می شود (در غیر سفر و روز جمعه) بیست و سه رکعت نافله دارد که به علاوه یازده رکعت نماز شب، جمعاً سی و چهار رکعت می شود؛ یعنی دو برابر تعداد رکعت های نماز واجب.

شمار رکعات و وقت نافله‌های یومیه

نافله نماز صبح، دو رکعت است و قبل از نماز خوانده می‌شود.
نافله نماز ظهر، چهار نماز دو رکعتی (۸ رکعت) است و قبل از نماز ظهر خوانده می‌شود، از ظهر تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار دو سوم برسد.
نافله نماز عصر، چهار نماز دو رکعتی (۸ رکعت) است و پیش از نماز عصر خوانده می‌شود، تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به میزان هفت چهارم آن برسد.
نافله نماز مغرب، دو نماز دو رکعتی (چهار رکعت) است و پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب - که پس از غروب آفتاب پدید می‌آید - از بین برود.
نافله نماز عشاء، دو رکعت نشسته است^۱ و پس از نماز عشاء تا نصف شب خوانده می‌شود.^۲

نماز شب

نماز شب یازده رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

- دو رکعت به نیت نافله شب.
- دو رکعت به نیت نافله شب.
- دو رکعت به نیت نافله شب.
- دو رکعت به نیت نافله شب.
- دو رکعت به نیت شفع.
- یک رکعت به نیت وثر.^۳

۱. به نافله نماز عشاء «وئیره» گفته می‌شود و بنابر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

۲. توضیح المسائل، م ۷۶۴ و ۷۶۸ - ۷۷۲.

۳. همان، م ۷۶۵.

وقت نماز شب

۱. وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.^۱
۲. مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اوّل شب بخواند.^۲

نماز غُفیله

یکی دیگر از نمازهای مستحب، نماز «غُفیله» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

کیفیت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است که در رکعت اوّل، پس از حمد باید به جای سوره، این آیه خوانده شود:^۳

﴿وَدَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمَمِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾

در رکعت دوم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾

و در قنوت آن این دعا خوانده می‌شود:

۱. همان، م ۷۷۳.

۲. همان، م ۷۷۴.

۳. همان، م ۷۷۵.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي^۱ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَرَى نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَمَا قَضَيْتَهَا لِي».

۱. به جای جمله «ان تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بنخواهد.

پرسش

۱. شخصی از وطن خود به روستایی در شرق که فاصله آن ۳۲ کیلومتر است می‌رود و برمی‌گردد و به روستایی در غرب که فاصله آن با روستای اول ۵۰ کیلومتر است می‌رود و به وطن برمی‌گردد؛ بگویید نماز او در دو روستا و بین راه تمام است یا شکسته؟
۲. ملاک وطن بودن یک مکان را بیان کنید.
۳. نماز کشاورزی که هر روز از روستا به مزرعه خود که در فاصله ۳ فرسخی است می‌رود و برمی‌گردد، چه حکمی دارد؟
۴. شخصی برای کار از روستایی به شهر آمده است؛ هنگامی که به روستا می‌رود، باید نماز را تمام بخواند یا شکسته؟
۵. مسافری به سبب فراموشی، نمازش را تمام خوانده است؛ آیا نماز وی صحیح است یا نه؟
۶. فرق نماز ادا و قضا چیست؟
۷. کسی که می‌داند مدتی نمازش قضا شده است، ولی تعداد آن را نمی‌داند، تکلیفش چیست؟
۸. اگر بخواهد بعد از خواندن نماز ظهر و عصر، قضای نماز صبح را به‌جا آورد، آیا باید قرائت آن را بلند بخواند یا آهسته؟
۹. پسری نمی‌داند پدرش نماز قضا دارد یا نه و پدر هم چیزی به او نگفته است؛ وظیفه‌اش چیست؟
۱۰. این جمله را توضیح دهید: «شُرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست».

۱۱. در چه صورتی می‌توان در نماز چهار رکعتی، چهار بار تشهد را خواند؟
۱۲. اگر در رکوع رکعت دوم نماز مغرب به امام جماعت اقتدا کردید، توضیح دهید بقیه نماز را چگونه باید به‌جا آورید؟
۱۳. اگر مأموم سر از سجده بردارد و ببیند امام جماعت در سجده است، تکلیف چیست؟
۱۴. اگر مأموم در رکعت اول نماز جمعه سهواً قبل از خواندن قنوت به رکوع برود، تکلیف چیست؟
۱۵. کدام نماز مستحب را می‌توان به جماعت خواند؟
۱۶. تفاوت‌های نماز ظهر با نماز جمعه چیست؟
۱۷. حداقل مأمومین در نماز جمعه چند نفر باید باشند؟
۱۸. از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله کسی که دین را از سیاست جدا بداند، چگونه فردی است؟
۱۹. چرا به نماز زلزله و مانند آن نماز آیات گفته می‌شود؟
۲۰. نماز آیات چند رکوع و چند قنوت دارد؟
۲۱. ارکان نماز آیات چندتاست؟
۲۲. نماز عید چند تکبیر و چند قنوت دارد؟
۲۳. مجموع نافله‌های یومیه با نماز شب چند رکعت است؟ و با تعداد رکعت‌های نمازهای واجب چه نسبتی دارد؟

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

بخش هفتم

روزه و اعتکاف

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۱

روزه

تعریف روزه

یکی دیگر از واجبات و برنامه‌های سالانه اسلام برای خودسازی انسان‌ها «روزه» است. روزه آن است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد بپرهیزد. برای آشنایی با احکام روزه ابتدا باید اقسام آن را بشناسیم.

اقسام روزه

- | | |
|----------|----------|
| ۱. واجب | ۲. حرام |
| ۳. مستحب | ۴. مکروه |

روزه‌های واجب

- روزه ماه مبارک رمضان.
- روزه قضا.
- روزه کفاره.

- روزه قضای پدر^۱ بر پسر بزرگ‌تر^۲.
- روزه‌ای که به سبب نذر یا عهد یا قسم واجب شود.

برخی از روزه‌های حرام

- روزه عید فطر (روز اوّل ماه شوال).
- روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی‌حجه).
- روزه مستحب فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود.
- روزه مستحب فرزند که پدر یا مادر او را از آن نهی کرده باشند (بنابر احتیاط واجب)^۳.

روزه‌های مستحب

- روزه گرفتن در تمام ایّام سال - به جز روزه‌های حرام و مکروه - مستحب است، ولی نسبت به بعضی از روزها تأکید و سفارش بیشتری شده است که برخی از آنها از این قرار است:
- هر پنجشنبه و جمعه.
 - روز مبعث (۲۷ ماه رجب).
 - عید غدیر (۱۸ ذی‌حجه).
 - روز میلاد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (۱۷ ربیع الاول).
 - روز عرفه (نهم ذی‌حجه)؛ چنان‌چه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعاهای آن روز نشود.

۱. آية الله العظمی خامنه‌ای: پدر و مادر. (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۱۶، س ۵۳۹).

۲. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۰؛ توضیح المسائل، م ۱۳۹۰.

۳. توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ - ۱۷۴۲.

- تمام ماه رجب و شعبان.

- عید نوروز.

- ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه.^۱

روزه‌های مکروه

- روزه مستحب مهمان بدون اجازه میزبان.

- روزه مستحب مهمان با نهی میزبان.

- روزه مستحب فرزند بدون اجازه پدر.

- روزه عاشورا.

- روزه عرفه، اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز بشود.

- روزه روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.^۲

نیت روزه

۱. روزه از عبادات است و باید برای اطاعت فرمان خداوند به‌جا آورده شود.^۳

۲. انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اوّل ماه روزه همه ماه را هم نیت کند.^۴

۳. در روزه واجب معین، نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تأخیر بیفتد.^۵

۴. در روزه واجب معین، مثل روزه ماه رمضان، اگر به واسطه عذری — مانند

۱. همان، م ۱۷۴۸.

۲. همان، م ۱۷۴۷.

۳. همان، م ۱۵۵۰.

۴. همان.

۵. همان، م ۱۵۵۴ و ۱۵۶۱.

فراموشی یا سفر - نیت روزه نکرده، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت کند.^۱

۵. لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویید، بلکه همین قدر که برای اطاعت دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد، کافی است.^۲

مُبطلات روزه و احکام آن

روزه‌دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها پرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. به مجموعه این کارها «مُبطلات روزه» گفته می‌شود:

- خوردن و آشامیدن.
- رساندن غبار غلیظ به حلق.
- فرو بردن تمام سر در آب.
- دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ.
- قی کردن.
- آمیزش.
- استمناء.
- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.^۳
- اماله.

۱. همان.

۲. همان، م ۱۵۵۰.

۳. همان، م ۱۵۷۲.

۱. خوردن و آشامیدن

۱. اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود.^۱
۲. اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.^۲
۳. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.^۳
۴. اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.^۴
۵. انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.^۵

۲. تزریق آمپول

- تزریق آمپول، اگر به جای غذا نباشد، روزه را باطل نمی‌کند،^۶ هر چند عضو را بی‌حس کند.^۷

۱. همان، م ۱۵۷۳.

۲. همان، م ۱۵۷۴.

۳. همان، م ۱۵۷۹.

۴. همان، م ۱۵۷۵.

۵. توضیح المسائل، م ۱۵۸۳.

۶. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول‌های مقوی یا مغذی و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند، لکن آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای بی‌حس کردن به‌کار می‌رود، مانعی ندارد. (راهنمای فتاوا، م ۱۱۸).

۷. توضیح المسائل، م ۱۵۷۶.

۳. رساندن غبار غلیظ به حلق

۱. اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛^۱ چه غبار خوراکی‌ها باشد - مانند آرد - یا غیر خوراکی؛ مانند خاک.
۲. در این موارد، روزه باطل نمی‌شود:
 - غبار غلیظ نباشد.
 - به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد).
 - بی‌اختیار به حلق برسد.
 - نمی‌داند روزه است.
 - شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.^۲

۴. فرو بردن تمام سر در آب

۱. اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.
۲. در این موارد روزه باطل نیست:
 - سهواً سر را زیر آب ببرد.
 - قسمتی از سر را زیر آب ببرد.
 - نصف سر را یک‌بار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.
 - بی‌اختیار در آب بیفتد.
 - شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.
 - شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه؟^۳

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: روزه‌دار بنا بر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را - مانند غباری که از جارو کردن زمین خالی برمی‌خیزد - فرو ندهد. همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند. (راهنمای فتاوا، ۱۱۹).

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۶، الثامن؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۸ تا ۱۶۱۸.

۳. توضیح المسائل، م ۱۶۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۳ و ۱۶۱۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۴۸.

۵. قی کردن

۱. هر گاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.^۱
۲. اگر روزه‌دار نداند روزه است یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.^۲

۶. اِسْتِمْنَاء

۱. اگر روزه‌دار «استمناء» کند - یعنی با خود، کاری کند که منی از او بیرون آید - روزه‌اش باطل می‌شود.^۳
۲. اگر بی‌اختیار منی از او بیرون آید - مثلاً در خواب جنب شود - روزه‌اش باطل نیست.^۴

۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم نکند، در برخی موارد روزه‌اش باطل می‌شود؛ اینک برخی از مسائل آن:

۱. اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا چنانچه وظیفه‌اش تیمم است، تیمم نکند:

- در روزه ماه رمضان
- در قضای ماه رمضان
- در بقیه روزه‌ها ← روزه‌اش صحیح است

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.

۲. همان.

۳. همان، م ۱۵۸۱.

۴. همان، م ۱۵۸۹.

۲. اگر غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید:

– در روزه ماه رمضان ← باید آن روزه‌ها را قضا کند.

– در روزه قضای ماه رمضان ← بنا بر احتیاط واجب باید آن روزه‌ها را مجدداً به جا آورد.

– در روزه‌های غیر ماه رمضان و قضای آن – مانند روزه نذر یا کفاره – روزه‌اش صحیح است.^۱

۳. اگر روزه‌دار در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.^۲

۴. اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند برای غسل، قبل از اذان صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.^۳

کارهای مکروه برای روزه‌دار

۱. انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون گرفتن از بدن.

۲. بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).

۳. خیس کردن لباسی که بر تن دارد.

۴. مسواک زدن با چوب تر.^۴

۱. همان، م ۱۶۲۲، ۱۶۳۴ و ۱۶۳۶.

۲. همان، م ۱۶۳۲.

۳. همان، م ۱۶۲۵.

۴. همان، م ۱۶۵۷.

قضا و کفاره روزه

۱. روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری به جای آن روزه بگیرد. روزه‌ای که بعد از وقت به جا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

۲. کفاره روزه^۱

کفاره همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از:
- آزاد کردن یک برده.

- دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز اول آن باید پی‌درپی باشد.

- یک وعده غذا دادن به شصت نفر فقیر یا دادن یک مُدّ طعام به هریک از آنها.

کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد، و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد، و اگر هیچ‌یک از این‌ها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.^۲

۱. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: نسبت به کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است، غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند، و اگر به هیچ وجه قادر بر دادن غذا به فقرا نیست، فقط کافی است که استغفار کند؛ یعنی با دل و زبان بگوید: «استغفرالله» (از خداوند بخشایش می‌خواهم). کسی که به خاطر عدم توانایی بر روزه و غذا دادن به فقیر وظیفه‌اش استغفار است، اگر بعدها تمکن پیدا کرد که روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، ادای کفاره برایش لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب است که انجام بدهد. (راهنمای فتاوا، م ۱۲۵)

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۶۰ و ۱۶۶۱.

در این موارد به‌جا آوردن قضای روزه واجب است، ولی کفاره ندارد:

۱. عمداً قی کند.
 ۲. در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز روزه بگیرد.
 ۳. در ماه رمضان بدون این‌که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری کند که روزه را باطل می‌کند - مثلاً آب بخورد - و بعداً معلوم شود صبح بوده است.
 ۴. کسی بگوید صبح نشده و روزه‌دار به گفته او کاری کند که روزه را باطل می‌کند و بعداً معلوم شود صبح بوده است.
- اگر عمداً روزه ماه رمضان را نگیرد یا آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود.

۳. احکام قضا و کفاره روزه

۱. لازم نیست قضای روزه را فوراً به‌جا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال بعد انجام دهد.^۱
۲. اگر چند ماه رمضان، روزه قضا دارد، هر کدام را اوّل بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است - مثلاً ده روز از ماه رمضان قبل، قضا دارد و ده روز به ماه رمضان مانده است - باید اوّل قضای آن را بگیرد.^۲
۳. انسان نباید در به‌جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.^۳

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۳۳، م ۱۸؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۹۸.

۳. همان، م ۱۶۸۴.

۴. اگر کفّاره بر انسان واجب شود و چند سال بر آن بگذرد و به‌جا نیاورده باشد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.^۱

۵. اگر به سبب عذری - مانند سفر - روزه نگرفته و پس از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا ماه رمضان سال بعد عمداً قضای آن را به‌جا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.^۲

۶. اگر روزه خود را با کار حرامی - مانند استمناء - باطل کند، بنا بر احتیاط واجب^۳ کفّاره جمع لازم می‌شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند، دو ماه روزه بگیرد و به شصت نفر فقیر طعام بدهد؛ اگر هر سه برایش ممکن نیست، هر کدام از آنها را که می‌تواند باید انجام دهد.^۴

۷. اگر به واسطه بیماری نتواند روزه بگیرد و بیماری‌اش تا سال بعد طول بکشد، قضای روزه ساقط می‌شود و باید برای هر یک روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.^۵

مواردی که نه قضا واجب است، نه کفّاره

۱. روزه‌های ایّام کفر برای تازه مسلمان؛ اگر کافری مسلمان شود، قضای روزه‌های گذشته واجب نیست.^۶

۲. کسی که به واسطه پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان هم

۱. همان، م ۱۶۸۵.

۲. همان، م ۱۷۰۵.

۳. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: بنا بر احتیاط مستحب. (راهنمای فتاوا، م ۱۲۸)

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۶۵.

۵. همان، م ۱۷۰۳.

۶. همان، م ۱۶۹۵.

نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد، ولی اگر روزه گرفتن برایش خیلی دشوار است، باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.^۱

۴. روزه قضای پدر و مادر

پس از مرگ پدر،^۲ پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را به‌جا آورد و احتیاط مستحب است که قضای نماز و روزه‌های مادر را هم به‌جا آورد.^۳

روزه مسافر و احکام آن

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد، ولی باید قضای آن را به‌جا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند - مثل کسی که شغل او سفر است - باید در سفر روزه بگیرد.^۴

۱. به سفر رفتن

- قبل از ظهر به مسافرت برود: وقتی به حد ترخص رسید، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.
- بعد از ظهر به مسافرت برود: روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.

۲. از سفر برگشتن

- قبل از ظهر به وطن یا جایی برسد که بنا دارد ده روز بماند.
کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید روزه آن روز را تمام کند و صحیح است.

۱. همان، م ۱۷۲۵ و ۱۷۲۶.

۲. آیه‌الله‌العظمی خامنه‌ای: پدر یا مادر. (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۱۶، س ۵۳۹)

۳. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۷ م ۱۶؛ توضیح المسائل، م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰.

۴. توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.

روزه را باطل کرده است:

روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را به جا آورد.

- بعد از ظهر برسد

روزه اش باطل است و باید قضای آن را به جا آورد.^۱

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد،

مکروه است.^۲

۱. همان، م ۱۷۱۴، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۱۴.

۲. همان، م ۱۷۱۵.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۲

اعتکاف

یکی از کارهای مستحب «اعتکاف» است که عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت خداوند با شرایطی که خواهد آمد.^۱

شرایط اعتکاف

اعتکاف با شرایط زیر صحیح است و با نبود یکی از آنها باطل است:

۱. مُعتکف بالغ و عاقل باشد؛
 ۲. به قصد قربت و اخلاص معتکف شود؛
 ۳. مدت اعتکاف از سه روز کم تر نباشد؛
 ۴. در مسجد معتکف شود؛
 ۵. از مسجد خارج نشود؛
 ۶. در مدت اعتکاف، روزها را روزه بگیرد؛
 ۷. برای اعتکاف اجازه بگیرد.^۲
- تفصیل این شرایط خواهد آمد.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمة فی الاعتکاف، ص ۳۰۴.

۲. همان، القول فی شروطه.

نیت اعتکاف

۱. اعتکاف مانند سایر عبادت‌ها باید با نیت و قصد قربت باشد و ریا و خودنمایی و قصد غیرالهی آن را باطل می‌کند.^۱
۲. انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا دیگری به‌جا آورد. به قسم دوم «اعتکاف نیابتی» گفته می‌شود.^۲
۳. اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود به‌جا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند.^۳

مدت اعتکاف

۱. مدت اعتکاف حداقل سه روز است (کم‌تر از آن صحیح نیست) ولی بیش از آن محدودیتی ندارد. حال اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم نیز واجب است بماند، بلکه به احتیاط واجب، هر گاه دو روز اضافه کرد، روز سومش هم باید بماند؛ پس اگر هشت روز معتکف شد، ماندن روز نهم نیز بنا بر احتیاط واجب لازم است.^۴
۲. این سه روز، از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است. بنابراین، اگر بعد از طلوع فجر، گرچه دقیقه‌ای با تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی‌آید.^۵

۱. همان.

۲. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف.

۳. همان.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، خاتمه فی الاعتکاف، القول فی شروطه، الرابع، ص ۳۰۵.

۵. همان.

۳. سه روز اعتکاف با شب‌های آن محاسبه می‌شود که حداقل سه روز و دو شب در وسط است. بنابر این نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود.^۱

۴. رها کردن اعتکاف مستحب و نذر غیرمعین در روزهای اول و دوم اشکال ندارد، ولی اگر تا مغرب روز دوم ماند، واجب است روز سوم نیز بماند.^۲

زمان اعتکاف

در طول سال، هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد، اعتکاف صحیح است، اما بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان به‌ویژه دهه آخر آن است.^۳

مکان اعتکاف

۱. اعتکاف در یکی از این مساجد صحیح است:
مسجدالحرام، مسجد النبی ﷺ، مسجد کوفه و مسجد بصره.
در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، به قصد رجاء اشکالی ندارد و در سایر مساجد جایز نیست.^{۴ و ۵}
۲. مسجد جامع مسجدی است که برای اجتماع همه اهل شهر ساخته شده است، بی‌آن‌که به گروه و قشر خاصی اختصاص داشته باشد.^۶

۱. همان، ص ۳۰۶، م ۴.

۲. همان، ص ۳۰۶، م ۳.

۳. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، الخامس، ص ۳۰۵.

۵. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: اعتکاف در مسجد جامع مانعی ندارد و در مسجد غیر جامع رجاء اشکالی ندارد. (راهنمای فتاوا، م ۱۳۷)

۶. رساله اجوبه الاستفتائات، ص ۸۷، س ۴۰۱.

۳. اگر در یک شهر دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد، می‌تواند به قصد رجاء معتکف شود.^۱
۴. اگر کسی در خانه خود، تکیه، حسینیه، حرم و حتی مسجد غیر جامع معتکف شود، صحیح نیست.^۲
۵. اعتکاف باید در یک مسجد باشد؛ اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند، صحیح نیست.^۳
۶. اگر در مسجدی معتکف شود، بعد مانعی از ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل می‌شود.^۴

بیرون رفتن از مسجد

۱. معتکف نباید از مسجد خارج شود، مگر در موارد زیر:
 - برای گواهی دادن.
 - برای تشییع جنازه، در صورتی که میّت طوری به معتکف وابستگی داشته باشد که شرکت در تشییع جنازه او از ضرورت‌های عرفی او به حساب آید.
 - برای سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی، ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.^۵

۱. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرایط الاعتکاف، السادس.

۲. همان.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۷، م ۶.

۴. همان، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، السابع، ص ۳۰۶.

۵. همان، ص ۳۰۷، م ۹.

۲. اگر معتکف جنب شود، واجب است برای غسل از مسجد بیرون برود و اگر بیرون نرود، اعتکاف باطل می‌شود.^۱
۳. اگر معتکف به جهتی از مسجد بیرون رفت، این موارد را باید مراعات کند:
 - بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.
 - در صورت امکان زیر سایه ننشیند، بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت.
 - بنابر احتیاط واجب نزدیک‌ترین راه را انتخاب کند.^۲
۴. اگر معتکف به جهت ضرورتی از مسجد بیرون رود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف باطل است.^۳
۵. اگر به سبب فراموشی از مسجد بیرون رود، اعتکافش باطل نمی‌شود، ولی باید فوراً به مسجد برگردد.^۴

روزه اعتکاف

۱. انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد. بنابراین، کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد - مانند مسافر، بیمار و زن حائض یا نفساء - و کسی که عمداً روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست.^۵
۲. اعتکاف در روز عید فطر و قربان و دو روز قبل از عید - به طوری که روز سوم آن عید باشد - صحیح نیست.^۶

۱. همان، ص ۶۰۸، م ۱۰.

۲. همان، ص ۳۰۷، م ۹.

۳. همان، ص ۳۰۸، م ۱۲.

۴. همان، السابع.

۵. همان، الثالث، ص ۳۰۵.

۶. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرائط الاعتکاف، الرابع.

۳. لازم نیست روزه مخصوص اعتکاف باشد، بلکه هر روزه‌ای صحیح است؛ مثلاً در ایام اعتکاف می‌تواند روزه قضا یا نذر یا استیجاری بگیرد.^۱
۴. انسان می‌تواند نذر کند در سفر روزه بگیرد و در این صورت اعتکافش، هر چند مسافر باشد، صحیح است.^۲

اجازه اعتکاف

- افراد ذیل (با توضیحی که خواهد آمد) بدون اجازه نمی‌توانند معتکف شوند:
- زن بدون اجازه شوهرش.
 - فرزند بدون اجازه والدین.
 - کسی که در استخدام دیگری باشد.

توضیح

۱. اگر اعتکاف زن موجب از بین رفتن حق شوهر شود، بنابر احتیاط واجب باید از او اجازه بگیرد.
۲. اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت والدین باشد، باید از آنها اجازه بگیرد. (در صورت عدم اذیت و آزار آنها احتیاط مستحب در اجازه گرفتن است.)
۳. کسی که در استخدام دیگری است - مانند برخی کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد استخدامی و کاری به گونه‌ای است که منفعت مدت اعتکاف را نیز دربرمی‌گیرد و اعتکاف با عمل به اجاره (و استخدام) منافات دارد - باید از صاحب کار اجازه بگیرد.^۳

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، الثالث، ص ۳۰۵.

۲. همان.

۳. همان، السادس.

محرّمات اعتکاف

انسان در حال اعتکاف باید از این کارها پرهیز کند:

- بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات - حتی گیاهان خوشبو - همراه با لذّت.
- خرید و فروش.

بنابر احتیاط واجب

- سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها.
- جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.
- امور جنسی و شهوت‌آمیز؛ مانند بوسه، لمس و آمیزش.
- استمناء (بنابر احتیاط واجب).^۱

مبطلات اعتکاف

۱. اگر معتکف روزه خود را باطل کند، اعتکافش باطل می‌شود.^۲
۲. آمیزش جنسی، هر چند سهواً باشد، اعتکاف را باطل می‌کند.^۳
۳. اگر معتکف از روی شهوت، دیگری را ببوسد یا بدن او را لمس کند و یا یکی دیگر از محرّمات اعتکاف را عمداً یا سهواً مرتکب شود، احتیاط واجب آن است که اعتکاف را به پایان برساند و چنانچه اعتکاف واجب شده باشد - مثلاً نذر کرده باشد یا روز سوم اعتکاف باشد - مجدداً باید به‌جا آورد.^۴

۱. همان، القول فی احکام الاعتکاف، ص ۳۰۹.

۲. همان، م ۲.

۳. همان.

۴. همان.

پرسش

۱. روزه گرفتن در این ایام چه حکمی دارد؟
- دهم محرم، دهم ذی حجه، نهم ذی حجه، اوّل فروردین، اوّل شوال
۲. اگر شخصی پس از اذان صبح از خواب بیدار شود، آیا می‌تواند نیت روزه کند؟
۳. خلال کردن و مسواک زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟
۴. شخصی در حال نوشیدن آب یادش می‌آید که روزه است؛ تکلیفش چیست و روزه‌اش چه حکمی دارد؟
۵. سیگار کشیدن جزو کدام یک از مبطلات روزه است؟
۶. شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟
۷. فرق قضا و کفاره روزه چیست؟
۸. اگر در روزه مستحب تا اذان صبح غسل نکرده باشد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
۹. اگر انسان زمانی از خواب بیدار شود که برای غسل جنابت فرصت ندارد، تکلیفش چیست؟
۱۰. عطرزدن در حال روزه چه حکمی دارد؟
۱۱. اگر ساعت عقب مانده باشد و انسان طبق آن سحری بخورد و بعد متوجه شود که پس از اذان صبح غذا خورده، تکلیفش نسبت به قضا و کفاره چیست؟
۱۲. وقت قضای روزه ماه رمضان تا چه زمانی است؟
۱۳. وقت کفاره روزه تا چه زمانی است؟
۱۴. تکلیف کسی که تا ماه رمضان سال بعد قضای روزه‌ها را نگیرد، چیست؟
۱۵. تکلیف پیرمردی که نمی‌تواند روزه بگیرد چیست؟
۱۶. اگر پسر اوّل از دنیا رفته باشد، قضای روزه‌های پدر بر عهده چه کسی است؟

۱۷. چه کسانی در ماه رمضان در سفر نیز باید روزه بگیرند؟

۱۸. آیا در حال اعتکاف برای شرکت در نماز جمعه می‌توان از مسجد خارج شد؟

۱۹. اعتکاف فرزند بدون اجازه پدر چه حکمی دارد؟

۲۰. در چه صورتی می‌توان اعتکاف را قطع کرد؟

۲۱. در چه صورتی مسافر می‌تواند معتکف شود؟

۲۲. کدامیک از محرمات اعتکاف قبل از اعتکاف جایز است؟

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

بخش هشتم

زکات و خمس

امر به معروف و نهی از منکر

جهاد و دفاع

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۱

زکات

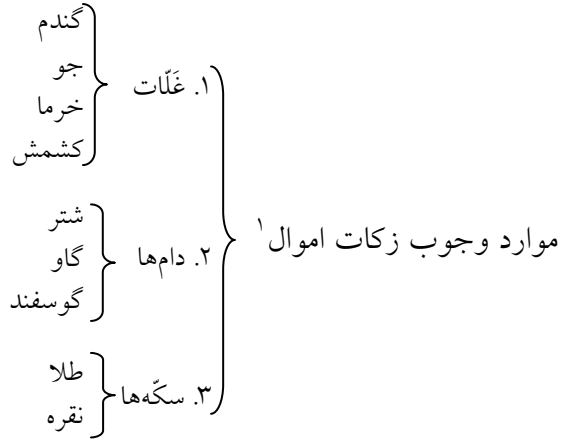
یکی از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان پرداخت «زکات» است. از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید پس از نماز آمده و نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است.^۱

در روایات متعددی از معصومین علیهم السلام آمده است: «کسی که از پرداخت زکات خودداری کند، از دین خارج است».

زکات موارد معینی دارد. یک قسم از آن مالیات بدن و حیات است (زکات فطره) که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می شود و تنها بر کسانی واجب است که قدرت پرداخت آن را دارند.

قسم دیگر، زکات اموال است که موارد معینی دارد و می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. مانند آیات ۱۷۷ بقره، ۴ مؤمنون، ۱۱ توبه، ۷۸ حج و بسیاری دیگر.



حدّ نصاب

زکات این اشیا در صورتی که به مقدار مشخصی برسد واجب می‌شود. به این مقدار «حدّ نصاب» می‌گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده یا تعداد دام از حدّ نصاب کم‌تر باشد، زکات ندارد.

نصاب غلّات

تمام غلات چهارگانه یک نصاب دارد که حدود ۸۵۰ کیلوگرم است.^۲ اگر محصول به دست آمده از این مقدار کم‌تر باشد، زکات ندارد.^۳

مقدار زکات غلّات

چنانچه یکی از این محصول‌ها به حدّ نصاب برسد، باید مقداری از آن به عنوان زکات پرداخت شود، ولی مقدار زکات غلّات بستگی به چگونگی آبیاری

۱. توضیح المسائل، م ۱۸۵۳.

۲. نصاب غلات به طور دقیق ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم است.

۳. توضیح المسائل، م ۱۸۶۴.

آنها دارد و از این نظر می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

- زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می‌شود یا دیمی باشد یک دهم است.

- زکات محصولی که با دلو یا موتور پمپ آبیاری می‌شود یک بیستم است.

- محصولی که به هر دو طریق - هم از آب باران یا رودخانه و هم آب دستی

- آبیاری شده زکات نصف آن یک دهم و نصف دیگر یک بیستم می‌باشد.^۱

نصاب دامها و مقدار زکات آن

گوسفند

اولین نصاب گوسفند، چهل رأس است که زکات آن یک گوسفند می‌باشد.

گوسفند تا به چهل نرسد، زکات ندارد و نصاب‌های بعدی آن بدین شرح است:

مقدار زکات	نصاب	ردیف
۲ گوسفند	۱۲۱ گوسفند	۱
۳ گوسفند	۲۰۱ گوسفند	۲
بنابر احتیاط واجب، ۴ گوسفند	۳۰۱ گوسفند	۳
هر ۱۰۰ تای آن ۱ گوسفند	۴۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	۴

اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرد، ولی به نصاب بعدی نرسد، زکات

نصاب پایین را باید پردازد؛ مثلاً کسی که ۱۱۵ گوسفند داشته باشد، زکات آن

یک گوسفند است.^۲

۱. همان، م ۱۸۷۵ تا ۱۸۷۹.

۲. همان، م ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴.

گاو

اولین نصاب گاو، سی رأس است و زکات آن یک گوساله که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد. نصاب بعدی آن چهل و زکات آن گوساله ماده‌ای است که وارد سال سوم شده باشد. در بیشتر از چهل، تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آن که به شصت رسید باید دو گوساله بدهد. و بیشتر از شصت، باید با عدد سی یا چهل یا هر دو حساب کرد، ولی باید طوری حساب شود که چیزی باقی نماند یا اگر چیزی باقی می‌ماند، از نه تا بیشتر نباشد.^۱

شتر

شتر دوازده نصاب دارد، بدین شرح:

ردیف	نصاب	مقدار زکات
۱	۵ شتر	۱ گوسفند
۲	۱۰ شتر	۲ گوسفند
۳	۱۵ شتر	۳ گوسفند
۴	۲۰ شتر	۴ گوسفند
۵	۲۵ شتر	۵ گوسفند
۶	۲۶ شتر	۱ شتر که وارد سال دوم شده باشد.
۷	۳۶ شتر	۱ شتر که وارد سال سوم شده باشد.
۸	۴۶ شتر	۱ شتر که وارد سال چهارم شده باشد.
۹	۶۱ شتر	۱ شتر که وارد سال پنجم شده باشد.
۱۰	۷۶ شتر	۲ شتر که وارد سال سوم شده باشند.
۱۱	۹۱ شتر	۲ شتر که وارد سال چهارم شده باشند.
۱۲	۱۲۱ شتر و بیشتر از آن	برای هر ۴۰ شتر، ۱ شتر که وارد سال سوم شده باشد. ^۲

۱. همان، م ۱۹۱۲.

۲. همان، م ۱۹۱۰.

نصاب طلا و نقره

نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و زکات هر دو یک چهلیم می‌باشد.^۱

احکام زکات

۱. آنچه برای گندم، جو، خرما و انگور خرج کرده است - مانند قیمت بذر، مزد کارگر و مزد تراکتور - می‌تواند از حاصل کسر کند، ولی مقدار نصاب، قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می‌شود و اگر قبل از کسر آن به حد نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است، ولی زکات باقی‌مانده را می‌پردازد.^۲

۲. زکات دام‌ها با این شرایط واجب می‌شود:

- یک سال مالک آنها باشد. بنابراین اگر مثلاً ۱۰۰ رأس گاو را خریداری کند و پس از ۹ ماه بفروشد، زکات واجب نیست.^۳

- حیوان در تمام سال بی‌کار باشد. بنابراین گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می‌شود، زکات ندارد.^۴

- حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.^۵

۳. زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه‌ای باشد که

۱. همان، م ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷.

۲. همان، م ۱۸۸۰.

۳. همان، م ۱۸۵۶.

۴. همان، م ۱۹۰۸.

۵. همان.

معامله با آن رواج دارد. بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد، اگر چه رواج داشته باشد.^۱

مصرف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:

۱. فقیران.
۲. مسکینان (آنان که به کلی درمانده و بینوایند).
۳. کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب او مأمور جمع‌آوری، نگاه‌داری و توزیع زکات است (عاملین).
۴. برای الفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیر مسلمانانی که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام می‌گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند (مؤلفه قلوبهم).
۵. خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنان (فی الرقاب).
۶. بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد (غارمین).
۷. در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد (فی سبیل الله).
۸. مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد (ابن السبیل).^۲

۱. همان، م ۱۸۹۹.

۲. همان، م ۱۹۲۵.

احکام مصرف زکات

۱. فقیری که زکات را دریافت می‌کند باید دارای این شرایط باشد:
- شیعه دوازده امامی باشد.

- نفقه او بر زکات دهنده واجب نباشد؛ مانند همسر و فرزند.

- اگر زکات دهنده سید نیست، زکات گیرنده نیز سید نباشد.

- زکات را در معصیت مصرف نکند.

- (بنابر احتیاط واجب) آشکارا معصیت کبیره نکند.^۱

۲. به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد، می‌توان زکات داد.^۲

۳. اگر پسر به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آن کتاب‌ها به او زکات بدهد.^۳

۴. کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم واجب یا مستحب باشد، می‌توان به او زکات داد و اگر واجب یا مستحب نباشد، دادن زکات به او اشکال دارد.^۴

۵. پدر می‌تواند به پسرش زکات بدهد تا برای خود زن بگیرد.^۵

۶. به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می‌توان زکات داد.^۶

۱. همان، م ۱۹۴۲، ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶.

۲. همان، م ۱۹۴۷.

۳. همان، م ۱۹۵۰.

۴. همان، م ۱۹۹۰.

۵. همان، م ۱۹۵۱.

۶. همان، م ۱۹۵۶.

۷. پرداخت زکات از عبادات است و باید آنرا به قصد قربت (اطاعت دستور خداوند) بپردازد و در نیت مشخص کند که زکات مال است یا زکات فطره.^۱

۸. وقت پرداخت زکات:

- طلا و نقره و دامها: پس از تمام شدن یک سال
 - گندم و جو: هنگامی که آنرا از کاه جدا می‌کنند
 - خرما و انگور: موقع خشک شدن

پس از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به کسی که می‌شود زکات داد دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را تأخیر نیندازد.^۲

۹. اگر زکات قبل از پرداخت تلف شود:

الف) پرداخت آن ممکن نبوده است:

ضامن نیست و پرداختن عوض آن واجب نمی‌باشد.

ب) پرداخت آن ممکن بوده است:

۱. در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی نکرده است: ضامن نیست.

۲. در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی کرده است: ضامن است.^۳

۱۰. اگر زکات را از مال خود کنار بگذارد، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن)، می‌تواند در تمام آن مال تصرف کند.^۴

۱. همان، م ۱۹۵۷.

۲. توضیح المسائل، م ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲.

۳. همان، م ۱۹۶۵.

۴. همان.

۱۱. انسان نمی‌تواند زکاتی را که کنار گذاشته، برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.^۱

مستحبات پرداخت زکات

۱. خویشان خود را بر دیگران
- و اهل علم و کمال را بر غیر آنان
- و کسانی را که گدایی نمی‌کنند، بر گدایان مقدم دارد.
۲. زکات دام‌ها را به فقیرهای آبرومند بدهد.
۳. زکات را آشکارا و صدقه مستحبی را پنهانی پردازد.^۲

زکات فطره

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان (شب عید فطر) افرادی که دارای شرایطی باشند، باید زکاتی پردازند که مقدار و موارد آن خواهد آمد. این زکات به نام «زکات فطره» خوانده می‌شود. فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد، زکات فطره بر او واجب است:

۱. بالغ باشد.
۲. عاقل باشد.
۳. بنده کسی نباشد.
۴. فقیر نباشد.
۵. نان‌خور دیگران نباشد.^۳

۱. همان، م ۱۹۶۶.

۲. همان، م ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴.

۳. همان، م ۱۹۹۱.

فردی که دارای شرایط فوق باشد باید زکات خود و کسانی را که در مغرب شب عید فطر نان خور او هستند بپردازد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر؛ یعنی حتی اگر فرزند او - که نان خور اوست - به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد. همچنین مهمانی که با رضایت او پیش از غروب شب عید فطر وارد خانه‌اش شده است، باید زکات او را بدهد.^۱

مقدار زکات فطره: هر نفر یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است.^۲

جنس زکات فطره: گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند این‌ها.^۳

وقت وجوب آن: شب عید فطر.^۴

وقت پرداخت آن: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر است که در روز

عید بدهد و اگر نماز عید می‌خواند، بنابر احتیاط واجب قبل از آن بپردازد.^۵

مصرف زکات فطره: همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب

است که فقط به فقراي مؤمن و اطفال آنها و مساکین بدهد.^۶

احکام زکات فطره

۱. کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که

۱. همان، م ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵.

۲. همان، م ۱۹۹۱.

۳. همان.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸.

۵. همان؛ توضیح المسائل، م ۲۰۲۹.

۶. توضیح المسائل، م ۲۰۱۴.

بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.^۱

۲. فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحب‌خانه وارد می‌شود، در صورتی که نان‌خور او حساب شود، واجب است. همچنین فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند تا خرج او را بدهد.^۲

۳. فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، بر صاحب‌خانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.^۳

۴. کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.^۴

۱. همان، م ۱۹۹۲.

۲. همان، م ۱۹۹۶.

۳. همان، م ۱۹۹۷.

۴. همان، م ۲۰۰۵.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۲

خمس

یکی از تکالیف اقتصادی مسلمانان پرداختن «خمس» است؛ بدین معنا که در برخی موارد باید یک پنجم مال خود را برای مصارفی مشخص به حاکم اسلامی بپردازند.

موارد وجوب خمس

۱. آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب).
۲. معدن.
۳. گنج.
۴. غنایم جنگی.
۵. جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست آید.
۶. مال حلال مخلوط به حرام.
۷. زمینی که کافر ذمی^۱ از مسلمانی بخرد.^۲

۱. ذمه = عهد و پیمان. غیر مسلمانانی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان پیمان بسته‌اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در عوض، جان و مال آنها در امان باشد، کفار ذمی هستند.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۵۱.

پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفت‌گانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند. از این رو آشنایی با مسائل و موارد آن در حدّ نیاز لازم است. ما در این نوشته به مسائل یکی از موارد هفت‌گانه خمس می‌پردازیم که اکثر افراد جامعه را دربرمی‌گیرد و آن «خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید». برای روشن شدن این مسئله باید به پاسخ دو سؤال بپردازیم:

۱. مراد از خرج سال چیست؟
۲. یک‌سال با ماه‌های قمری محاسبه می‌شود یا شمسی و آغاز آن چه وقت است؟

مخارج سال

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است. بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس بر او واجب نیست، ولی پس از آن‌که به طور متعارف و در حدّ نیاز خود زندگی را گذراند - بدون آن‌که در مصرف، زیاده‌روی کرده و یا بر خود تنگ گرفته باشد - اگر در پایان چیزی اضافه آمد، یک پنجم آن‌چه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بپردازد. پس مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده‌اش بدان نیاز دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- خوراک و پوشاک.

- اثاث منزل؛ مانند ظروف و فرش.

- وسیله نقلیه‌ای که تنها برای کسب و کار نیست.

- مخارج میهمانی.
- مخارج ازدواج.
- کتاب‌های مورد نیاز.
- آنچه در راه زیارت مصرف می‌کند.
- جوایز و هدایایی که به کسی می‌دهد.
- صدقه و نذر یا کفاره‌ای که می‌پردازد.^۱

سال خمسی

انسان از اوّلین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اوّلین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یک‌سال از اوّلین درآمدی که به دست آورده است، خمس مازاد بر مخارج سال گذشته را بپردازد. بنابراین، در محاسبه خمس، ابتدای سال، اوّلین درآمد و پایان آن، گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است.

پس ابتدای سال برای:

- کشاورز ← اوّلین محصولی است که برداشت می‌کند.
- کارمند ← اوّلین حقوقی است که دریافت می‌کند.
- کارگر ← اولین مزدی که می‌گیرد.
- مغازه‌دار ← اوّلین معامله‌ای که انجام می‌دهد.^۲

اموالی که خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد

۱. ارث.
۲. چیزی که به انسان بخشیده‌اند.

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. همان، ص ۳۹۴، م ۶.

۳. جایزه‌هایی که دریافت کرده است.

۴. آنچه به عنوان عیدی به انسان داده‌اند.

۵. مالی که به عنوان خمس، زکات یا صدقه به کسی داده‌اند.^۱

پیامدهای ندادن خمس

۱. انسان تا خمس مال خود را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی را که در آن خمس باشد، نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد.^۲

۲. اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است.^۳

۳. اگر بخواهد پول خمس نداده را به صاحب حمام بدهد و در حمام غسل کند، غسل او باطل است.^۴

۴. اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد، نماز خواندن در آن خانه باطل است.^۵

احکام خمس

۱. اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.^۶

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۸۹؛ السایع، ص ۳۹۰، م ۵۱.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۹۰.

۳. همان، م ۱۷۶۰.

۴. همان، م ۳۸۳.

۵. همان، م ۸۷۳.

۶. همان، م ۱۷۵۶.

۲. اگر نیازش به اثانی که برای منزل خریده برطرف شود، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد؛^۱ مثل آن که یخچال بزرگ تری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.^۲

۳. آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده است — مانند برنج، روغن و چای — اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.^۳

۴. اگر کودک غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، بنابر احتیاط واجب باید پس از بلوغ خمس آن را بدهد.^۴

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را (که سهم امام زمان علیه السلام است) به مجتهد جامع الشرائطی که از او تقلید می‌کند یا نماینده او می‌پردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع الشرائط بدهد و یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.^۵

شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

— فقیر باشد یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد.

— شیعه دوازده امامی باشد.

۱. آیه الله العظمی خامنه‌ای: پول حاصل از فروش چیزی که مؤونه بوده، خمس ندارد. (اجوبه

الاستفتائات، ص ۱۹۹، س ۸۸۹).

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۸۱.

۳. همان، م ۱۷۸۰.

۴. همان، م ۱۷۹۴.

۵. همان، م ۱۸۳۴.

- آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک به گناه او نباشد.

- از افرادی که مخارج آنان برعهده اوست - مانند همسر و فرزند - نباشد (بنابر احتیاط واجب).^۱

امر به معروف و نهی از منکر

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می‌پذیرد و کارهای نیک و پسندیده‌ای که ترک می‌شود، مسئولیت دارد. بنابراین اگر کار واجبی ترک شود یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و همه افراد جامعه باید برای برپایی «واجب» و جلوگیری از «حرام» اقدام کنند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام آمده است:

- امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین واجبات و شریف‌ترین آنهاست.
- واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردد.
- امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات دین است و کسی که مُنکر آن شود، کافر است.
- اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، برکت گرفته می‌شود و دعاها مستجاب نمی‌شود.

تعریف معروف و منکر

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرّمات و مکروهات «مُنکر» گفته می‌شود. بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.

امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر به قدر کفایت برای عمل به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر همه آن را ترک کنند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.^۱

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با این شرایط، واجب می‌شود و در صورت نبود آنها تکلیف ساقط است:

۱. کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه دیگری انجام می‌دهد، حرام است و آنچه ترک کرده، واجب است. پس هر کس که نمی‌داند این عمل که فرد دیگر انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری از او واجب نیست.

۲. احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد. اگر می‌داند تأثیر ندارد، امر و نهی واجب نیست.

۳. شخص گناه‌کار بر ادامه کار خود اصرار داشته باشد. پس اگر معلوم شود بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند و یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۶۳، ۲م.

۴. امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا زیان مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهان و یا سایر مؤمنان نشود.^۱

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین تر مقصود حاصل می شود، اقدام به مرتبه بعدی جایز نیست:

اول: با معصیت کار طوری رفتار شود که بفهمد به سبب انجام دادن آن گناه، با او این گونه برخورد می شود؛ مثل این که از او روبرگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند و یا با او رفت و آمد نکند.

دوم: امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است، دستور دهد که واجب را به جا آورد و به گناه کار دستور دهد که گناه را ترک کند.

سوم: استفاده از زور برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناه کار.^۲

۱. همان، ص ۴۶۵، ص ۴۷۲، م ۱.

۲. آیه الله العظمی خامنه ای: با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد - به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست - واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتوای امام راحل علیه السلام در این رابطه ندارد، ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند. (اجوبه الاستفتائات، ج ۱، ص ۲۴۹، س ۱۰۶۴)

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۷۶.

احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱. فرا گرفتن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است تا در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.^۱
۲. اگر انسان بداند امر و نهی، بدون تقاضا و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است امر و نهی را با نصیحت و موعظه و تقاضا همراه کند، و اگر بداند که درخواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، واجب است همین‌گونه عمل کند.^۲
۳. اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهیش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.^۳
۴. مقصود از اصرار بر گناه، مداومت بر انجام کار نیست، بلکه ارتکاب آن عمل است، هر چند یک‌بار دیگر باشد. پس اگر یک‌بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است.^۴
۵. در امر به معروف و نهی از منکر مجروح کردن و کشتن معصیت‌کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست، مگر منکر از مواردی باشد که در اسلام اهمیت بسیاری دارد؛ مثل این‌که شخصی بخواهد انسان بی‌گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد.^۵

۱. همان، م ۸.

۲. همان، ص ۴۶۷، م ۳.

۳. همان، ص ۴۶۸، م ۵.

۴. همان، ص ۴۷۰، م ۴.

۵. همان، ص ۴۸۱، م ۱۱ و ۱۲.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است کسی که به معروف امر می‌کند و از منکر جلوگیری می‌نماید:

- مانند طبیعی دلسوز و پدری مهربان باشد.

- قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خدا اقدام کند و اقدام خود را

از هرگونه برتری‌جویی پاک کند.

- خود را پاک و منزّه نداند؛ چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او

سرزده است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هر چند

این عمل او هم‌اکنون ناپسند و مورد غضب خداست.^۱

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

جهاد و دفاع

با طلوع خورشید اسلام، تمام مذاهب و مکاتب، باطل و غیر قابل قبول است. در مرحله اول، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جانشینان وی برنامه‌های نجات‌بخش اسلام را برای مردم بازگو کرده و آنان را به پذیرش این آیین دعوت کرده‌اند. تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن سر باز زده‌اند «جهاد» نام دارد و دارای تاکتیک‌ها و شیوه‌های به‌خصوصی است که تنها به دست پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جانشینان وی - که از هرگونه لغزش و اشتباه در امانند - عملی می‌شود. جهاد به زمان حضور معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام اختصاص دارد و در زمان ما - که عصر غیبت امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است - واجب نیست. اما شکل دیگر مبارزه با دشمنان که «دفاع» نام دارد، حقّ مسلّم همه مسلمانان است که در هر زمان و هر جای عالم که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند یا آیین و مذهبشان به خطر افتاد، برای حفظ جان و حراست از آیین خود با دشمن بجنگند. در این درس، با اقسام و احکام این واجب الهی آشنا می‌شویم.

اقسام دفاع

۱. دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی
 ۲. دفاع از جان و حقوق شخصی^۱

دفاع از اسلام و کشور اسلامی

- اگر دشمن به کشورهای اسلامی هجوم آورد؛
 - یا نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد؛
 - یا برنامه سلطه سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد؛
- بر همه مسلمانان واجب است به هر شکل که می‌توانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه‌های آنان مقابله کنند.

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱. جان و مال مسلمان محترم است و چنانچه کسی به انسان حمله کند یا به افراد وابسته به او - مانند فرزند، پدر، مادر و برادر - تعرض نماید، دفاع و جلوگیری از او واجب است، هر چند منجر به قتل مهاجم شود.^۲
۲. اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان بیاید، دفاع و جلوگیری از او واجب است.^۳
۳. اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری از او واجب است، هر چند با زدن او باشد.^۴

۱. همان، ص ۴۸۵.

۲. همان، ص ۴۸۷ و ۴۸۸.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۹۲، م ۳۰.

آموزش فنون نظامی

در این زمان که مسائل نظامی پیشرفت بسیاری کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهز شده‌اند، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی بدون فراگیری فنون نظامی ممکن نیست. از آنجا که دفاع بدون آموزش نظامی ممکن نیست، بر تمام افراد دارای قدرت یادگیری - که احتمال می‌رود به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام و کشور اسلامی نیاز باشد - آموزش نظامی واجب است.^۱

پرسش

۱. چه نوع جواهری خمس دارد؟
۲. توضیح دهید که منفعت کسب چیست؟
۳. ابتدای سال خمس چه وقت است؟
۴. چیزی که به عنوان چشم روشنی برای انسان می آورند، خمس دارد یا نه؟
۵. کودکانی که به کسب و کار مشغولند و پس انداز می کنند، خمس بر آنها واجب است یا نه؟
۶. مصرف خمس در چه مواردی است؟
۷. کدام یک از محصولات درختی زکات دارد؟
۸. مقصود از نصاب در باب زکات چیست؟
۹. آیا نصاب، قبل از کم کردن مخارج محاسبه می شود یا بعد از آن؟
۱۰. محاسبه کنید زکات ۱۸ سکه طلا که هر یک ده مثقال وزن دارد، چقدر است؟
۱۱. زکات گندمی که آب آن به وسیله موتور پمپ از رودخانه کشیده می شود، یک دهم است یا یک بیستم؟
۱۲. شخصی اول اردیبهشت ۲۵ رأس گوسفند خریداری می کند و اول مهرماه همان سال هم ۲۰ رأس دیگر می خرد؛ زمان پرداخت زکات این گوسفندان چه وقت است؟
۱۳. چند سهم از زکات برای غیرمسلمانان صرف می شود؟
۱۴. برای مصرف «فی سبیل الله» ده مثال بزنید.
۱۵. زکات فطره یک خانواده پنج نفره چقدر است؟
۱۶. برای هر یک از معروف و منکر پنج مثال بزنید.

۱۷. در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست؟

۱۸. اگر انسان ببیند نمازگزار با لباس نجس نماز می‌خواند، آیا واجب است به او بگوید؟ چرا؟

۱۹. آیا خرید از مغازه‌ای که صاحب آن نماز نمی‌خواند، جایز است؟

۲۰. تفاوت «جهاد» و «دفاع» چیست؟ توضیح دهید.

۲۱. اقسام دفاع را نام ببرید و برای هر یک مثال بزنید.

۲۲. در چه صورتی مقابله با سارق واجب است؟

۲۳. آموزش رزمی بر چه کسانی واجب است؟

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

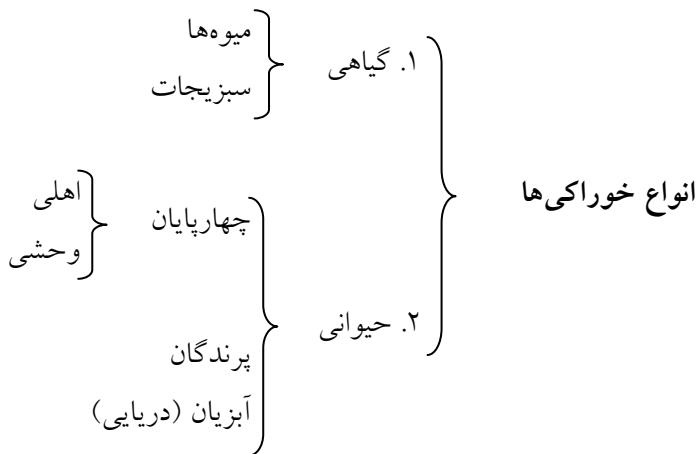
بخش نهم

خوردن و آشامیدن،
نگاه کردن و ازدواج

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

خوردن و آشامیدن

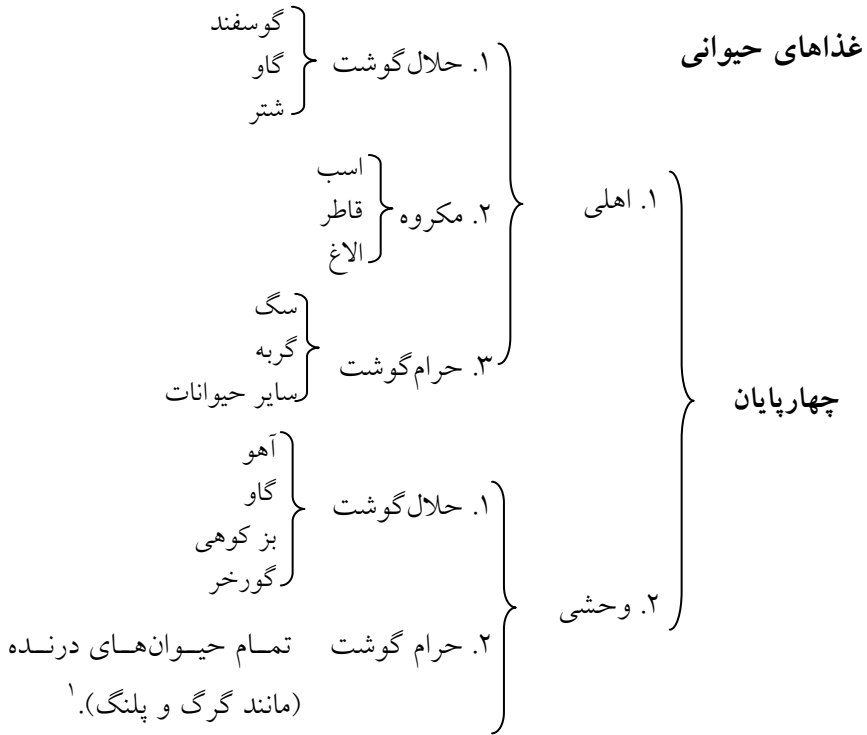
خداوند بزرگ، طبیعت زیبا و حیوانات و خوراکی‌ها و میوه‌ها را در اختیار انسان‌ها قرار داده است تا از آنها برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود استفاده کنند. برای حفظ جان انسان‌ها و سلامت جسم و روحشان و بقای نسل و احترام به حقوق دیگران نیز قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این بخش به بعضی از این موارد در رابطه با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌پردازیم:



احکام خوراکی‌ها

غذاهای گیاهی

تمام میوه‌ها و سبزیجات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.



۱. تمام حیوانات درنده حرام گوشتند، هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند؛ مانند روباه.

۲. خوردن گوشت خرگوش حرام است.

۳. انواع حشرات به جز ملخ حرامند.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۶، م ۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۲۲.

پرندگان

این دسته از پرندگان حلال گوشتند:

- همه اقسام کبوترها (قمری هم نوعی کبوتر است).

- همه اقسام گنجشک‌ها (بلبل هم نوعی گنجشک است).

- مرغ و خروس

این دسته از پرندگان حرام گوشتند:

- خفاش.

- طاووس.

- کلاغ (زاغ هم نوعی کلاغ است).

- همه پرندگان چنگال‌دار؛ مانند عقاب.^۱

۱. خوردن گوشت پرستو و هُدُهد مکروه است.^۲

۲. تخم مرغ خانگی و سایر پرندگان حلال گوشت حلال و تخم پرندگان

حرام گوشت حرام است.^۳

آبزیان

از حیوان‌های دریایی، تنها ماهی‌های پولک‌دار و میگو حلال گوشتند.^۴

مسئله

۱. خوردن گِل حرام است.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، م ۶.

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۲۴.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۸، م ۱۲.

۴. همان، ص ۱۵۵، م ۶ و ۷.

۵. همان، ص ۱۶۴، م ۷.

۲. خوردن کمی از تربت سیدالشهدا علیه السلام برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد.^۱
۳. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.^۲
۴. خوردن چیزی که برای انسان زیان دارد، حرام است؛ مثلاً خوردن غذای چرب برای بیماری که غذای چرب برایش ضرر قابل توجه دارد، حرام است.^۳
۵. خوردن تخم چهارپایان حلال گوشت نیز حرام است.^۴
۶. نوشیدن شراب و هر مایع مست‌کننده دیگر حرام است.^۵
۷. بر هر مسلمانی واجب است به مسلمان دیگری که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و او را از مرگ نجات دهد.^۶
۸. خوردن غذای دیگری بدون رضایت او حرام است، هر چند کافری باشد که اموال او محترم است؛ مانند اهل ذمه.^۷
۹. غذاهای غیرگوشتی، اعم از سبزیجات، حبوبات، میوه‌ها و فرآورده‌های لبنی — مانند پنیر، ماست، کره و خامه — که از حیوان حلال گوشت گرفته می‌شود، تخم‌مرغ و سایر پرندگان حلال گوشت، نان، بیسکویت، شکلات، آدامس، شیرینی و سایر خوردنی‌هایی که از گوشت حیوان نیست، پاک و خوردن آنها حلال است، هر چند در کشور غیر اسلامی تهیه شده باشد یا از غیر مسلمان خریداری شود، مگر آن‌که یقین کند نجس شده است. پس این مسئله چند صورت دارد:

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۲۸.

۲. همان، م ۱۴۱.

۳. همان، م ۲۶۳۰.

۴. همان، م ۲۶۲۶.

۵. همان، م ۱۱۱، ۲۶۳۲؛

۶. همان، م ۲۶۳۵.

۷. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۹، ۲۸.

- می‌داند که با بدن کافر تماس نداشته یا رطوبتی سرایت نکرده و به شکل دیگری نیز نجس نشده است: پاک و حلال است.
- شک دارد نجس شده است یا نه: پاک و حلال است.
- احتمال می‌دهد نجس شده باشد، ولی یقین ندارد: پاک و حلال است.
- می‌داند بر اثر تماس با بدن کافر یا به شکلی دیگر نجس شده است: نجس و حرام است.

خوردن چیز حرام برای درمان

- در موارد ذیل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:
- حفظ جان متوقف بر حرام باشد؛ مثلاً در موقعیتی قرار گرفته است که به جز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد، از گرسنگی می‌میرد.
 - مداوای مرضی که تحمل آن به‌طور معمول ممکن نیست، متوقف بر خوردن یا آشامیدن حرام باشد و معالجه آن منحصر در استفاده از همان چیز باشد.
 - او را به خوردن یا آشامیدن حرام وادار کنند؛ به گونه‌ای که اگر نخورد، جان یا آبرو یا مقدار قابل توجهی از اموالش به خطر می‌افتد. همچنین اگر جان یا آبروی افراد محترمی در خطر باشد.
 - در مقام تقیه که برای جان و مال و آبرویش ترس داشته باشد. (همان‌طور که در فرض قبل گذشت).^۱

مسئله ۱. در تمام مواردی که خوردن یا آشامیدن حرام جایز می‌شود، باید به مقدار ضرورت اکتفا شود و افزون بر آن جایز نیست.^۲

۱. همان، ص ۱۷۰، م ۳۱ و ۳۲.

۲. همان.

مسئله ۲. درمان بیماری در صورتی با حرام جایز است که به تشخیص پزشکان ماهر و مورد اطمینان، معالجه منحصر در آن باشد و به طور متعارف راه دیگری نباشد.^۱

آداب غذا خوردن

مستحبات

۱. دست‌ها را قبل از غذا و پس از آن بشوید؛
۲. در ابتدای غذا «بسم‌الله» و در پایان «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویید؛
۳. با دست راست غذا بخورد؛
۴. لقمه را کوچک بردارد؛
۵. غذا را خوب بجود؛
۶. میوه را پیش از خوردن با آب بشوید؛
۷. اگر چند نفر بر سر سفره نشسته‌اند، هر کس از غذای جلو خود بخورد؛
۸. میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.^۲

مکروهات

۱. در حال سیری غذا خوردن؛
۲. پرخوری (زیاد خوردن)؛
۳. نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن؛
۴. خوردن غذای داغ؛
۵. فوت کردن به غذا؛

۱. همان، م ۳۴.

۲. همان، م ۲۶۳۶.

۶. پاره کردن نان با کارد؛

۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛

۸. دور انداختن میوه، پیش از آن که آن را کامل بخورد.^۱

آداب آب نوشیدن

مستحبات

۱. در روز، ایستاده آب بخورد.

۲. پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.

۳. با سه نفس آب بیاشامد.

۴. پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند.^۲

مکروهات

۱. زیاد آشامیدن.

۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

۳. با دست چپ آب نوشیدن.

۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن.^۳

۱. همان، م ۲۶۳۷.

۲. همان، م ۲۶۳۸.

۳. همان، م ۲۶۳۹.

مجاز برای نمایندگی ها و طلاب المصطفی

۲

نگاه کردن

یکی از نعمت‌های الهی، قدرت بینایی است. انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هم‌نوعان استفاده کند.

نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد، اشکال ندارد، ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می‌پردازیم.

مَحْرَم و نامَحْرَم

مَحْرَم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست در میان نیست.

افرادی که با مردها محرمند

۱. مادر و مادر بزرگ.

۲. دختر و دختر فرزند.

۳. خواهر.

۴. خواهرزاده (دختر خواهر).

۵. برادرزاده (دختر برادر).

۶. عمّه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش).

۷. خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).^۱

این دسته از افراد به سبب «خویشاوندی نسبی» با هم محرمند. گروهی دیگر هم به سبب ازدواج، با پسرها و مردها محرم می‌شوند (خویشاوندی سببی):

۱. مادر زن و مادر بزرگ او.

۲. دختر زن، هر چند دختر خودش نباشد، اگر با آن زن آمیزش کرده باشد.

۳. زن پدر (نامادری).

۴. زن پسر (عروس).^۲

به جز افراد یاد شده دیگر زن‌ها نامحرمند؛ حتی زن برادر و خواهرزن. البته ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست حرام می‌باشد؛ یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست، مگر آن‌که اوّلی از دنیا برود یا او را طلاق دهد.^۳

افرادی که با زن‌ها محرمند

۱. پدر و پدر بزرگ.

۲. پسر و پسر فرزند (نوه).

۳. برادر.

۴. خواهرزاده (پسرخواهر).

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۷۷، م ۱.

۳. همان، ص ۲۸۰، م ۱۵.

۵. برادرزاده (پسر برادر).

۶. عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).

۷. دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).^۱

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی محرمند. گروهی دیگر نیز به سبب ازدواج، با دخترها و زن‌ها محرم می‌شوند:

۱. شوهر.

۲. پدر شوهر و پدر بزرگ او.

۳. پسر شوهر (هر چند فرزند خودش نباشد) و نوه او.

۴. شوهر مادر (به شرط آن‌که با هم آمیزش کرده باشند).

۵. شوهر دختر (داماد).^۲

اگر زنی با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است بچه‌ای را شیر دهد، آن بچه با آن زن و افرادی دیگر محرم می‌شود که جهت آشنایی می‌توانید به توضیح المسائل مسئله ۲۴۶۴ مراجعه کنید.

به جز افرادی که گفته شد، دیگر مردها نامحرمند؛ حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.^۳

نگاه به دیگران

۱. زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می‌توانند نگاه کنند، هر چند برای لذت بردن باشد.^۴

۱. همان، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.

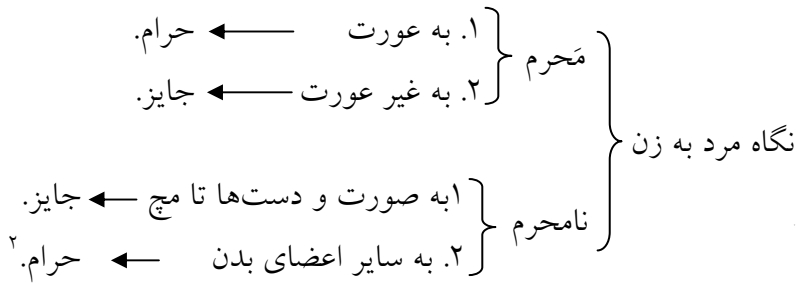
۲. همان، ص ۲۷۷، م ۱.

۳. همان، ص ۲۸۰، م ۱۵.

۴. همان، ص ۲۴۳، م ۱۵ - ۱۹.

۲. به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر فردی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد، حرام است؛ خواه همجنس باشد - مانند نگاه مرد به مرد دیگر - یا غیر همجنس - مانند نگاه مرد به زن - و خواه از محارم باشد یا غیر محارم، و به هر جای بدن نگاه کند، همین حکم را دارد.^۱

۳. نگاه کردن مرد به بدن زن، اگر به قصد لذت نباشد، احکام خاصی دارد که در ادامه می‌آید:



۱. همان.

۲. همان؛ استفتاء؛ توضیح المسائل، م ۲۴۳۳.

۳

ازدواج

کسی که به دلیل نداشتن همسر به حرام می افتد - مثلاً به نامحرم نگاه می کند - واجب است ازدواج کند.^۱

همسر شایسته

سزاوار است انسان به صفات کسی که می خواهد با او ازدواج کند، توجه داشته باشد و تنها به زیبایی و مال اکتفا نکند. برخی از صفات همسر شایسته به بیان پیامبر اکرم ﷺ از این قرار است:

- با محبت باشد.

- عقیف و پاک دامن باشد.

- در میان خانواده خود عزیز باشد.

- نسبت به شوهرش متواضع باشد.

- تنها برای شوهر خود زینت و آرایش کند.

- از شوهر خود اطاعت کند.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۲۴۴۳.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۷.

همسر ناشایسته

برخی از صفات همسر ناشایسته در روایت پیامبر ﷺ چنین آمده است:

- در میان خانواده خود خوار باشد.

- حسود و کینه توز.

- بی تقوا.

- برای دیگران آرایش کند.

- از شوهر اطاعت نکند.^۱

عقد ازدواج

۱. در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست. بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و زن تا قبل از عقد با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.^۲

۲. اگر در عقد ازدواج، یک حرف آن غلط خوانده شود که معنای آن را عوض کند، عقد باطل است.^۳

۱. همان.

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۶۳.

۳. همان، م ۲۳۷۱.

پرسش

۱. کدام یک از چهارپایان اهلی حرام گوشتند؟
۲. خوردن گوشت خرگوش چه حکمی دارد؟
۳. این حیوانات حلال گوشت هستند یا حرام گوشت:
کلاغ و الاغ؛ مار و مورچه؛ گاو و گربه؛ موش و میش.
۴. تخم کبوتر و کلاغ و گنجشک حلال است یا حرام؟
۵. استعمال دخانیات چه حکمی دارد؟
۶. استفاده از نان و شیری که در کارخانجات بزرگ کشوری غیر اسلامی تهیه می شود، چه حکمی دارد؟
۷. استفاده از غذاهای غیرگوشتی - مانند تخم مرغ و سبزیجات - در رستوران کشور غیراسلامی چه حکمی دارد؟
۸. در چه صورتی خوردن غذای حرام جایز است؟
۹. پنج مورد از مستحبات و مکروهات غذا خوردن را نام ببرید.
۱۰. چه کسانی به واسطه ازدواج به یکدیگر محرم می شوند؟
۱۱. چند دسته از زنان با مردان محرمند؟
۱۲. نگاه کردن به موی عمّه و خاله چه حکمی دارد؟
۱۳. نگاه کردن به بدن زن عمو و زن دایی چه حکمی دارد؟
۱۴. آیا ازدواج کردن واجب است؟

والحمد لله اولاً و آخراً